



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.ghaemiyeh.com
www.ghaemiyeh.org
www.ghaemiyeh.net
www.ghaemiyeh.ir

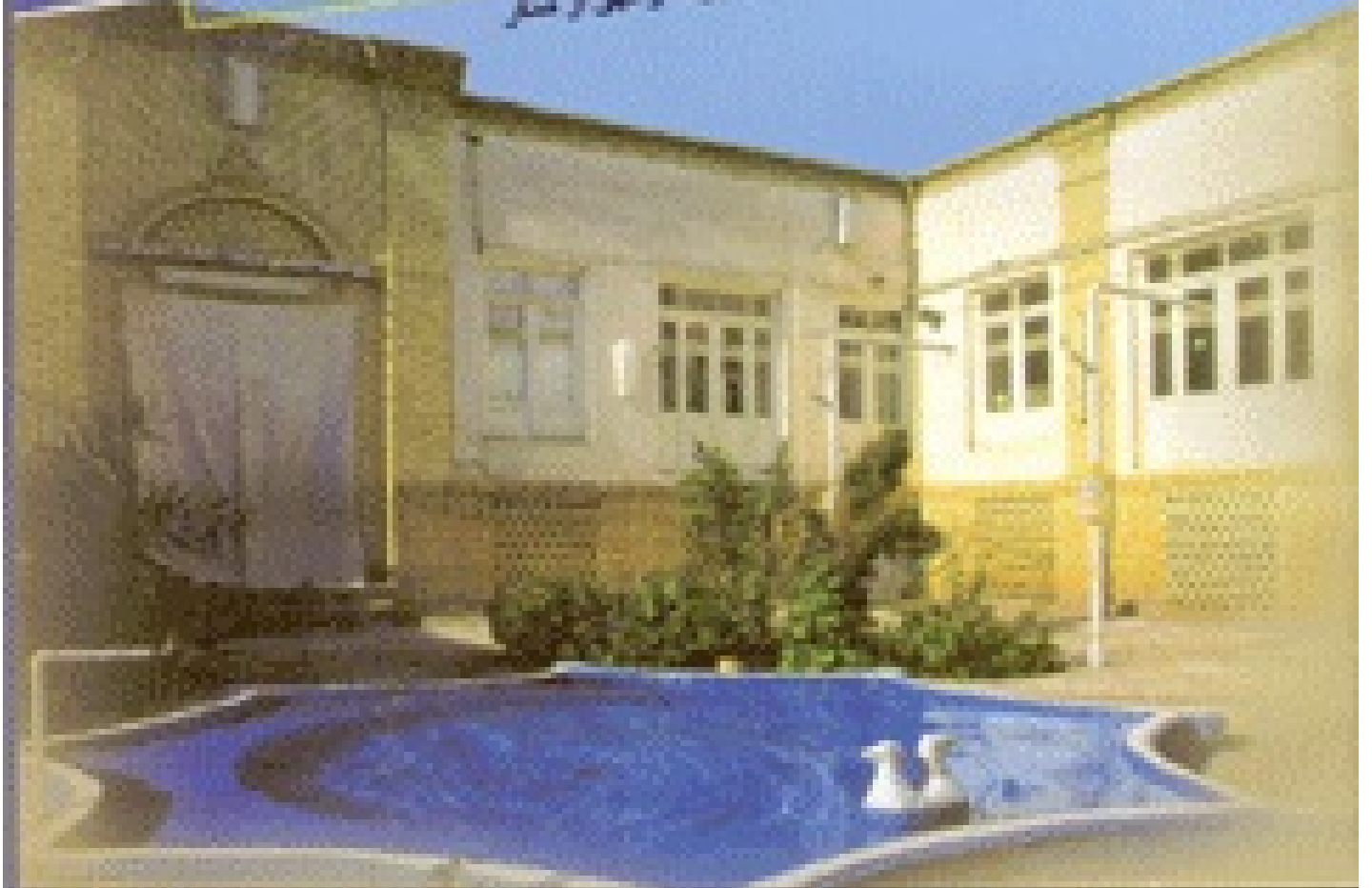
۱۰

فقہ و فنیہ

غلامرضا گلی زواریہ

احکام و آداب مسکن

یہ کتاب مسکن انجمن اہل حدیث کے زیر اہتمام



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

فقه و زندگی 10 : احکام و آداب مسکن

نویسنده:

غلامرضا گلی زواره

ناشر چاپی:

نورالسجاد

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	فقه و زندگی ۱۰ : احکام و آداب مسکن
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۹	فصل اول : مساکن مقدس
۱۳	فصل دوم : مکان آرامش
۱۷	فصل سوم : خانه ی رهبران و کارگزاران نظام اسلامی
۲۴	فصل چهارم : خانه ی علما و بزرگان دین
۳۰	فصل پنجم : جلوه های ظاهری و باطنی در مسکن
۴۳	فصل ششم : بایدها و نبایدها در تهیه و ساخت مسکن
۶۵	فصل هفتم : مسکن، همسایه و اخلاق
۸۹	درباره مرکز

سرشناسه : گلی زواره، غلامرضا، - 1337

عنوان و نام پدیدآور : احکام و آداب مسکن/ غلامرضا گلی زواره؛ به سفارش ستاد احیاء امر به معروف و نهی از منکر

مشخصات نشر : قم: سازمان تبلیغات اسلامی، پژوهشکده باقرالعلوم(ع)، انتشارات نور السجاد، 1383.

مشخصات ظاهری : 192 ص؛ 11/18x5 م

فروست : (فقه و زندگی 10)

شابک : 8-42-7163-964

یادداشت : کتابنامه: ص. 191 - 186

موضوع : مسکن -- جنبه های مذهبی -- اسلام

شناسه افزوده : سازمان تبلیغات اسلامی. پژوهشکده باقرالعلوم(ع). انتشارات نور السجاد

شناسه افزوده : ستاد احیای امر به معروف و نهی از منکر

رده بندی کنگره : 175/230BP/گ8الف3 1383

رده بندی دیویی : 297/483

شماره کتابشناسی ملی : م 82-31961

اطلاعات رکورد کتابشناسی : رکورد کامل

ص: 1

مقدمه

«والله جعل لكم من بيوتكم سكنا وجعل لكم من جلود الانعام بيوتا تستخفونها يوم ظعنكم ويوم اقامتكم.»⁽¹⁾

خداوند خانه هایتان را جای آرامش قرار داد و از پوست چهارپایان برایتان خیمه ها ساخت تا به هنگام سفر و موقع اقامت از حمل آن ها در رنج نیفتید.

مسکن از مهمترین نعمت هایی است که تا آن نباشد دیگر امکانات برای بشر گوارا نخواهد بود. خانه، محیطی است که انسان می تواند از طریق آن اصلی ترین نیازهای فردی و اجتماعی خود را برآورده سازند.

حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

واعلموا عبادالله ان المتقين ذهبوا بعاجل الدنيا و آجل الاخره فشاركوا اهل الدنيا في الدنيا في آخرتهم سكنوا الدنيا بافضل ما سكنت. (2)

آگاه باشید ای بندگان خدا! پرهیزگاران از دنیای زودگذر به سلامت گذشتند و آخرت جاودانه را گرفتند؛ با مردم دنیا در آخرت آن ها شرکت نکردند. پرهیزگاران در بهترین وجه در خانه های دنیا سکونت کردند.

از نظر اسلام، انسان باید در شرایطی زندگی کند که بتواند بهتر عبادت کند و خود را برای زندگی اخروی آماده نماید؛ این گونه نیست که فرد پرهیزگار حتما باید در جایی تنگ و تاریک و محروم از امکانات زندگی کند. قرآن آن لذتی را حرام کرده که آرامش را از آدمی می گیرد و برای او بدبختی و نگرانی به دنبال می آورد. حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

ص: 1

1- . نحل، 80.

2- . نهج البلاغه، فراز دوم، نامه 27.

الدنيا دار مجاز لادار قرار فخذوا من ممرکم لمقرکم؛(1) خانه

دائمی وسیله و امکانات برداشت و از جای ناپایدار برای مکان جاویدان استفاده کرد.

خانه ای که تجملات و تشریفات آن ما را از سرای جاوید غافل نماید آرامش و آسایش به ارمغان نمی آورد، بلکه چون باتلاقی صاحبش را در آلودگی های خطرناک فرو می برد.

سیر تاریخی خانه سازی، که از وضع بسیار ساده ی غارنشینی شروع شده و به شکل پیچیده ی کنونی در آمده است، زندگی در خانه را با مشکلات عدیده ای مواجه کرده است. علی رغم استحکام خانه های امروزی، کمتر فردی است که در آن ها احساس آرامش نماید.

از دیدگاه خواجه نصیر الدین طوسی، اصول مهم خانه سازی عبارت است از: بنیادی استوار، تامین نور و برخورداری از نسیم و هوای ملایم، پرهیز از تکلف، اشرافیت و رفاه زدگی، تفکیک محل سکونت خانواده و میهمانان، وسعت و فراخی بنا، مراعات حال همسایگان، پرهیز از مجاورت با اهل شر و فساد، تامین مصالح از طریق حلال و اجتناب از غصبی بودن زمین و مکان خانه.

از دیدگاه قرآن اگر انسان در خانه ی خویش به گناه و اسراف روی آورد، اگرچه مسکنی استوار هم داشته باشد زمینه های سقوط و هلاکت خویش را فراهم نموده است.

«افلّم یهد لهم کم اهلکنا قبلهم من القرون یمشون فی مساکنهم ان فی ذلک لآیات لا ولی النهی»(2)

آیا آن همه مردمی که پیش از این در مساکن خویش راه می رفتند و ما همه را هلاک کردیم سبب هدایت اینان نشده است! این ها نشانه هایی است برای اهل خرد.

در نوشتاری که پیش رو دارید تلاش شده مسایل مربوط به مسکن با الهام از منابع قرآنی، روایی، دیدگاه های شرعی فقها و سیره بزرگان دین مورد بررسی قرار گیرد. نقد و نظر عالمانه شما را ارج می نهیم.

غلامرضا گلی زواره

تابستان 1382

ص: 2

1- . نهج البلاغه، خطبه 203.

2- . طه، 128.

اولین خانه ی مقدس

خداوند می فرماید: «نخستین خانه ای که برای مردم بنا شده همان است که در مکه می باشد. خانه ای که سبب برکت و هدایت جهانیان است.»(1)

این مکان مبارک برای عموم مردم و جامعه بشری به عنوان مرکز اجتماع و محلی بابرکت بنا گردید. منابع تاریخی و روایی تصریح می نمایند که این خانه به دست حضرت آدم ساخته شد و در توفان نوح آسیب دید و توسط حضرت ابراهیم خلیل علیه السلام تجدید بنا گردید.

ص: 3

خانه ی کعبه از طرف خداوند کانون امن و امان اعلام شده(1)

و اسلام مقررات شدیدی برای اجتناب از هر گونه نزاع و خونریزی در این مکان مقدس وضع نموده است؛ به گونه ای که نه تنها انسان ها، بلکه حیوانات نیز در قلمرو خانه ی خدا در امانند.

از ابن عباس نقل شده که حضرت آدم اولین کسی بود که خانه ساخت و در آن نماز گزارد.(2)

خانه ی اهل بیت علیهم السلام

روایت شده که چون رسول اکرم صل الله علیه و آله آیه ی «فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه»(3) را قرائت فرمودند. مردی برخاست و عرض کرد: ای فرستاده ی الهی این خانه ها را معرفی کنید. حضرت خاطر نشان ساختند: بیوت الانبیاء (خانه های پیامبران) در این حال یکی از اصحاب برخاست و گفت: یا رسول الله! هذا البیت منها - لبیت علی و فاطمه؟ قال: نعم! من افضلها؛ ای رسول خداوند آیا این خانه هم از آن خانه هاست، خانه علی و فاطمه؟ فرمود: بلی! این خانه از جمله با فضیلت ترین آن خانه هاست.(4)

یکی از آثار ارزشمند مدینه منوره که جزء موارث ماندگار صدر اسلام بود، ولی توسط منحرفان و جاهلان متنسک ویران شده خانه ای است که حضرت علی علیه السلام و همسر ارجمندش فاطمه زهرا علیها السلام و فرزندانشان در آن سکونت داشته اند. رسول خدا صل الله علیه و آله نسبت به این خانه علاقه و عنایت خاصی داشت و برای این که پاکی و طهارت و شایستگی ساکنین این خانه را به آگاهی اصحاب و اهل مدینه برساند، هر روز صبح، هنگام رفتن به مسجد از در این خانه عبور می کرد و اهل آن را به عنوان «اهل بیت» خطاب فرموده و به نماز فرامی خواند و آیه تطهیر را تلاوت می فرمود.

از زید بن ارقم نقل شده که رسول اکرم صل الله علیه و آله فرمود: من ماموریت یافتم که غیر از در خانه ی علی علیه السلام همه درها را که به مسجد مدینه گشوده می شود مسدود نمایم.

ص: 4

1- . بقره، 125.

2- . اخبار مکه، ازرقی، ص 7.

3- . نور، 36.

4- . بحار الانوار، ج 23، ص 223.

گوینده ای از شما در این باره سخنی گفت (اعتراض نمود) که باید بگویم به خداوند سوگند من دری را نگشودم یا مسدود نساختم مگر آن که از جانب خدا مامور شدم. (1)

علی علیه السلام تردید داشت که آیا به اقامت خود در مسجد ادامه دهد یا دری را که به خانه خدا گشوده ببندد. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله وارد شد و فرمود: به درستی که خانه برای تو بنا شد، در میان خانه های من ساکن شو به پاکی و پاکیزگی که دارا هستی. (2) و بدین گونه درب حجره حضرت علی علیه السلام بسته نشد و این امتیاز برای آن حضرت در تاریخ ثبت شد. (3)

خانه حضرت خدیجه علیها السلام

خانه حضرت خدیجه علیها السلام منزلگاهی است که گرامی ترین رهبر الهی در حساس ترین مرحله ی حیات فکری، سیاسی و اجتماعی خویش یعنی به هنگام آغاز رسالت در آن می زیست. خدیجه کبری، نخستین زنی که به رسالت پیامبر ایمان آورد، صاحب این خانه بود. عزیزترین زنان جهان، یعنی حضرت فاطمه زهرا علیها السلام، در این منزلگاه دیده به جهان گشوده است. شرافت این منزل وقتی ارتقا می یابد که جایگاه نزول وحی الهی بر پیامبر اکرم صل الله علیه و آله می شود. این منزل در شهر مکه مکرمه از دیرباز مورد توجه جامعه اسلامی بوده و در اعصار گوناگون مسلمانانی علاقه مند در جهت عمران این اثر ارزشمند همت ورزیده اند.

ابراهیم رفعت پاشا در معرفی آن می نویسد: ... مساحت آن چهل متر می باشد. در آن خانه مکتبی است که اطفال در آن قرآن مجید تلاوت می نمایند. در سمت راست آن درب کوچکی قرار دارد که با دو پله از آن بالا می روند و به راهرو باریکی که عرض آن دو متر می باشد وارد می گردند. در آن جا سه درب وجود دارد؛ دری که در سمت چپ قرار گرفته برای اتاق کوچکی است که برای عبادت پیامبر مهیا گردیده بود و در آن جا بر آن حضرت وحی نازل می گردیده است. در سمت راست آن، محل فرو رفته ای است که به گفته می شود پیامبر صل الله علیه و آله آن جا وضو می ساخته اند. در مقابل کسی که به آن راهرو وارد می شود، مکان وسیعتری با شش متر طول و چهار متر عرض (24 متر مربع) قرار دارد که پیامبر با خدیجه در آن زندگی می کرده اند. اما دری که در سمت راست قرار گرفته از آن اتاق مستطیل شکلی است که در وسط آن اتاق کوچکی در

ص: 5

1- . مصباح الموحدين، عباسعلی وحیدی منفرد، ص 58.

2- . همان، ص 77.

3- . الغدير، علامه امینی، ج اول، ص 97.

محلی که حضرت فاطمه علیها السلام متولد شده ساخته اند. بر دیوار این اتاق رفی وجود دارد که یک قطعه سنگ آسیاب قدیمی در آن جا می باشد و گویند حضرت فاطمه به منظور تهیه آرد از آن استفاده می کرده است. در طول این مسکن و راهرو بیرونی آن از سوی شمال فضای باز و بلندی که حدود یک متر و نیم ارتفاع دارد با طول شانزده متر و عرض هفت متر واقع شده که گمان می رود مکانی بوده که حضرت خدیجه اموال تجاری خود را در آن قرار می داده است.

رفعت پاشا می گوید این بود اوصاف خانه خدیجه، خانه ای شمال چهار اتاق؛ سه اتاق اندرونی که یکی از آن ها برای دختران ایشان و دومی برای پیامبر صل الله علیه و اله و خدیجه علیها السلام و سومی برای عبادت رسول خدا و اتاق چهارم که در بیرونی قرار دارد، مخصوص ملاقات با مردم بوده است. این نقشه و طرح زیبا اما عاری از هر گونه تکلف و زینت های دنیایی بسیار ابتکاری و جالب می باشد. (1) متأسفانه این خانه ویران شده و هیچ اثری از آن نیست.

اتاق مخصوص عبادت

شایسته است فرد مسلمان جایی از خانه ی خود را با معنویت این بنای مقدس پیوند دهد و اتاق ویژه ای را به عبادات و انجام فرایض دینی مختص نماید. در بسیاری از روایات به گزینش چنین اتاقی سفارش شده است که به دو نمونه از آن ها اکتفا می شود.

مسمع می گوید: امام صادق علیه السلام به من نوشت « دوست دارم یکی از اتاق های خود را عبادتگاه خودسازی، آنگاه از خدا بخواهی تو را از آتش دوزخ برهاند و در بهشت وارد کند. در آن جا سخن بیهوده و فراتر از حد زبان مران. (2)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: علی علیه السلام اتاق متوسطی را در خانه اش ویژه ی نماز ساخته بود ... (3)

بنای خانه در صورتی با سلامت و آرامش قرین می گردد که جلوه ای از معنویت و پرتوی از نور حق در آن بدرخشد. خانه ی مسلمان باید نمادی از یاد خدا، محصولی از رفعت و عظمت و میوه ای از تسبیح حق در شب و روز باشد؛ چنانچه قرآن بر این موضوع اصرار دارد؛

ص: 6

1- . مرآه الحرمین، ص 189.

2- . بحار الانوار، علامه مجلسی، ج 76، باب 31، روایت سوم، ص 162.

3- . همان، ج 41، باب 101، روایت هفتم، ص 15.

در خانه هایی که خداوند اذن داده که بزرگ داشته شوند و نام او در آن ها یاد گردد و او را در آن خانه ها بامدادان و شبانگاهان به پاکی ستایند. (1)

حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

خانه ی مومن محل عبادت اوست. (2)

در بحث اختصار آمده است؛ اگر جان دادن محتضر سخت باشد مستحب است او را به مکانی منتقل کنند که در آن جا نماز می خوانده است؛ به شرط آنکه موجب اذیت او نشود. (3)

فصل دوم : مکان آرامش

مسکن، محل اصلی زندگی آدمی

مسکن حداقل برای خانواده های کم درآمد شهری، مخصوصا در کشورهایی که در حال توسعه هستند، لزوما به معنای یک خانه نیست، بلکه ممکن است شامل یک قطعه زمین با شیر آب و چاه فاضلابی باشد. مسکن حداقل را به سختی می توان یک خانه نامید.

ص: 7

1- . نور، 36.

2- . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، شهید پاک نژاد، ج دوم، ص 167.

3- . العروه الوثقی، السید محمد کاظم الیزدی، ج 1، ص 266.

در حال حاضر میلیون ها خانواده در شهرهای مختلف جهان زندگی می کنند که هرگز معنای آسایش و آرامش خانه ای را که به خودشان تعلق داشته باشد و از رفاه اولیه برخوردار باشد درک نکرده اند. زاغه نشینی، حاشیه نشینی و زندگی در آلودگی ها از پدیده های نگران کننده شهرهاست.

واحد مسکونی محل اصلی زندگی خانواده است و باید شامل فضای کافی برای غذا (تهیه مصرف و ذخیره) دور هم نشستن، خوابیدن، فعالیت های فردی از قبیل انجام تکالیف اعضاء و کوشش های دیگر باشد.

مسکن بر بهره وری و ثبات خانواده تاثیر می گذارد و احساس عزت و سربلندی و نیز حاکمیت امنیت و آسایش بر ساکنین آن باید تحقق یابد. به همین دلیل حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله برخورداری از مسکنی خوب را از سعادت مرد دانسته اند. [\(1\)](#)

امام چهارم فرموده اند:

از خوشبختی مرد است که کسبش در محل اقامت (وطن) خودش باشد و نیاز به آوارگی و دوره گردی نداشته باشد. [\(2\)](#)

عوامل موثر در پیدایش مسکن

توجه به مسایل بهزیستی و بهداشتی، دسترسی به تسهیلات عمومی از قبیل مراکز درمانی، مدرسه، کتابخانه، مراکز خرید، کانون های تفریحی و مهمتر از آن ها قرار گرفتن در حوالی مرکزی مذهبی و مقدس بر ارزش و اعتبار مسکن می افزاید. همچنین هوای پاک، فضای باز، میزان تحمل سر و صدا، کمی جمعیت، عملکرد موثر، ظاهر خوب و مصونیت در مقابل حوادث طبیعی، ملاحظه مسایل فرهنگی، ارزش ها و هنجارهای اخلاقی از شرایطی است که باید مسکنی خوب از آن برخوردار باشد. [\(3\)](#)

دخل و تصرف در فضا، نظم و نسق دادن، سازماندهی و ساماندهی فضا و معنا دادن به آن، معماری خانه را پدید می آورد.

ص: 8

1- . نهج الفصاحه، حدیث شماره 2761، ص 571.

2- خصال صدوق، ص 164.

3- . ابعاد اجتماعی مسکن، ترجمه عباس مخبر، ص 18، 33، 38.

انسان در عین حال که با ساختن سرپناه، نیازها و مقاصد مادی و فیزیکی خود را برآورده می نماید، رنگ تعلقات مذهبی، عاطفی و فرهنگی خویش را در خانه به نمایش می گذارد.

اهمیت خانه سازی در اسلام

خانه سازی آنقدر در اسلام حائز اهمیت است که از روزی که مسلمان در پی تهیه و جهی برای ساختن منزل است دوست خدا شمرده می شود.

اگر صاحب خانه ورشکست شود، اسلام خانه را از مستثنیات دیون دانسته و به طلب کار اجازه ی مطالبه ی آن را نمی دهد. (1)

محمد بن ابی عمیر، از پرورش یافتگان مکتب اهل بیت علیهم السلام، مدتی به شغل بزازی اشتغال داشت و دارای تمکن مالی بود، ولی در اثر حوادثی، اموالش از دست رفت و به فقر و تنگدستی مبتلا گردید. از مردی ده هزار درهم طلب داشت. مدیون برای آن که بدهی خود را بپردازد، خانه ی مسکونی خویش را فروخت و با پول آن روانه ی خانه ابن ابی عمیر شد، در را کوبید، صاحب خانه از منزل بیرون آمد. مدیون پول ها را تحویلش داد. پرسید این پول را چگونه به دست آورده ای؟ گفت: خانه مسکونی ام را فروخته ام. ابن ابی عمیر گفت: ذریح محاربی از امام صادق علیه السلام نقل کرده که آن حضرت فرموده است:

مرد مدیون برای ادای دین از منزل مسکونیش رانده نمی شود. (2)

بعد افزود، به خدا قسم! با آن که هم اکنون در مضیقه ی مالی هستم، به نحوی که حتی به یک درهم آن نیاز دارم، اما این پول را نمی گیرم.

در این ماجرا اخذ ده هزار درهم برای ابن ابی عمیر از نظر موازین شرعی بلامانع بود، زیرا او مدیون را به فروش منزل مسکونی ملزم نکرده بود. (3) اما او به اخلاق اسلامی عمل کرد و ایثار نمود.

ویژگی خانه ی مسلمان

فلسفه انجام عبادات تحقق تقوا در عرصه ی حیات انسانی است. اگر اعضای یک خانواده با تقوا باشند، کلید خیر دنیا و آخرت را بدست آورده اند. محل سکونت آنان در امنیت و آسایش است، زمینه رشد و تکامل آنان به بهترین صورت فراهم است.

ص: 9

1- توضیح المسائل امام، مسئله 2309.

2- جواهر کلام، ج 25، ص 334.

3- اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، محمد تقی فلسفی، ج اول، ص 305-304.

تجمل گرایی، اسراف، افراط و زیاده روی در فراهم آوردن امکانات محل سکونت از نظر حق، کاری شیطانی، امری ناپسند و برنامه ای مطابق با هوای نفس است. در تهیه مسکن باید از چشم و هم چشمی پرهیز کرد و به امور معنوی و معتدل خو گرفت و آنان را که در لذاند دنیوی و تجملات غرق شده و از یاد حق غافل گشته اند، سرمشق قرار نداد.

خانه باید از نظر باطن در حد اعلای معنویت و از نظر ظاهر ساده و بی پیرایه باشد، که دل ها به هوا و هوس دچار نشوند و روح ها و روان ها از حضرت حق فاصله نگیرند. انسان برای زیستن نیاز به خانه دارد، ولی باید مراقب بود که در این مسیر فکر و اندیشه و ایمان به اسارت نرود. خانه باید ضمن تامین آرامش و آسایش اهل آن، سکوی پرواز به سوی معبود باشد و باید آن را با رعایت تقوا و قناعت، توجه به خدا و قیامت بنیان نهاد و خشنودی خداوند را در این طریق مد نظر داشت. (1)

ص: 10

1- . ر.ک: خانواده در اسلام، حسین انصاریان، ص 53-52.

فصل سوم : خانه ی رهبران و کارگزاران نظام اسلامی

خانه رسول اکرم صل الله علیه و آله و علی علیه السلام

رسول اکرم صل الله علیه و آله در خانه ای ساده و بدون پیرایه زندگی نمود و چون به سوی حق شتافت خشتی بر خشت نهاده بود. (1)

حضرت علی علیه السلام در حالی دنیا را طلاق داد که اموال زیادی از بلاد اسلامی به سوی سرانیز می شد، ولی همه را میان مردم تقسیم می کرد. (2)

سفیان ثوری می گوید: علی علیه السلام نه آجری بر آجر نهاد و نه چوبی روی چوبی؛ حتی حاضر نگردید به کاخ سفید کوفه وارد شود. فقیران را بر خود ترجیح داد و آن ها را در آن مکان مستقر ساخت. گاهی اوقات شمشیرش را می فروخت تا عبا و طعام خویش را تهیه کند. (3)

از اصیغ بن نباته روایت شده است که، چون علی علیه السلام به کوفه آمد، به او عرض کردند، کدامین کاخ را برای سکونت در نظر بگیریم؟

فرمود: مرا در کاخ بومان (مکان شوم و کاخ فساد) منزل ندهید. پس به سرای جعد بن هیبره مخزومی (پسر خواهر ام هانی دختر ابوطالب) وارد شد.

چون آن حضرت به کوفه آمد، بر در مسجد پیاده شد و در این مکان نماز گزارد. سپس به دیوار تکیه داد و مردم پیرامونش نشستند. چون خستگی از او برطرف گردید عرض کردند: در کدام قصر منزل می نمایی؟

فرمود: مرا در کاخ خبال (کاخ فساد) منزل ندهید. (4)

ص: 11

1- . احیاء علوم الدین، غزالی، ج 3، ص 215، ج 4، ص 236.

2- . شرح نهج البلاغه، ابن ابی الحدید، ج اول، ص 26.

3- . عبقریه الامام، عباس محمود عقاد، ص 29.

4- . پیکار صفین، ص 18- 19.

ابن جوزی از سوید بن غفله نقل می کند که، روزی خدمت حضرت علی علیه السلام رسیدم، دیدم در خانه ی ایشان غیر از حصیری کهنه که روی آن نشسته، فرشی دیده نمی شود.

عرض کردم: ای امیر اهل ایمان مگر شما فرمانروای مسلمانان نمی باشید؛ مگر بیت المال در اختیاران نیست؟ نمایندگان دولت ها بر شما وارد می شوند در حالی که در محل سکونت شما جز قطعه حصیری چیز دیگری مشاهده نمی شود.

امام فرمود: ای سوید، انسان عاقل در خانه ی انتقالی لوازم و اثاث نمی آورد و حال آن که خانه ی همیشگی (سرای جاویدان) در پیش روی اوست. ما زندگی و امکانات خود را به آن جا انتقال داده ایم و به زودی به آن دار قرار خواهیم رفت. (1)

چه نیکو سروده آن شاعر شیرین سخن که:

مقصد ز کاخ و صفه و ایوان نگاشتن

کاشانه های سر به فلک برافراشتن

گل های رنگ رنگ و درختان میوه دار

در باغ و بوستان ز سر شوق کاشتن

دانی که چیست؟ تا به مراد دل اندر آن

یک لحظه دوستی بتوان شاد داشتن

ورنه چگونه مرد عاقل بنا کند

از خاک، خانه ای که بیاید گذاشتن (2)

حضرت علی علیه السلام درباره ی حضرت عیسی علیه السلام فرموده اند: او سنگ را با بالش قرار می داد. لباس خشن می پوشید. نان خشک می خورد، خورشش گرسنگی، چراغ شب هایش ماه،

ص: 12

1- . تذکره الخواص، سبط ابن جوزی، ص 110.

2- . دکتر باستانی پاریزی می گوید این شعر از ابن یمین است، اما مرحوم آیتی در آتشکده یزدی، ص 382 آن را عشرتی نیروی می داند (نک: در شهر نی سواران، ص 442).

مسکنش در زمستان مشرق و مغرب آفتاب بود (صبح ها در جانب مغرب و عصرها در جانب مشرق روبروی آفتاب قرار می گرفت).
مرکبش پاها و خادمش دست هایش بود. (1)

خانه ی استاندارد مدائن (سلمان فارسی)

سلمان فارسی، صحابی پارسای پیامبر اکرم صل الله علیه و آله و فرمانروای مدائن، خانه نداشت و هر جا بود زیر سایبانی فرود می آمد. مردی به او گفت: آیا برای تو خانه ای بسازم که از تابش آفتاب و سختی سرما در امان باشی؟ جواب داد آری؛ چون آن مرد برخاست برود، سلمان وی را فرخواند و گفت: آن را چگونه می سازی؟ گفت: چنان می سازم که اگر بر خیزی سرت به سقف آن برخورد کند و اگر در آن دراز بکشی پایت از هر سو به دیوار برسد. سلمان گفت: آری همین گونه بساز. (2)

خانه ی شهید مدرس

خانه ای که در آن مدرس دیده به جهان گشود، در مرحله دشت زواره واقع شده است. بنایی است از خشت و گل و عاری از هر گونه تکلفات. او پس از پایان تحصیلات در نجف به اصفهان آمد و در منزلی استیجاری اقامت نمود، تا این که شترداران مهیاری و شهرضایی نذر کردند اگر سفر خود را به سلامتی طی کنند از کرایه هر شتر یک ریال جمع کرده خانه ای برای مدرس خریداری نمایند. با این پول، که به 1700 ریال بالغ گشت منزل مخروبه ای در نزدیکی بازار اصفهان، سرای معروف به ساروتقی خریداری شد. در این کلبه کوچک، شهید مدرس برای خود اتاقی در نظر گرفت و شروع به تهیه مصالح ساختمانی برای احیای این بنا نمود. برای تهیه گل کارگری اجیر کرد و خود به خشت زدن پرداخت. فرزندش می گوید: آقا خشت می زد و وقتی نیمه خشک می شد ما جمع کردیم تا کاملاً خشک شود.

بدین ترتیب مدرس دو اتاق احداث نمود. پس از بازسازی و مرمت این خانه ی مخروبه و آماده نمودن آن برای سکونت، زن و فرزندان را که در روستای اسفه، از توابع شهرضا ساکن بودند، به اصفهان آورد و زندگی ساده ای را در این منزل شروع کرد.

چون مدرس به عنوان عالمی طراز اول و مجتهدی پرآوازه از سوی مراجع عظام وقت به مجلس شورای ملی معرفی شد، به آبادی اسفه رفت و خانه موروثی خویش را به ساختن حمام اختصاص

ص: 13

1- . نهج البلاغه، خطبه 160.

2- . طبقات، محمد بن سعد کاتب واقدی، ترجمه دکتر محمد مهدی دامغانی، ج 4، ص 77.

داد و آسیاب روستا را تعمیر و دایر کرد و با همان گاری بارکشی که برای تهیه آجر و سنگ تهیه کرده بود به تهران عزیمت نمود. در این شهر دوستاش دو اتاق پیدا کردند که اجاره یکی سی ریال و اجاره دیگری سی و پنج ریال بود. مدرس بدون آن که از نزدیک این اتاق ها را ببیند آن را که اجاره ای کمتر داشت برگزید. گفتند اتاق سی و پنج ریالی امکانات بهتری دارد و ... گفت:

من همین یکی را انتخاب می کنم. چیزی که استقلال عقیده و اراده را تهدید می کند نیاز است؛ من نمی خواهم به کسانی یا افرادی محتاج باشم زیرا نوکری می آورد. می خواهم زبانم برای بیان حقایق و دفاع از محرومان باز باشد.

شبی منزل مدرس مورد استقبال سارقان قرار گرفت. بدین جهت محل مزبور را ترک نمود و به خیابان شاه آباد رفت و در منزل مردی به نام عبدالکریم مسکن گزید. سید حسن مدرس در خانه مشهدی عبدالکریم یک اتاق جنب راهرو برای بیرونی و اتاق دیگر برای مسکن زن و پسرش سه ساله اش بیشتر نداشت. دیوارهای داخلی اتاق او کاه گلی بود و گلیم راه راه فرسوده ای فرش آن را تشکیل می داد. در اتاق مزبور، که حدود 24 متر مربع مساحت داشت، ملاقات کنندگان اعم از وزیر، وکیل، و افرادی عادی وارد می شدند و مسایل خود را مطرح می کردند.

حقوق وکالت شهید مدرس ماهی صد تومان بود که بیش از سی تومان آن را استفاده نمی کرد و مابقی آن در صندوق اداره مباشرت مجلس می ماند. چون عیالش (دختر عبدالکریم) مرحوم گردید و عبدالباقی هم جوانی شده بود که نیاز به خانه ای مستقل داشت، با مانده آن پول و مقدار دیگری که قرض نمود خانه ای دو قسمتی در کوچه میرزا محمود (خیابان سابق برق تهران) خرید که بخشی از آن را تعمیر کرد و فروخت و از بهایش قرض خود را پرداخت و مازاد آن را به مصرف تعمیرات دیگر رسانید. از آن زمان تاکنون، این کوچه و آن خانه را به نام مدرس می شناسند. خانه مزبور توسط میراث فرهنگی شناسایی و ثبت تاریخی گردیده است و در محله عودلاجان تهران قرار دارد.

امام خمینی درباره ی مدرس فرموده اند:

مدرس یک انسان بود و وضع زندگیش آن بود که شما شنیده اید و من دیدم. وقتی که وکیل شد با یک گاری تک اسبی به تهران آمد. منزلش از نظر ساختمان محقر بود، زندگی او پایین تر از زندگی مردم عادی بود.

دکتر میلسپو، مستشار مالی و رئیس خزانه داری که در سال 1351 ه. ق در استخدام دولت ایران بود، می گوید: مدرس در خانه ای ساده زندگی می کند... غیر ممکن است کسی در ملاقات با او تحت تاثیر سادگی، هوش و قدرت رهبریش قرار نگیرد. (1)

اقامت گاه های امام خمینی (ره)

امام خمینی، در ابتدای تشکیل خانواده، منزلی کوچک اجاره نمود که اثاث آن را همسرش، خانم خدیجه ثقفی (قدس ایران) آورد. این لوازم شامل گلیمی ساده، یک دست رخت خواب، چراغ خوراک پزی، قوری، استکان، نعلبکی و یک عدد قابلمه بود، تا این که بعد از دو سال لوازمی که از پدر امام به ارث رسیده بود، آیه الله پسندیده برای امام فرستادند. این لوازم نیز کهنه و فرسوده بودند. (2)

امام در نجف نیز منزلی محقر تهیه نمود، که در یکی از کوچه های شارع الرسول، قرار داشت. این خانه را حاج شیخ نصرالله خلخالی برای ایشان تهیه نمود و برخی طلبه ها و عده ای از مردم به سفارش وی لوازمی چون فرش کهنه، گلیم مندرس، سه - چهار دست رخت خواب، وسایل چای برای پذیرایی از مراجعین، تدارک دیدند.

چون آشپزخانه ای کوچک داشت دیگ غذا را در حیاط قرار می دادند. دو اتاق که مساحت هر کدام دوازده متر مربع بود و در پایین و دو اتاق در بالا فضاهای این منزل را تشکیل می داد که یکی از آن ها قابل استفاده نبود.

خبرنگار لوموند در گزارشی می گوید: در پیچ یکی از کوچه های تنگ نجف مسکن محقر آیه الله خمینی قرار دارد. این خانه همچون منزل فقیرترین افراد نجف است. (3)

خدمتکار منزل امام در نجف (نادعلی) می گوید: سقف یکی از اتاق های منزل اجاره ای امام در نجف ترک خورده بود و خاک می ریخت. یک روز به آقا گفتم اجازه بدهید این سقف را تعمیر کنیم.

فرمودند: لازم نیست، مقداری کهنه لای شکاف بگذار.

ص: 15

- 1- . شهید مدرس ماه مجلس، ص 91-90؛ داستان های مدرس ص 63-62؛ سرای اهل صفا، ص 70-69.
- 2- . سیمای آفتاب جماران (خاطراتی از زندگی امام خمینی از زبان خانم فریده مصطفوی) روزنامه اطلاعات، شماره 22213.
- 3- . فرازهای فروزان، از نگارنده، ص 52 و 54.

دکتر محمود بروجردی می گوید: یک روز بعد از ظهر که در بیت امام در جماران بودم حاج مصطفی کفاش زاده، از من خواست کمک کنم حیاط خانه را متر کند.

پرسیدم: برای چی؟

گفت: می خواهم برای بالای حیاط خانه سقف برزنتی بزنیم تا در روزهای بارانی وقتی امام می خواهند از حیاط کوچک منزل بگذرند و به حسینیه بروند خیس نشوند و نیازی به چتر نباشد. رفتیم داخل خانه و مشغول متر کردن شدیم. امام ما را دیدند. سوال کردند چه کار می کنید؟ ما چرا را برایشان نقل کردم.

نگاهی به من کردند و فرمودند: همین جور آدم یواش یواش طاغوتی می شود. (1)

محل سکونت مقام معظم رهبری

منزل پدری مقام معظم رهبری، حضرت آیه الله خامنه ای، با مساحت حدود هفتاد متر مربع در محله فقیرنشین مشهد قرار داشت، که منحصر به یک اتاق و زیرزمین بود. هنگامی که برای سید جواد - پدر ایشان - میهمان می آمد اهل خانه به زیرزمین می رفتند. بعدها عده ای از علاقه مندان برای ایشان زمین کوچکی در کنار این منزل خریدند و در آن دو اتاق ساختند و بدین گونه خانه ایشان دارای سه اتاق گردید. (2)

مقام معظم رهبری در مراحل بعدی زندگی و در دوران مسئولیت های مهم سیاسی اجتماعی در خانه ای سکونت داشتند که از هر گونه امکانات رفاهی ویژه و تشریفات خاص بی بهره بود و در بین محل سکونت ایشان و اقشار عادی مردم فاصله ای احساس نمی گردید. از قول ایشان نقل شده که همه اسباب و اثاثیه ی منزل او (بجز کتاب هایش) در یک وانت بار جا می شود.

خانه ی رئیس جمهور شهید، محمد علی رجایی

ص: 16

1- روزنامه اطلاعات، شماره ی 22805، ص 3.

2- زندگینامه ی مقام معظم رهبری، موسسه فرهنگی قدر ولایت.

شهید رجایی وقتی از قزوین به تهران آمد نخست در محله ی خانی آباد، بعد در خیابان ری و سپس در خیابان فرهنگ و سرانجام در چهار راه عباسی، در جنوب تهران، مستاجر بود، تا آن که برادرش موفق به خرید خانه ای کوچک در چهار راه رضایی شد و در آن جا ساکن شدند.

همسرش می گوید وقتی قرار شد برای تشکیل زندگی مشترک با هم گفتگویی داشته باشیم، در اتاقی که ایشان اقامت داشتند رفتیم. یک میز با چند صندلی و چراغ علاء الدین لوازم زندگی او را تشکیل می داد. کف اتاق نیز با زیلویی فرش شده بود، به من گفتند تمام دارایی من همین است؛ به اضافه تعدادی کتاب، شهید رجایی تا پایان عمر در این خانه زندگی کرد.

آری خانه عالی ترین مقام اجرایی کشور در کوچه پس کوچه های جنوب تهران قرار دارد، خانه ای قدیمی در یک طبقه که دیوارهای بیرونی آن از یک طرف با کاه گل و از سوی دیگر با آجرهایی فرسوده خودنمایی می کند و چون آدمی به داخل این خانه پا می گذارد احساس می کند به خانه یکی از افراد معمولی و حتی محروم قدم نهاده است. در آغاز مسئولیت نخست وزیری اش یک نقاشی ساده به خانه ی مزبور حالت داد و تا حدودی کاستی ها و فرسودگی های آن را پنهان ساخت.

یکی از مسئولین نقل کرده اولین باری که به خانه رجایی رفتیم زمستان سال 1359 بود. همانجا گفتیم مگر یک بخاری در خانه شما نیست؛ ما که داریم از سرما می لرزیم، مگر شما به اندازه افراد عادی نفت نمی گیرید! تابستان هم که رفتیم از شدت گرما حالت خفگی به آدم دست می داد.

همسرش می گوید، به دلیل خطرات ناشی از ترورهای منافقین ناگزیر شدیم تابستان پنجره اتاق ها را مسدود نماییم، از این جهت محل سکونت ما بیش از گذشته گرم بود. شهید رجایی در تعاونی محل برای دریافت یک دستگاه کولر ثبت نام نمود (چون آن وقت این گونه کالاها از طریق جیره بندی و قرعه کشی عرضه می گردید). یک روز مشاهده کردیم کولری آورده اند و می خواهند آن را نصب کنند. به رجایی تلفن کردم و پرسیدم شما گفته اید کولر بیاورند؟ جواب دادند، قبول نکنید و آن را برگردانید. بعدها در مصاحبه ای توضیح داد، اگر قرار است کولری داشته باشیم مثل بقیه مردم باید در نوبت قرار گیریم و اگر مقرر گردید کولر به من داده شود به دلیل مسئولیتی که دارم باید آخرین نفری باشم که این وسیله را دریافت می دارم. خانه شهید رجایی به موزه تبدیل گردیده. (1)

ص: 17

منزل حاج شیخ مهدی مازندرانی

امام خمینی (ره) خطاب به ائمه جمعه و جماعات، ضمن نصیحتی طولانی، فرموده اند: در قم چهار عالم و فقیه بودند که ساده زندگی کرده اند؛ یکی از آن ها علامه شیخ مهدی مازندرانی امیر کلایی است و باید از زندگی آنان درس و عبرت گرفت.

امام خمینی در یکی از بیانات خود فرموده اند:

... آن چیزی که روحانیت آن را تا حال پیش برده و حفظ کرده است، این است که ساده زندگی کردند، آن هایی که منشاء آثار بزرگ بودند در زندگی، ساده زندگی کردند. شاید آقایان به یاد داشته باشند آن وقتی که ما به قم آمدیم در آن جا چه اشخاصی بودند. شخص اول قم در جهت زهد و تقوا و این ها مرحوم آقا شیخ ابوالقاسم قمی، مرحوم آقا شیخ مهدی (مازندرانی) و عده دیگر ... وقتی انسان در آن محیط واقع می شد که این ها را می دید همین دیدن ها برای انسان یک درسی بود، عبرت بود. هرچه بروید سراغ این که یک قدم بردارید برای این که خانه تان بهتر باشد، از معنویت تان به همان مقدار، از ارزشتان به همین مقدار کاسته می شود. ارزش انسان به خانه نیست، به باغ نیست (1)...

پسرش نقل می نمود زمانی که پدرم در بابل استقرار یافت در منزلی موقت مهمان شدیم. مرحوم نادری، که سردفتر ثبت اسناد بود، نزد ایشان آمد و گفت: آقا شما این دفتر را امضا کنید چون صاحب این خانه می خواهد آن را به شما تقدیم کند، گفت: دفترتان را جمع کنید. من می خواستم بگویم پدر قبول کن، حاج شیخ گفت: همان یک خانه که دارم برایم کفایت می کند.

در ابتدای هجرت به قم در منزل آیه الله حاج میرزا محمد ثقفی (پدر همسر امام خمینی) به طور موقت اقامت گزید. پس از آن در کوچه ارک خانه ای اجاره کرد و بعد از انقضای زمان اجاره

ص: 18

باز منزلی دیگر در همین کوچه اجاره نمود. بعدها که صاحب خانه، آن منزل را در معرض فروش قرار داد جمعی از دوستانش آن را برای ایشان خریدند.

خانه ی حکیم ملا هادی سبزواری

حاج ملا- هادی سبزواری، فیلسوف و حکیم ایرانی، در تمام عمر در خانه ای ساده زندگی کرد. او در این منزل سالیان متمادی به حل و فصل پیچیدگی های منطق و فلسفه پرداخت و منظومه خویش را در همین خانه سرود. اتاق پذیرایی اش، که در آن جا ناصرالدین شاه را به حضور پذیرفت، حدود 16 متر مربع مساحت داشت. سقف آن را با نی و چوب پوشانده بود و حتی کاه گل نداشت، و زیراندازش هم حصیر بود. ناصرالدین شاه، که در این ملاقات در پی اغراض سیاسی است، با تعجب به در و دیوار منزل نگاه می کند. حکیم سبزواری متوجه قصد و تعجب او شده، می گوید:

اگرچه فرش زیر پای من بوریاست

ولکن جایگاه شیر در نیستان است

متأسفانه چند سال قبل، این خانه تخریب و ساختمان جدیدی در محل آن احداث شد. (1)

خانه ی آیت الله بروجردی

یکی از خبرنگاران آمریکایی علاقه مند شد با زندگی آیه الله بروجردی آشنا شود. وقتی خانه ای کهنه و قدیمی، اتاق های شکسته و ترک خورده، درهای قدیمی و رنگ و رورفته را مشاهده کرد و آقا را در میان اتاقی ساده و بدون تشریفات دید، با حیرت گفت:

بسیار عجیب است که مردی با این عظمت و شهرت جهانی در خانه ای بی آرایش زندگی می کند. بعد به اطرافیان آقا گفت: اگر به واتیکان رفته بودید، می دید که کاخ اختصاصی پاپ و رئیس مذهب کاتولیک دارای چه تزئینات و تشریفات است.

بعد دست خود را به ستون گچی کنار عمارت آیه الله بروجردی زد و افزود: آقا، شیعه احتیاج به تبلیغ و مبلغ ندارد؛ شما فقط از همین زندگانی ساده ی مرجعتان فیلم برداری کنید، و به دنیا

ص: 19

1- . مطلع الشمس، محمد حسن خان صنیع الدوله، ج سوم، ص 984.

نشان دهید مردی که دنیا را متوجه خود نموده و در هر ماه میلیون ها تومان بابت وجوهات به او می رسد و او هم به دیگران می رساند، در چنین خانه ای زندگی می کند. (1)

منزل حکیم الهی قمشه ای

مرحوم الهی قمشه ای به دلیل زهد و همنشینی با پایین ترین طبقات مردم بسیار قانع بود و مسکنی بسیار ساده داشت.

همین خانه ی ساده و محروم از امکانات و عاری از تجملات زینت های دنیایی، بوستان معرفتی بود که بسیاری از دانشوران حوزه و دانشگاه از رایحه ی معطر آن بهره مند گردیده اند، جلسه درس و بحث فاضل وارسته اغلب اوقات در خانه اش بود.

علامه حسن زاده آملی که در چنین منزلی در برابر او زانوی ادب بر زمین زده است می گوید: زمستان ها در اتاق درسش نه کرسی بود، نه بخاری؛ فقط یک چراغ لامپای گوردسوز و فرشی کهنه دیده می شد.

منزل استیجاری آیت الله سید احمد خوانساری

آیه الله حاج سید احمد خوانساری (1309-1405 ه.ق) در زهد و ساده زیستی نمونه بود. با این که پرداخت شهریه ی قابل توجه طلاب تهران، مشهد، قم و نجف را عهده دار بود، ولی هرگز در آن تصرف نکرد و تا آخرین لحظه ای که در قید حیات بود خانه شخصی نداشت و عمری را در منزل استیجاری گردید. (2)

محدث قمی هرگز صاحب خانه نشد

مرحوم محدث قمی، صاحب مفاتیح الجنان، در رمضان سال 1354 ه.ق وارد نجف اشرف گردید و به منزل حاج محمد علی اشکنانی واقع در محله جدید رفت. وی که از افراد متدین بود و به حاج شیخ عباس قمی علاقه داشت خانه مذکور را در اختیار ائی گذارد، ولی حاج شیخ به قصد اقامت دائم، منزل مورد اشاره را اجاره نمود و تا پایان عمر در همین خانه ی کوچک و محقر ساکن

ص: 20

1- فصلنامه یاد، سال سوم، شماره 10، بهار 1376، ص 129.

2- سیری در آفاق، حسین حیدری کاشانی، ص 128، نجوم امت، مجله نور علم، شماره ی هشتم، ستارگان حرم، ج اول، مقاله ی محمد عابدی میانجی، ص 215.

بود. خانه ای دارای دو اتاق، یکی در بالا که محل کار او بود و یکی هم در پایین که محل زندگی خانواده اش بود. فرش اتاق محل نشیمن همسر و فرزندانش دو گلیم بود که دو سوم اتاق را مفروش می ساخت و تا آخر هم این وضع ادامه داشت و چیزی به امکاناتش اضافه نشد. (1)

خانه ی آیه الله حاج شیخ مرتضی حائری

خانه ی ایشان همان منزل خشت و گلی پدرشان بود که تا آخر عمر در آن زندگی کردند؛ بدون این که نوسازی یا تعمیر و تغییری در آن انجام دهد. فردی اظهار آمادگی کرد با خرج خود خانه ایشان را به کلی برهم بزند و بنایی جدید دو یا سه طبقه بسازد، ولی آن فقیه زاهد نپذیرفت. به راستی که مسکن آن بزرگوار با آن کهنگی و فرسودگی آدمی را به یاد کلام حضرت علی درباره ی رسول اکرم صل الله علیه و آله می اندازد که فرموده اند: ورد الاخره سلیمان لم یقع حجرا علی حجر؛ در سلامت کامل برای سرای آخرت پا نهاد و سنگی بر سنگی نهاد. (2)

محل سکونت حاج میرزا علی آقا شیرازی

حاج میرزا علی آقا شیرازی، استاد عرفان و اخلاق شهید بزرگوار آیت الله مطهری، از موقعی که زندگی مستقلی تشکیل داد خشتی بر روی خشتی نهاد. خانه ی مسکونی او به همسرش تعلق داشت که از ارث پدری به او رسیده بود. خانه ای محقر که درهای اتاق های آن فاقد شیشه بود و با کاغذ جای قاب ها را پوشانیده بودند. حاج سید عبدالرسول رحیم زاده معروف به روغنی، از تجار معروف اصفهان، به ایشان گفته بود، اجازه دهید یکی دو اتاق برایتان بسازیم. ایشان در جواب می فرمایند؛ احتیاجی نیست. چون حاجی میرزا علی آقا اصفهان را برای زیارت عتبات عالیات ترک نمود، مرحوم رحیم زاده فرصت را مغتنم شمرد و دو اتاق به منزل حاج میرزا علی آقا ضمیمه کرد. وقتی از سفر بازگشت ناراحت شد و به وی اعتراض کرد؛ که چرا این کار را کردی! حاجی روغنی گفته بود این دو اتاق را برای سکونت فرزندانان احداث نمودم. (3)

خانه ی علامه طباطبایی

آیه الله محمد تقی مصباح یزدی در تالار وحدت تهران در سمینار بزرگداشت علامه طباطبایی (21 آبان 1361) یادآور شد: قیافه یک روحانی را تازه از روستا (شاد آباد تبریز) به قم آمده است در ذهن خود مجسم کنید؛ با یک عمامه کرباسی سرمه ای رنگ. چنین شخصی می خواهد در

ص: 21

1- . مفاخر اسلام، علی دوانی، ج 11، بخش اول، ص 83-84.

2- . شرح زندگانی حضرت آیه الله موسس و فرزند برومندشان آیه الله شیخ مرتضی حائری، سید صادق حسینی، ص 73.

3- . ناصح صالح، ص 328-329.

حوزه تحول ایجاد نماید. چه اندازه امکانات مادی در اختیار دارد؟ نشانش یک خانه دو اتاقی است که آن را به ماهی هشتاد تومان (در آن زمان) اجاره کرده است. خانه ای که حتی نمی توانست دوستانش را در آن جا پذیرایی کند. (1)

علامه حسن زاده ی آملی در این باره گفته اند: علامه طباطبایی اوائل منزل مسکونی شخصی نداشتند هر روز و هر از چند مدت ناگزیر بودند محل زندگی خویش را عرض کنند. به ایشان عرض کردم: آقا ما باید هر شش ماه یک بار، از شما نشانی جدید بگیریم. ایشان با کمال خونسردی از این مسئله گذشتند. (2)

خانه ی فقیه عارف، آیت الله بهجت

آیه الله مصباح می گوید: آیه الله بهجت منزلی در کنار مدرسه حجتیه اجاره کردند، بعد تغییر منزل دادند و رفتند اوائل خیابان انقلاب (چهارمردان) که دو اتاق بیشتر نداشت. آن اتاقی که ما می رفتیم خدمت ایشان می رسیدیم میانش پرده ای کشیده شده بود که در پشت آن خانواده اش زندگی می کردند؛ زندگی بسیار ساده، دور از هر گونه تکلف و توأم با نورانیت و معنویت.

منزل فعلی ایشان ظرفیت چندان زیادی ندارد و شامل دو یا سه اتاق کوچکی است که با همان گلیم هایی که از چند دهه قبل داشتند مفروش گشته است. بعد از مرجعیت آیه الله بهجت، منزل آن مرجع عظیم الشان هیچ تغییری نکرده، لذا جای پذیرایی و ملاقات از بازدیدکنندگان کم است. از این رو در ایام اعیاد و سوگواری، مردم ایشان را در مسجد فاطمیه زیارت می کنند. (3)

منزل آیت الله اراکی

مرحوم آیه الله العظمی محمد علی اراکی وقتی به مرجعیت رسید در خانه ی محقری زندگی می کرد. گروهی از اطرافیان در محل سکونت این انسان وارسته مختصر تغییری دادند، دو اتاق را یکی کردند و تختی برای ایشان گذاشتند، ایشان وقتی چنین وضعی را دید گریست و گفت: می خواهید با این کارها مرا جهنمی کنید. (4)

منزل محقر آیه الله بهاء الدینی

ص: 22

1- . جرعه های جانبخش، از نکارنده، ص 373.

2- . در محضر استاد حسن زاده ی آملی، محسن غروی، ص 30.

3- . برگی از دفتر آفتاب، رضا باقری زاده، ص 47-48. این خانه اخیرا جزء خیابان قرار گرفته و تخریب شده است.

4- . سیری در آفاق، ص 127.

منزل مسکونی حضرت آله العظمی سید محمد رضا بهاء الدینی خانه ی محقر خشتی و گلی کنار حسینیه ایشان است که در مکانی قدیمی به همان شکل سابق با تغییرات بسیار جزئی باقی مانده است. هیچگاه اجازه ی تعویض و تعمیر این منزل را نداد، بسیاری از آشنایان و دوستان پیشنهادهایی در خصوص تغییر محل سکونت ایشان را دادند، و حتی اشخاصی حاضر شدند منزلی به آن مرجع عارف اهدا نمایند ولی نپذیرفتند. بارها می گفت: روی زمین بنشینم با روی فرش یا در خانه کوچکی یا در منزل بزرگی برایمان فرقی نمی کند.

در خانه ی محقر آقا حوض و باغچه کوچکی که یک درخت انگوری در آن بود، وجود داشت، در کنار این باغچه قالیچه یا پتوی کهنه ای گسترانیده می شد و ایشان بر روی آن می نشست. اگر به جاهای دیگری می رفت که بوی توجه به دنیا و زخارف آن می آمد، ناراحتی در سیمای پرصلابت آن فقیه فرزانه قابل مشاهده بود و بر اثر این ناراحتی برمی خواست و می رفت. هیچ وقت مشاهده نشد برای آمدن فردی، تغییری در وضع خود و اتاق و منزل بدهد، تکلف در زندگیش دیده نمی شد. (1)

خانه ی کوچک شهید مصطفی خمینی (ره)

آیه الله بروجردی می گوید: زندگی بعضی از طلبه ها از وضع زندگی شهید آیه الله حاج سید مصطفی خمینی بهتر بود. من تمام منزل ایشان را دیده بودم. آن گونه نبود که بین اتاق بیرونی و اندرونی تفاوتی دیده شود. مساحت تمام خانه شصت متر بود. حاج آقا مصطفی بسیار ساده و در سطح پایین در این خانه زندگی می نمود. (2) خانم حائری، همسر مرحوم آیه الله مصطفی خمینی، می گوید: زندگی ما در نجف خیلی ساده بود و با کمترین وسایل روزگار می گذرانیدیم. در آن هوای گرم نجف، هشت سال یخچال و کولر نداشتیم و از فرش بی بهره بودیم، ولی سید مصطفی می گفت: باید این طور زندگی کرد. (3)

ص: 23

1- . زندگی نامه حضرت آیه الله حاج سید رضا بهاء الدینی، معاونت آموزش و پژوهش سازمان تبلیغات اسلامی، ص 31؛ سیری در آفاق، ص 129.

2- . مجله حضور، شماره ی 22، ص 324.

3- . عطر سبز سحر، مقاله نگارنده، مجله پیام زن، سال دهم، شماره ی 116.

قرآن کریم می فرماید: خانه های خود را مقابل یکدیگر (بطور متمرکز) قرار دهید. (1) این کلام وحی چنین استنباط می شود که در آن زمان گروهی از پیروان حضرت موسی به صورت افرادی افسرده و با رنج روحی زندگی می کردند و تفرقه و پراکندگی بر ناراحتی های آنان می افزود. حضرت موسی علیه السلام و برادرش، هارون مامور شدند برای منسجم کردن زندگی آنان اقداماتی به عمل آورند. ابتدا دستور داد آنان خانه هایی ساخته و مساکن خویش را از فرعونیان جدا کنند و برای استحکام روابط اجتماعی، تقویت عواطف و احیای روح جمعی و کسب اقتدار در مقابل دشمنان این خانه ها را در مقابل هم و به صورت متمرکز احداث کنند و از پراکندگی و طفیلی بودن دست بردارد. در این صورت موسی و برادرش بهتر می توانستند در میان آنان به تبلیغ دین پردازند و پیروان آنان (بنی اسرائیل) هم قادر بودند به سهولت نماز جماعت اقامه کنند. جمله «اقیموا الصلوه» که بعد از عبارت «واجعلوا بیوتکم قبله» آمده دلالت یا اشعار بر آن دارد. همچنین آنان با این سبک مسکن سازی زودتر می توانستند در جلسات مشورتی و گردهم آیی هایی که فراخوانی آن ها از سوی رهبرانیشان صورت می گرفت حضور به هم رسانند. (2)

اقلیت های مسلمان که در کشورهای غیرمسلمان زندگی می کنند باید از این اصل قرآنی الگو بگیرند و از تفرقه و پراکندگی محل سکونت اجتناب کنند و در هر شهری، محله ای را برای اقامت خویش اختصاص دهند و اجازه ندهند پیروان فرقه های دیگر در میان آنان بذر پراکندگی بیافشانند. این افراد از طریق ارتباطات و مناسبات اجتماعی که با یکدیگر دارند می توانند بیش از

ص: 24

1- . سوره یونس، آیه 87 (واجعلوا بیوتکم قبله).

2- . فصلنامه ی صحیفه مبین، زمستان 1376، شماره ی 11، مقاله نگارنده، ص 26.

محیط مدارس بر نسل جوان تاثیر بگذارند و آن‌ها را به سوی رشد اخلاقی و بصیرت دینی سوق دهند. (1)

محیط خانه و تربیت فرزند

فرزندان تحت تاثیر تمام انگیزه‌ها و عوامل موجود در خانه قرار می‌گیرند. نظم خانه و چگونگی امکاناتی که پیرامون کودک قرار گرفته، از قبیل لوازم و وسایل خانه اثر عمیقی در ایجاد قریحه، ذوق و علائق کودک به جای می‌گذارد. زندگی منظم، شرایط مطلوب چگونگی نگرش اهل خانه از تدارک مایحتاج خویش، میزان رعایت اصول شرعی و موازین دینی، بر حالات رفتاری طفل اثر می‌گذارد. میان بچه‌ها و اعضای خانواده یک رابطه وجدانی برقرار است. والدینی که مدام به زندگی مرفه و حالات رفاهی و تکاثر فکر می‌کنند و در این راه تلاش می‌نمایند، تمایلات و خواسته‌های کودکان خویش را از رشد و شکوفایی محروم می‌نمایند و استمرار این روند در بروز نابسامانی و آشفته‌گی روحی و ذهنی آنان دخالت دارد. (2)

خانه و تلاوت قرآن

یکی از سنت‌هایی که می‌تواند محل سکونت را معطر سازد تلاوت قرآن است. رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند:

نوروا بیوتکم بتلاوه القرآن...؛ خانه‌های خود را به تلاوت قرآن منور سازید و آن‌ها را به صورت گورستان درنیاورید؛ چنانکه یهود و نصارا کردند. نماز و عبادت خویش را به معابد و کلیساها اختصاص دادند و خانه‌های خود را از عبادت تهی ساختند. اگر در خانه نماز بسیار خوانده شود و تلاوت قرآن در آن زیاد باشد خیرش فراوان می‌گردد و اهل خانه از آرامش روحی برخوردار می‌شوند و آن منزل برای اهل آسمان چنان نورافشانی کند که ستارگان برای اهل زمین. (3)

حضرت علی علیه السلام فرموده اند:

خانه‌ای که در آن قرآن خوانده شود و خدای عزوجل یاد گردد برکتش بسیار شود، فرشته‌ها در آن حاضر شوند، شیاطین آن را ترک کنند و برای اهل آسمان بدرخشد؛ چنانکه اختران برای اهل

ص: 25

1- . اقلیت‌های مسلمان در جهان، مجموعه مقامات، ترجمه ایرج کرمانی، ص 56.

2- . اسلام و تعلیم و تربیت، دکتر سید محمد باقر حجتی، ج اول، ص 113.

3- . بحار الانوار، ج 92، ص 200.

زمین می درخشند. و به راستی خانه ای که در آن قرآن خوانده نشود و ذکر خدا در آن نگردد برکتش کم شود، فرشته ها از آن دوری گزینند و شیاطین در آن حاضر شوند. (1)

امام صادق علیه السلام فرمود:

چون در خانه ای مرد مسلمانی باشد که قرآن بخواند، اهل آسمان آن خانه را به یکدیگر بنمایند چنانکه اهل زمین اختران درخشان را به یکدیگر نشان می دهند. (2)

بهترین خانه ها

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: برکت به جانب خانه ای که مردمان دیگر از آن بهره مند می شوند تندتر است از رفتن کاردی تیز در کوهان شتر (که مانند دنبه است) و یا مثل سیل روان شدن به محلی که می ایستد، یعنی در خانه ی کریمان همیشه خیر و برکت جاری است و هر چه از آن برود سریع تر باز می گردد. (3)

ابوحزمه می گوید: از امام باقر علیه السلام پرسیدم چه می فرمایید درباره ی مسلمانی که در خانه خود به سر می برد و مسلمانی دیگر در خانه اش می آید و اجازه ی ورود می طلبد ولی آن مسلمان اجازه ی ورود نمی دهد و به استقبالش نمی رود؟

فرمود: ای ابوحزمه هر مسلمانی که برای دیدار مسلمانی دیگر به خانه ی او رود و یا جهت نیازی مراجعه نماید و صاحب خانه با اینکه در منزل هست اجازه ی ورود به وی ندهد و به استقبالش نیاید، چنین فردی مشمول لعنت خداست و این برنامه تا هنگامی که با آن مسلمان مراجعه کننده ملاقات نماید استمرار دارد.

با شگفتی عرض کردم: فدایت شوم آیا آن مسلمانی که اجازه ی ورود ندهد در لعنت پروردگار خواهد بود! به راستی چنین است؟ فرمود: آری این گونه است. (4)

همچنین آن حضرت تاکید نموده اند: بهترین خانه های شما خانه ای است که در آن یتیمی باشد و به او نیکی شود و بدترین خانه های شما، خانه ای است که در آن یتیمی زندگی می کند که با او بد رفتاری می شود. (5)

ص: 26

-
- 1- . اصول کافی، کتاب فضل القرآن، باب البيوت التي يقرأ فيها القرآن، ج 6، ص 415-416، حدیث اول (2) همان، حدیث سوم.
 - 2- . همان، دومین حدیث.
 - 3- . اسلام و مستمندان، حاج میرزا مهدی بروجردی، ص 112، به نقل از من لایحضره الفقیه.
 - 4- . مجموعه ورام، ج دوم، ص 162.
 - 5- . مستدرک الوسائل، محدث نوری، ج اول، ص 148.

در دستورهای دینی، اختصاص منزلی برای مسافران و عابریین توصیه شده است.

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: هر چیزی زکاتی دارد و زکات خانه اتاق پذیرایی از میهمانان است. (1)

رسول اکرم صل الله علیه و آله یکی از هفت چیزی را که بعد از مرگ مومن پاداش آن به مومن می رسد، منزلی دانسته که برای مسافرین در راه مانده ساخته شده است. (2) همچنین آن حضرت فرموده اند: کسی که در کنار جاده ای برای در راه ماندگان و عابریین منزلی بسازد، خداوند روز قیامت او را بر مرکبی که با در و گوهر تزیین شده است، سوار می کند و نور صورت او تمام نورها را تحت الشعاع قرار می دهد، تا آن جا که در برابر نور حضرت ابراهیم علیه السلام قرار می گیرد. مردم می پرسند. آیا این فرشته ای است که هرگز مانند او ندیده ایم؟ و با شفاعت وی چهل میلیون انسان به بهشت می روند. (3)

امیر مومنان علیه السلام در محله بنی زریق مدینه خانه ای داشت که آن را بر خاله های خود و فرزندان ایشان وقف نمود و نوشت که در صورت انقراض نسل آنان، این خانه در اختیار مسلمانان نیازمند قرار گیرد. (4)

در توصیه های آن امام به فرزند جندب تاکید شده است که، از صفات کسی که نمازش قبول خواهد شد این است که به افراد غریب منزل دهد، و این شخص چون نور آفتاب می درخشد. اگر مرا بخواند جوابش می دهم و اگر درخواست نماید به او عطا می کنم. (5)

سبک سنتی و موازین شرعی

یکی از وجوه اعجاز قرآن، حجم عظیم اشارات و دقائقی است که در لابلای این کلمات آسمانی نهفته است. قرآن در خصوص مواجه شدن حضرت ابراهیم علیه السلام با میهمانان و افراد تازه

ص: 27

1- نهج الفصاحه، ص 478.

2- همان، ص 183.

3- وسائل الشیعه، شیخ حر عاملی، ج 11، ص 562.

4- همان، ج 13، ص 304.

5- تحف العقول، ص 306.

وارد می فرماید: «به دنبال آن پنهانی به سوی خانواده ی خود رفت و گوساله ی فرجه (و بریانی) را برای آنان آورد.»⁽¹⁾

از این عبارت چنین برمی آید که خانه ابراهیم علیه السلام دارای دو قسمت بیرونی و اندرونی بوده است، که این موضوع باید در خانه سازی پیروان قرآن مورد توجه قرار گیرد.

متاسفانه امروزه، به تقلید از معماری های غربی، بخش اعظم زیربنای خانه به صورت یک سالن باز درمی آید که در گوشه ای از آن آشپزخانه وجود دارد که فاقد هر گونه در و پنجره و پرده ای می باشد و به اصطلاح مردم «اوپن» است که بانوی خانه یا دختران در آن جا مشغول طبخ، آشپزی و آماده سازی وسایل پذیرایی برای میهمانان هستند و آنان در سالن بخوبی فعالیت های اهل خانه را مشاهده می کنند. گاهی هم آیین بزرگی در یکی از ضلع های اتاق نشیمن نصب گردیده که افق دید میهمانان را فزونی می بخشد.

در زمان طاغوت (رژیم پهلوی) حدود سال های 1350-1340 ه.ش. شهرداری تهران تصمیم گرفت برای احداث ساختمان مجوز صادر کند تا آن طور که ادعا می کردند بافت شهری حفظ شود و گرفتن مالیات هم تحت ضابطه درآید. این توجیحات به ظاهر اصولی پوششی بود برای آن که به تدریج خانه ها از آن شکل سنتی قدیم که کاملاً با عادات، باورها و اعتقادات مردم هماهنگ بود، خارج شده به شکل جدیدی درآید و منطبق با اهداف استعماری شود. برای این کار در شهرداری به خانه هایی که یک هال در وسط، حمام، آشپزخانه و دستشویی در یک طرف و اتاق های پذیرایی و خواب هم در اطراف آن باشد راحت تر و سریع تر مجوز می دادند. طبعاً بسیاری از مردم نیز همین مسیر آسان را طی می کردند و بساز و بفروش ها که اساساً به دنبال همین موارد بدون گرفتاری و دردسر بودند طرح مزبور را پیگیری نمودند و بتدریج اغلب خانه های متوسط و کوچک به قیافه یکسان درآمد. مهمترین خصوصیت منفی این نوع خانه ها بی حجاب بودن آن هاست. چون همه ی اتاق ها به هال باز می شود، هیچ حفاظ و پوششی در کار نیست و وقتی یک نفر نامحرم در خانه باشد، زن معتقد به موازین شرعی و حجاب، معذب می شود و رنج می برد.

خانه های قدیمی به نحوی ساخته می شد که رعایت مسایل محرم و نامحرم و میهمانان آشنا و غریبه می گردید و همه افراد در کمال آسایش و امنیت و با کمترین تدبیر جنبه های شرعی در روابط زن و مرد را مراعات می کردند.

ص: 28

وجوه ورودی نسبتاً طولانی و احياناً پیچ در پیچ، دیوارهای بلند، مجموعه قابل تفکیک مردانه و زنانه، سقف های گنبدی به عنوان سنگرهایی برای خوابیدن در بین آن ها در شب های تابستان و ملاحظه همسایگان، رو به قبله بودن خانه و متمرکز بودنشان هم نشان از تاثیر مذهب و اخلاق بر روی آن ها می باشد. حتی صاحب خانه برای رعایت حال افرادی که به منزل او مراجعه می کردند در جلو خانه فضایی را با آجرکاری و گچ بری و جلوه های هنری تزئین می نمود و دو سکو در طرفین آن تعبیه می کرد تا تازه وارد در فصل تابستان از خشونت گرما و در زمستان از سرما و نزولات جوی مصون باشد و ضمناً اگر قدری معطل گردید خسته نشود و بر سکوهای ورودی خانه استراحت کند.

درب چوبی دو کوبه داشت، کوبه سنگین تر و با صدای خشن تر برای در زدن مردان و دیگری که سبک تر و ظریف تر و با صدایی نازک تر اهل خانه را خبر می کرد، به زنان اختصاص داشت. این نوع مساکن هنوز در مناطق مرکزی و کویری ایران قابل مشاهده است و در زادگاه نگارنده، شهر زواره، اکثریت منازل چنین وضعی را حفظ کرده اند؛⁽¹⁾ اگر چه اقبال عمومی و تمایل مردم به آن ها رو به کاهش است.

در خانه هایی که به سبک سنتی ساخته می شد ضمن آن که ملاحظات اقلیمی و شرایط آب و هوایی می گردید چگونگی اتاق ها و فضاها به گونه ای بود که هر کدام از افراد می خواستند کاری انجام دهند یا استراحت کنند مزاحم دیگر اعضا نمی شدند. در خانه های امروزی همه باید از همه چیز اجباراً شریک باشند اگر تلویزیون و رادیو روشن است باید همه ببینند و گوش کنند و اگر میهمانی برای یکی از افراد خانه آمده همه باید گرد او اجتماع کنند و وقت بگذرانند. اگر موقع خواب است همه باید بخوابند. اتاق ها و فضاها آن گونه نیست که رفتار افراد مستقل و طبق برنامه ریزی خودشان باشد.

اساساً خانه های جدید برای خانواده های دو یا سه نفره طراحی شده که چندان تقیدی هم به اعتقادات مذهبی به خصوص عفاف و حجاب ندارند. در صورتی که در خانه های سنتی روابط خانوادگی و رفت و آمد بین خویشاوندان و اجرای اصل مهم صله ارحام محسوس تر و پایدارتر بود و فامیل بیشتری در کنار هم زندگی می کردند. زندگی جمعی دو یا سه خانواده در یک خانه بزرگ که بخش هایی قابل تفکیک داشت گرم تر و مهربان تر بود و هم قانع تر، کم مصرف تر و همه اهل تلاش و تکاپو با حالتی از توکل و توجه به لطف الهی.

ص: 29

1- . زواره آرمیده بر کرانه کویر، یادداشت های دست نویس نگارنده، ص 238-239.

بدیهی است وقتی قرار است هر زن و شوهر تازه ازدواج کرده ای در یک خانه مستقل زندگی کنند مشکل مسکن شکل جدی و نگران کننده ای پیدا می کند و گره گشایی از این معضل برای دولت و مردم بسیار مشکل و پیچیده می گردد و به صورت یک عارضه منفی اجتماعی بروز می کند. علاوه بر آن که در خانه های بومی بسیاری از گرفتاری ها و ناهنجاری ها مشاهده نمی شد، چون تجربه ی بزرگ ترها، شور و حرارت جوان ترها و عواطف قوی افراد با یکدیگر ممزوج می گردید و ابرهای تیره را از آسمان آرامش محو می کرد.

هم زمان با ترویج احداث ساختمان های جدید برنامه های تبلیغی زیان باری ترتیب داده شد و در جراید و نشریات و رادیو به طور مداوم از اختلاف دو نسل و تفاوت پیر و جوان صحبت شد و هنوز به اختلافات عروس و مادر شوهر دامن زده می شود. به هر حال چنین برنامه هایی در ذهن زوج های جوان تصویری منفی از بزرگترها به جای نهاد، آن چنانکه عروس و دامادها بر این باورند که به محض ازدواج باید به خانه ای مستقل بروند. بدین گونه هم تشکیل خانواده مشکل شده و هم زندگی در خانه های مستقل، گرفتاری های ناشی از کم تجربگی و تنهایی و جدایی را در پی دارد. ناگواری های مذکور، به همراه دلزدگی ها و فشارهای اجتماعی و اقتصادی و کم رنگ شدن رعایت موازین شرعی در مسایل خانواده ها بتدریج افراد را فاقد آرمان های عالی و فضایل اخلاقی می کند.

مکان تخلی

حضرت علی علیه السلام می فرماید:

الحیاء مفتاح الخیر؛ شرم و حیا کلید خوبی هاست. (1)

در سنت های متکی بر ارزش های دینی تذکر داده اند که محل تخلی باید دور از چشم دیگران باشد. این نکته چنان است که حتی هنگام گفتگو هم برای رعایت ادب به مستراح آبریزگاه، توالت و دستشویی گفته می شود. در خانه های به سبک سنتی این بخش از خانه در پنهانی ترین و دورافتاده ترین زاویه خانه ساخته می شد، اما حالا آن را در داخل خانه و در برابر چشم همگان می سازند، که علاوه بر داشتن عوارض منفی بهداشتی فراوان، آن حیا و ادب هم از بین می رود. (2)

ص: 30

1- . غرر الحکم، 16.

2- . سیاست خانه، شمس الدین رحمانی، مجله رشد جوان، مهر 1370، شماره ی مسلسل 62.

پیامبر اسلام صل الله علیه و آله می فرماید: جبرئیل بر من نازل شد و گفت:

انا معشر الملائکه لاندخل بیتا فیه کلب، ... و لا- اناء یبال فیه؛ ما گروه ملائکه در خانه ای که در آن سگ، ... و ظرف مخصوص ادرار باشد، وارد نمی شویم. (1)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: شایسته است که مکان تخلی در پوشیده ترین جای خانه باشد؛ همان گونه که خدای حکیم راه تخلیه انسان را در پوشیده ترین موضع پیکر انسان نهاده است. (2)

همچنین رو به قبله یا پشت به قبله تخلی کردن، در فرهنگ شیعی حرام است. (3) بر این اساس یکی از ویژگی های معماری اسلامی آن است که مکان تخلی هیچگاه رو به قبله یا پشت به قبله ساخته نمی شود.

مسئله: اگر ورق قرآن در بیت الخلاء یا چاه توالت بیفتد واجب است استخراج آن؛ و الا اقوی و اولی آن است که در آن بسته و مضمحل شود. (4)

نظافت مسکن

از مسائلی که اسلام بر آن تاکید کرده، رعایت نظافت خانه و اهتمام در پاکیزگی و طهارت محل سکونت است. پیشوایان معصوم علیهم السلام، آلودگی، بی نظمی و کثافت را مذمت کرده و به پیروان خود توصیه نموده اند که محل زندگی خویش را طیب و طاهر نگه دارند و فراهم آوردن زمینه آلودگی، بوی بد، تعفن و مانند آن، نه تنها موجبات ناگواری اهل خانه را به وجود می آورد، بلکه موجی از نفرت و بی مهری را بر روابط همسایه ها حاکم می نماید.

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: خداوند طیب و نظیف است ... پس جلو خانه های خویش را پاکیزه سازید. (5) و نیز آن حضرت یادآور شده اند: شستن ظروف و پاکیزگی حیاط منزل موجب غناست. (6)

ص: 31

- 1- . خصال شیخ صدوق، ج 1، ص 138، ح 155.
- 2- . بحار الانوار، ج 80، ص 193-194.
- 3- . توضیح المسائل امام خمینی، مسئله 59.
- 4- . حاشیه امام بر عروه الوثقی، ج 1، ص 26.
- 5- . نهج الفصاحه، ص 142، حدیث 703.
- 6- . همان، ص 430، حدیث 2031.

مسئله: اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می شوند با رطوبت به جای نجس رسیده است، لازم نیست به آنان بگوید. (1)

امیر المومنان علیه السلام فرموده اند: خاکروبه ی منزل را پشت در خانه جمع نکنید زیرا ماوای شیطان است. (2)

رسول اکرم صل الله علیه و آله هم به مسلمانان هشدار داده اند خاکروبه را در خانه نگه ندارید؛ که جای اجتماع شیاطین است. نیز فرموده اند: خانه را از تارهای عنکبوت پاک کنید، زیرا این تارها محل نشو و نمای شیاطین (میکروب ها) است. (3)

حضرت باقر علیه السلام فرمود: جاروب کردن خانه ها موجب از بین رفتن فقر و ناداری است. (4) امام ششم فرموده اند: شستن ظرف ها و جاروب کردن آستانه ی خانه باعث جلب رزق و روزی می شود. (5)

رسول اکرم صل الله علیه و آله می فرمایند: با هر چه که در توان دارید به نظافت و پاکیزگی روی آورید، همانا خداوند اسلام را بر نظافت بنا کرده است و کسی به بهشت نمی رود جز آنکه نظیف باشد. (6) آن حضرت فرموده اند: آنچه از سفره می ماند و قابل مصرف و خوردن نیست نگذارید تا شب در خانه بماند و در همان روز روشن از محل سکونت خویش خارج کنید، همانا مانده های غیرقابل مصرف سفره محل تجمع شیطان (محل رشد میکروب و ویروس) می باشد. (7) در دستورهای دینی به آرامش روانی و بهداشت روح توجه گردیده است و چون زندگی در قبرستان موجب افسردگی و حزن می شود مسلمانان از خانه سازی در گورستان منع شده اند. (8)

به همان میزان که اسلام که به پاکیزگی و نظافت خانه توجه نموده و رعایت آرامش روانی و آسایش اهل آن را به مسلمانان توصیه کرده است. از این که انسان مسلمان در خانه سازی به زینت های اشرافی، تجملات و اموری که آدمی را از یاد خداوند غافل کند و ترویج شرک و بت پرستی باشد و خانه را به گونه ای به ادواتی مجهز کند که بر اثر آن از وضع زندگی مسلمانان

ص: 32

- 1- توضیح المسائل امام، مسئله 144.
- 2- میزان الحکمه، محمدی ری شهری، ج 10، ص 93.
- 3- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 183.
- 4- پیشین.
- 5- همان، وسائل الشیعه کتاب جهاد النفس، ص 233.
- 6- میزان الحکمه، ج 10، ص 95.
- 7- همان.
- 8- قال الصادق علیه السلام: لاتبنوا علی القبور (بحار الانوار، ج 82، ص 19)

خصوصاً محرومان بی خبر شود و در امور تزئینی بطور افراطی غرق شود، منع شده است. حضرت علی علیه السلام در سخنی زیبا وضع معماری مساکن بصره را این گونه ترسیم فرموده اند: وای بر راه های آباد شما و خانه های مزینی که کنگره هایشان همچون بال های باز و گشاده و ناودان هایش بسان خرطوم فیل ها آویزان است. (1)

تزئین خانه و زیباسازی آن

ساختن پیکر انسان و حیوانات و نیز ترسیم تصاویر آن ها و نصب این گونه آثار در خانه، کار ناروایی محسوب می شود. اسلام تمایل دارد ذوق، خلاقیت، ابتکار هنری، وقت و همت هنرمندان در زمینه هایی غیر از پیکرتراشی و صورت نگاری هدایت شود و به جای آرایش با پیکر جانداران با خطوط بسیار زیبا و ابتکاری و هنرهای دیگر اماکن را تزئین نماید. شاید فردی پرسد پس چرا قرآن می گوید: کارگزاران حضرت سلیمان پیکر سازی می کردند؟ (2) امام صادق علیه السلام در پاسخ این سوال چنین فرموده اند: سوگند به خداوند آنان مجسمه های مردان و زنان را نمی ساختند بلکه سازنده ی تندیس درختان و ... بودند. (3)

هنر اسلامی همواره در پی آن است که با تاثیرپذیری از روایات معصومین علیهم السلام، فضایی بیافریند که در آن بر سرشت موقت و گذرای اشیاء مادی تاکید شود و تهی بودن آن ها مورد توجه باشد.

البته اشیا به مثابه بازتاب و مظاهر مراتب عالی تر هستی و آیه ای از حقیقت مطلق مطرح اند. این دو جنبه را به روشنی می توان در نقوش اسلیمی که مشخصه هنر اسلامی است مشاهده کرد، که در آن فضای منفی و فرم مثبت به طور برابر نقش اساسی دارند. نقوش مذکور این مکان را برای فضای خالی فراهم می آورد که به قلب ماده نفوذ کند، تیرگی آن را بزدايد و آن را در برابر نور الهی شفاف کند، نقش اسلیمی از طریق بسط و تکرار فرم هایی که با فضای خالی در هم آمیخته است، از ثابت ماندن نگاه در یک نقطه و محصور شدن ذهن در انواع خاص انجماد و تبلور ماده جلوگیری می کند و به چشم و ذهن وسعت می بخشند.

از مجموع روایاتی که از پیامبر اسلام صل الله علیه و آله درباره ی نقاشی و مجسمه سازی نقل شده است اینگونه بر می آید که آن حضرت رفاه طلبی را مانع زهد و وارستگی می دانسته اند.

ص: 33

1- . نهج البلاغه.

2- . سوره نبا، آیه 13.

3- . بحار الانوار، ج 76، باب 30، ص 160، روایت 11.

دل به دنیا بستن با خانه خوب و محکم و مجهز به امکانات کافی، فرق می کند. پیامبر اکرم صل الله علیه و آله برای این که جلوه های فناپذیر آدمی را تقریباً توصیه نموده اند مسلمانان گاهی به گورستان ها و خرابه ها سری بزنند. علمای اخلاق نیز سفارش می کنند لااقل هفته ای یک بار به قبرستان سری بزنید تا قدری دلتان از حب دنیا و توجهات نفسانی پالایش شود و تعادلی بین دنیا و آخرت پدید آید. (1)

این که رسول خدا صل الله علیه و آله فرموده اند: جبرئیل نزد من آمد و گفت ما داخل خانه ای نمی شویم که در آن سگ یا مجسمه یا ظرفی که در آن بول می شود، باشد بدان مفهوم است که این مساکن از رحمت الهی دورند و برای حضور شیاطین مهیاترند زیرا گناه و خلاف در آن ها صورت می گیرد. (2) معنای این هشدارها مخالفت با آفرینش زیبایی و جلوه های هنری نمی باشد و بلکه هدف این است که مسلمانان از هر نوع گرایش به مظاهر شرک و تداعی کننده های بت پرستی مصون باشند. توجه افراطی به این امور و اهتمام به تهیه و نگهداری آن ها دل را از عبادت خدا و توجه خالصانه به درگاه حق باز می دارد و نکوهش های یاد شده در جهت بازگرداندن افکار و دل ها از این مسیر انحرافی به توحید ناب و بدون پیرایه است. (3)

امام خمینی می فرماید:

آنچه حرام می باشد ساختن مجسمه ی جانداران است. (4)

اسلام به رغم آنکه پیروان خود را از نگهداری مجسمه موجودات جاندار در خانه نهی کرده و ترسیم این گونه تمثال ها را مذمت نموده است برای داشتن زندگی بانشاط و مملو از شادابی و تنوع به نگهداری کبوتر، خروس و گوسفند در خانه سفارش کرده است. بخصوص توصیه می نماید خوب است مسلمان یک جفت کبوتر در خانه خود نگهداری کند زیرا صدای خفیف بال زدن آن ها طرد کننده ی شیطان است. (5)

ص: 34

-
- 1- . اقتباس و ماخوذ از کتاب ره توشه (پندهای پیامبر اکرم صل الله علیه و آله به ابوذر) درس های استاد محمد تقی مصباح یزدی، تحقیق و نگارش کریم سبحانی، ج دوم، ص 133.
 - 2- . خصال شیخ صدوق، ج اول، ص 149.
 - 3- . هنر مکتبی، جواد محدثی، ص 203. برای اطلاع بیشتر درباره ی احکام نقاشی و عکس رجوع کنید به: احکام عکاسی (از همین مجموعه) تالیف خانم عزت احمدی.
 - 4- . مکاسب محرمه، ج اول، ص 168 و 175.
 - 5- . مکارم الاخلاق، ص 127.

رسول خدا صل الله علیه و آله فرمود: خروس سفید صدیق من است و دشمن آن دشمن خدا محسوب می شود، صاحبش را پاسبانی می کند و تا هفت خانه نگهبان همسایگان است و آن حضرت در خانه خروس نگه داری می کرد.

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که در خانه ی هر پیامبری کبوتری نگه داری می شد؛ زیرا سفیهان طایفه جن در خانه ها با بچه های اهل خانه بازی می کنند وقتی در خانه کبوتر باشد با آن ها بازی می کنند و با اهل خانه کاری ندارند. همچنین آن فروغ امامت فرموده اند: در خانه حضرت محمد صل الله علیه و آله یک جفت کبوتر قرمز رنگ بود. (1)

اسلام از زیبایی و زینت متعارف منزل حمایت می کند به شرطی که برای آراستن منزل از موازین شرعی پیروی شود. امام صادق علیه السلام فرمود: خداوند زیباست و زیبایی را دوست دارد و خشونت و خشن سازی بر او ناگوار است. بدون شک هر گاه خداوند نعمتی بر بنده اش ارزانی می دارد دوست دارد که بازتابش را بر او بنگرد. از امام پرسیدند: چگونه؟ فرمود جامه اش را زیبا سازد و بوی خوش بر خویش بیامیزد خانه اش را سفید (گچ کاری) کند آستانه اش را از خاکروبه پاک کند. حتی روشن کردن چراغ قبل از غروب بر روزی می افزاید. (2)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است که رسول اکرم صل الله علیه و آله کراهت داشت که بدون چراغ وارد خانه تاریک شود و نیز آن خاتم رسولان دوست داشت که دخول و خروجش از خانه در شب جمعه باشد. (3)

مسکن وسیع، نشانه ی سعادت

از مسایلی که آیین مقدس اسلام بر آن تاکید دارد فراخی و وسعت خانه است. حضرت محمد صل الله علیه و آله فرموده اند: سه چیز مایه سعادت است؛ همسایه خوب، خانه وسیع و مرکب خوش رفتار (رام). (4)

امیر المومنان علیه السلام نیز بشارت داده اند: برای خانه شرافت و برکتی است، شرافت آن در وسیع بودن جلو حیاط و منزل و صالح بودن خانواده است. اما برکت آن در برتری نشیمن گاه، وسعت صحن و حیاط و نیکو بودن همسایه هایش نهفته است. (5)

ص: 35

1- . سنن النبی، علامه طباطبایی، ص 138.

2- . وسایل الشیعه، ج سوم، باب اول، ص 341، روایت نهم.

3- . سنن النبی، ص 138.

4- . نهج الفصاحه، ص 260 و 261، حدیث 1257، خصال صدوق، ج اول، ص 179.

5- . بحار الانوار، ج 76، ص 148.

وسیع بودن خانه با روی آوردن به تجمل و رفاه فرق می کند. اسلام خانه ای را مورد توجه و تشویق قرار داده که صفا و شور زندگی در آن باشد و نبض حیات سالم و زلال در آن بتپد، به همین دلیل امام صادق علیه السلام فرموده اند:

یکی از چیزهایی که مسلمان را تامین می کند خانه وسیعی است که ناموس او و وضع ناپسامانش را از چشم مردم بپوشاند.

همانگونه که در اسلام، زیستن در خانه های وسیع مورد تشویق قرار گرفته زندگی در مساکن تنگ نکوهش شده است. رسول اکرم صل الله علیه و آله یکی از سه چیزی را که سبب بدبختی آدمی می شود، خانه ی کوچک دانسته اند. (1)

امام صادق نیز یکی از سه چیزی را که برای انسان شومی به بار می آورد خانه ای می داند که حیاط تنگی دارد و همسایگان شری در مجاور آن اقامت گزیده اند و در بنای آن عیوب زیادی دیده می شود. (2)

امام باقر علیه السلام نیز در مذمت خانه های کوچک نکاتی به همین مضمون را ذکر کرده اند. (3)

معمر بن خالد می گوید: امام موسی بن جعفر علیه السلام خانه ای خرید و به یکی از دوستانش که در خانه ای تنگ زندگی می کرد فرمود برو در آن خانه بنشین. گفت: پدرم به این خانه اکتفا می کرده و علیرغم کوچکی اش به آن قناعت کرده است. حضرت فرمود: شاید پدرت احمق بوده، آیا تو هم می خواهی این گونه باشی! (4)

یکی از پژوهشگران اروپایی به این نتیجه رسیده است که زیستن در اتاق های کوچک و بدون پنجره که با فضای خارج و هوای سالم کمتر ارتباط دارند در پیدایش افسردگی ساکنین آن ها دخالت دارد. (5)

ص: 36

1- . نهج الفصاحه، ص 254، حدیث 1254.

2- . خصال صدوق، ج اول، ص 122؛ وسایل شیعیه، ج 5، ص 303.

3- . کافی، ج 6، ص 526، روایت 6.

4- . همان، ص 525، روایت دوم.

5- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 182.

فصل ششم : بایدها و نبایدها در تهیه و ساخت مسکن

نکوهش ساختمان بلند

از مجموع روایات نقل شده از معصومین چنین برمی آید که احداث ساختمان مرتفع شایسته نیست و این مساکن زیان هایی در پی دارند که عوارض ناگوار آن بر کسی پوشیده نیست.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: خداوند فرشته ای برای ساختمان ها گمارده است؛ این فرشته به کسی که سقف خانه اش را فراتر از هشت ذرع (تقریباً برابر 5/3 متر) مرتفع کند می گوید ای تبهکار چه می خواهی. (1)

در برخی احادیث تصریح شده هر گاه ارتفاع بنا از هشت ذراع فراتر رفت باید بر فراز آن آیه الکرسی نگاشت. (2) ابوخدیده گفت: دور تا دور اتاق امام صادق علیه السلام آیه الکرسی و در قبله ی نمازخانه اش نیز آیات قرآنی نوشته شده بود. (3)

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: حق همسایه آن است که بنای خود را از بنای او بالاتر نبرد و جریان هوا را بر او نبندد. (4)

در منابع معتبر روایی تصریح گردیده است که خانه های با ارتفاع زیاد محل سکونت جنیان و شیاطین است.

ص: 37

1- . بحار الانوار، ج 76، ص 150، مکارم الاخلاق، ص 127، وسایل شیعہ، ج 9، ص 343.

2- . بحار الانوار، ج 92، ص 267.

3- . همان، ج 76، ص 151.

4- . نهج الفصاحه، ص 291.

شخصی به محضر امام صادق علیه السلام شرفیاب گردید و عرض کرد طایفه ی جن اهل خانه و عیالم را آزار می دهند. حضرت پرسید: ارتفاع خانه ات چه قدر است؟ گفت: ده ذراع! حضرت فرمود: از زمین تا هشت ذراع اندازه بگیر و بین هشت تا ده ذراع را آیه الکرسی به دور خانه ات بنویس، زیرا منزلی با این ارتفاع محل حضور جنیان است.

در حدیث دیگری آمده است، فردی را آزار جنیان نزد امام باقر علیه السلام شکایت کرد. حضرت فرمود: سقف خانه خود را هفت ذراع قرار بده و در اطرافش کبوتر جای ده. راوی گفت چنین کردم و دیگر آزاری از جن ندیدم.

در خبر دیگری از امام صادق علیه السلام نقل شده است خانه های خود را تا هفت ذراع قرار دهید که در زیادتر از شیاطین ساکن می شود، زیرا آنان نه در آسمان و نه در زمین هستند، بلکه در میان هوا می باشند. (1)

از نظر شرع و موازین دینی، شهری را به تورم ساختمانی مبتلا کردن و بخشی را از آسمان خراش ها اشباع نمودن و قسمت دیگر را مخروبه نگه داشتن، به این امید که مشکل مسکن حل شود، امر درستی نیست. خانه های با ارتفاع زیاد علاوه بر آن که برای صاحبان آنان نوعی کبر و غرور کاذب ایجاد می کند، بر خانه های مجاور اشراف پیدا می نماید و زمینه های نگاه حرام و تیر زهر آگین گناه را فراهم می نماید.

روزی پیامبر اکرم صل الله علیه و آله همراه صحابه از جایی عبور می کردند. ساختمان بزرگ و مرتفع و قبه مانندی را مشاهده کردند. پرسیدند این بنا به چه کسی تعلق دارد؟ گفتند: متعلق به مردی انصاری است. بعد از چند روز صاحب خانه ی مزبور به محضر آن بزرگوار شرفیاب گردید. حضرت از وی روی برتافت. حضرت عقیده داشتند چنین بناهایی برای ساختمان های محل، زحمت ایجاد می کند. (2)

پشت بام ساختمان

مستحب است لب بام هم سطح بام نباشد و حائلی، حداقل به اندازه ی یک ذراع، بلندتر داشته باشد.

ص: 38

1- . اقتباس از حلیه المتقین، علامه مجلسی، ص 446 و 447.

2- . حقوق همسایگان در سیره و سخن نبوی، مقاله نگارنده، فصلنامه فرهنگ کوثر، شماره ی 50، ص 71.

رسول اکرم صل الله علیه و آله مسلمانان را از خوابیدن بر بامی که دیوار ندارد نهی کرده و فرموده اند: هر که بر بام بدون دیوار بخوابد از امان خدا بیرون رفته است.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: تنها خوابیدن بر بام مکروه بوده و خوابیدن روی بام بدون دیوار روا نیست. پرسیدند اگر سه طرف بام دیوار داشته باشد، چگونه است؟ فرمود: کفایت نمی کند و باید از چهار طرف دیوار باشد. (1)

آپارتمان نشینی

پدیده آپارتمان نشینی از مسایل جدید و نشات گرفته از دنیای صنعتی است که تاریخی بس کوتاه دارد. بررسی ها نشان داده که ساکنین این ساختمان ها، به ویژه زن ها، بیشتر به پزشک مراجعه می کنند و احساس بیماری جسمی و روحی آنان بیش از دیگران است. محیط محدود و فضای بسته ی آپارتمان ها زمینه را برای محدود اندیشی فراهم می کند.

براساس تحقیقات به عمل آمده در یکی از کشورهای اروپایی، رشد فکری و جسمی اطفال به موازات نوع مسکن پیشرفت دارد، حتی این بررسی ها نشان داده که مالک یا مستاجر بودن، منطقه ی محل سکونت و تراکم جمعیت بر جنبه های عاطفی و فکری کودکان اثر می گذارد. اغلب اطفالی که در خانه های کوچک آپارتمانی زندگی می کنند از بیماری های تنفسی رنج می برند. (2)

بسیاری از اختلافات ساکنین مجتمع های مسکونی ناشی از عدم شناخت نسبت به حوزه مالکیت اشخاص است، زیرا آنان فکر می کنند چون صاحب خانه هستند مختارند هر گونه بخواهند زندگی کنند.

سر و صدای بچه ها، عدم احساس مسئولیت نسبت به نم زدگی ها، خرابی ها، ترکیدگی لوله، چکه کردن آب، عدم رعایت موازین شرعی در خصوص وضع حجاب، لباس و پوشش، عوارضی است که برای ساکنین این خانه های لانه زنبوری و فشرده در هم به وجود می آید. این نوع زندگی، عاطفه، الفت و صمیمیت را کم رنگ می کند.

خانه ی مجلل، نعمت یا نعمت

سکونت در خانه های مجلل و زندگی در ناز و نعمت افراطی، آدمی را از یاد حق غافل می کند و او را برای طغیان در برابر حق مهیا می نماید.

ص: 39

1- . حلیه المتقین، ص 232.

2- . مقاله حسین قاسمی جامی، مجله نوزاد، آبان 1374، ص 26-27.

قوم ثمود، برای سکونت خود کوه ها را با مهارت خاصی می تراشیدند و از دل کوه قصر می ساختند. (1) آنان وقتی هوا ملایم بود خانه هایی در زمین های مسطح می ساختند و برای زمستان در دل کوه ها خانه می ساختند تا محکم تر و گرم تر باشد. (2) اما نعمت های الهی را فراموش کردند و با وجود آن که در موقعیت بسیار خوب و خوشی بسر می بردند و از باغ های سرسبز، چشمه های جوشان و زمین های حاصلخیز استفاده می نمودند. به فساد و بت پرستی روی آوردند.

قوم عاد در سرزمین احقاف و جنوب غربی جزیره ی العرب، بین یمن و حضرموت، زندگی می کردند. آنان در جاهای مرتفع و در ارتفاعات بناهایی احداث می کردند که احتیاجی به آن مساکن نداشتند، بلکه صرفاً برای فخر فروشی و یا تفریح خانه می ساختند. از این رو حضرت هود علیه السلام در مقام سرزنش آنان می فرماید: آیا در هر جای بلندی ساختمانی را برای نشانه بنا می کنید. (3) این قوم برج های بلندی برای کبوتران می ساختند تا وقت خویش را به بازی با این پرندگان سپری کنند. گویا اصلاً به فکر به پایان رسیدن عمرشان نبودند. به همین دلیل هود به آنان گفت: شما خانه های محکم و کوشک هایی استوار می سازید بدین پندار که همواره جاویدان خواهید ماند و اگر به فکر مرگ و سرانجام زندگی بودید چنین عمارت هایی را بنا نمی کردید. (4) آنان به نصایح هود اعتنایی ننمودند و به گناه و تکذیب ادامه دادند. به همین دلیل هفت سال گرفتار خشکسالی شدند. چون به شرک و بت پرستی اصرار ورزیدند با صرصر چنان بر آنان وزید که خودشان و وسایلشان را نابود کرد. (5) مولوی می گوید:

باد را دیدی که با عادان چه کرد

آب را دیدی که در توفان چه کرد

در عصر منصور عباسی، یقطین (پدر علی بن یقطین) به حفاری در ناحیه ای که قوم عاد زندگی می کردند پرداخت و طبق نقلی دیگر مقرر گردید چاهی حفر کند، اما به جای آن که به آب برسند به چیز شگفتی رسیدند. مردان، زنان، خانه ها، ظروف و لوازمی دیدند که به صورت مجسمه بودند. مردان و زنان، جمعی نشسته و گروهی خوابیده بودند و لباس بر تنشان بود و چون به آن ها دست زدند جامه هایشان به صورت خاک شد و ریخت.

ص: 40

1- ر. ک: اعراف، آیه 74.

2- مجمع البیان، ج 4، ص 440.

3- شعراء، 128.

4- ر. ک: تفاسیر، ذیل آیات 128 تا 130 سوره شعراء، بخصوص مجمع البیان، جلد 7، ص 198.

5- تفاسیر قمی، ص 623-622.

ابوموسی، برادر یقظین، که از سوی برادرش به این امور نظارت می نمود، طی نامه ای این موضوع را به خلیفه وقت، مهدی عباسی، گزارش نمود.

مهدی عباسی از حضرت موسی بن جعفر علیه السلام خواست در این خصوص توضیح بدهند. آن حضرت فرمود: این ها اجساد قوم عاد هستند که خداوند بر آنان خشم نمود و خانه هایشان را بر سرشان فرو ریخت. آن ها اصحاب احقاف هستند. مهدی پرسید احقاف چیست؟ هفتمین فروغ امامت فرمود: ریگ ها. (1)

اولین کسی که کاخ مجللی در مدینه بنا کرد عثمان، خلیفه سوم بود، که درهای آن را از چوب ساج ساخت. این عمل باعث شد که دیگران هم کاخ های مجللی در داخل و خارج مدینه بنا نمایند. معاویه در شام کاخ خضرا ساخت و عمرو بن حرث در کوفه کاخ باشکوهی برای خود ترتیب داد. زبیر نیز در بصره قصری احداث نمود. همچنین عبدالرحمن در بیرون مدینه، طلحه در کوفه و سعد بن ابی وقاص در عقیق عمارت های مجلل و بزرگی بنا نهادند و این مسابقه ی کاخ سازی بین خواص ادامه یافت و بر اخلاق و رفتار آنان و برخی از افرادی که در این بناها زندگی می کردند تاثیر منفی نهاد و فرهنگ اسراف، غفلت و رفاه زدگی را ترویج نمود. (2)

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرمودند: اگر مردی یک سنگ را دوست داشته باشد خداوند با آن محشورش می کند. (3)

پلوتارک می گوید: کسی که خانه ای عالی و باشکوه و با اثاث و لوازم زیبا و گرانبها داشته باشد و تصور کند تنها با داشتن آن و بدون عقل و دانایی خوشبخت است، بسیار ابله است.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر بنایی که زیادت از میزان احتیاج باشد در قیامت برای صاحبش دردسرافرین است. همچنین فرموده اند: هر که زیادت از آنچه می خواهد مسکنی برای خود در نظر بگیرد در قیامت او را تکلیف می کنند که آن را بردارد. رسول اکرم صل الله علیه و آله هشدار داده اند: هر که خانه ای بنا کند برای ریا و سمعه که مردم ببینند و بشنوند، در روز قیامت آن خانه را تا طبقه هفتم زمین از آتش انباشته نموده و به گردنش بیاویزند و هیچ چیز او را ننگه نمی دارد تا اینکه در قعر جهنم بیفتد، مگر آن که توبه کند. پرسیدند یا رسول الله صل الله علیه و

ص: 41

1- . بحارالانوار، ج 11، ص 360.

2- . نشریه ی راه حق، سال سوم، شماره اول و دوم، مهر ماه 1388. رشت، ص 22؛ فصلنامه یاد، سال پنجم، شماره ی 20.

3- . امام حسین علیه السلام شهید فرهنگ پیشرو انسانیت، محمد تقی جعفری، ص 320 و 547.

آله ساختن برای ریاکاری یعنی چه؟ فرمود: یعنی بیش از قدر حاجت ساخته، برای آن که بر همسایگان مباحث کند یا بر برادران دینی خویش فخر بفروشد. (1)

کسی که ساختمانی برای سکونت دارد، مکروه است ساختمان دیگری را شروع کند. (2) امام صادق علیه السلام فرموده اند:

آن کس که خانه ای دارد و مسلمان محتاجی به آن نیاز دارد و صاحب خانه مانع می شود خداوند گوید: ای فرشتگانم، بنده ام از دادن خانه ای در این دنیای فانی به بنده ای دیگر امتناع ورزید! به عزت و جلالم سوگند که هیچ گاه این شخص در بهشت مسکن نخواهد گزید. (3)

روزی حضرت علی علیه السلام در بصره به عیادت ربیع بن زیاد حارثی، که مورد علاقه ی آن حضرت بود، رفت. حضرت در آن جا نگاهی به فضای خانه ی ربیع نمود و به وی فرمود:

خانه ای با این وسعت و بنای مجلل به چه کارت می آید؟ آیا بهتر نبود با این مال آخرت خود را آباد می کردی.

سپس حضرت فرمود: آری، می توانی همین خانه را با چنین شکوهی وسیله تقرب به خداوند کنی؛ خویشاوندان را در آن اکرام کنی، میهمانان را در آن طعام دهی و فقرا را در آن جای دهی. (4)

منصور عمار از راهی که سرای قاضی بغداد در آن مسیر بود عبور می کرد. در آن باز بود، منصور نظری به اندرون افکند؛ مشاهده کرد سرایی است پس اشرافی و مجلل، تمام بخش های آن را به دقت نگریست. اتاق های مفروش از بهترین فرش ها، ظرف ذی قیمت، غلامان و خدمتکاران آماده برای امور داخلی منزل، آن همه تجمل و زینت دنیوی را نگاه کرد و سپس آب وضو خواست. یکی از غلامان آفتابه ای بزرگ را از آب پر کرد و نزدش برد. منصور عمار در جایی که قاضی بغداد او را می دید نشست و مشغول وضو شد. از روی عمد دست ها را از بازو شست و پاها را از زانو، قاضی وی را مورد خطاب قرار داد و گفت: ای منصور این چه اسراف است که می کنی و چرا این همه آب را هدر می دهی! منصور پاسخ داد: ای قاضی مسرف تو که زیاده روی در آب مباح را نشانه ای از اسراف می دانی درباره ی این منزل مجلل و اشراف زدگی حاکم بر آن چه می گویی! تو که احتیاجت با مسکنی معمولی برآورده می شود، چرا این قدر زیاده روی کرده ای!

ص: 42

1- بحار الانوار، ج 76، ص 150؛ حبله المتقین، ص 446.

2- اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 185.

3- اصول کافی، ج 2، ص 367.

4- ربیع الابرار، ج اول، ص 366.

قاضی از سخن آن مرد به فکر فرو رفت و به خود آمد، از کاستی اخلاقی و رفاه زدگی خویش آگاه شد و زندگی آمیخته به اسراف و تجملات را بر هم زده روشی متداول، معتدل و متعارف پیش گرفت. (1)

حوالی سال 1350 تا 1352 ه. ش یکی از دوستان و هواداران امام خمینی (ره) که به نجف رفته بود با وجود داشتن خانه ای در تهران، در آن جا منزلی متوسط خریده بود. امام پیغام دادند: من نمی خواهم ایشان از این کارها بکنند. به یکی دیگر از یارانشان که در قم خانه ای از حد متعارف بزرگ تر داشت، تذکر دادند که بهتر بود چنین خانه ای را نمی ساختید. (2)

عده ای از کومه نظران و کژ اندیشان، براساس شایعاتی، به مردم می گفتند: برخی یاران امام در منازل طاغوتی و منازل مرفهین زندگی می کنند. در مورد شهید آیه الله دکتر بهشتی این موضوع شدت افزون تری داشت. آن شهید در این باره می گوید:

آفرین می گویم بر آن راننده ی شرکت واحد که یک روز در اتوبوسی که او راننده اش بوده عده ای فریب خورده مطالبی را با هم زمزمه می کنند، از جمله این که «ما انقلاب کردیم تا از دست کاخ نشین ها خلاص شویم، حالا این آقایان هم رفته اند در کاخ زندگی می کنند». این راننده اتوبوس که محل ماست و هر روز از جلو خانه ما می آید و می رود، چیزی نمی گوید تا ببیند این ها چه می گویند. وقتی بحث به جاهای حساس می رسد می گوید:

آقا این قدر جوش نزنید من هر روز از جلو خانه او می آیم و می روم. باید بیایید برویم آن جا. سر اتوبوس را کج می کند می آورد توی کوچه ای که ما هستیم. جلوی خانه نگه می دارد و می گوید بله، این خانه فلاخی است، بله! این راننده با آن دروغ پردازی ها، این گونه متعهدانه برخورد کرده است. (3)

در جای دیگر خاطر نشان کرده: خانه ی ما جای گمشده ای نیست، جایی است که شب های پنجشنبه دیدار عمومی داریم، هنوز هم در آن سکونت دارم و چیزی نیست که مخفی بماند، هفت سال است در آن زندگی می کنم و لذا نمی تواند از طاغوتیان بر جای مانده باشد. (4)

ص: 43

1- . جوامع الحکایات و لوامع الروایات، سدید الدین محمد عوفی، ص 201؛ اخلاق از نظر همزیستی و ارزش های انسانی، محمد تقی فلسفی، ج اول، ص 211.

2- . آینه حسن، ص 182؛ روزنامه اطلاعات، شماره 22441، 22 اسفند 1380.

3- . سرای اهل صفا، از نکارنده، ص 238، شهید بهشتی عقل ملکوتی، علی علیزاده، ص 96.

4- . او به تنهایی یک امت بود، واحد فرهنگی بنیاد شهید، دفتر اول، ص 25.

زیستن در خانه ای مطابق نیازها و نیز مناسب با شئون آدمی در شرع مقدس اسلام اشکالی ندارد، ولی بدون نیاز، خانه گسترانیدن نشانه ی تقمت خدا و یکی از ره آوردهای درآمد نامشروع است. امام صادق علیه السلام فرموده اند: هر ساختمانی که به اندازه نیاز نباشد انگیزه و عامل ناگوار زیستن صاحبش در روز واپسین خواهد گشت. (1) و نیز آن فروغ فروزان امامت و ولایت هشدار داده اند: هر که ثروتی نامشروع بدست آورد خداوند ساختمان و آب و گل را بر او مسلط می گرداند (و بدین گونه تمکن مالی و دارایی او در ساختن مساکنی که به آن ها نیاز ندارد، تباہ می گردد) (2) اما در برخی منابع روایی آمده است:

زجر آور است که شخصی ثروتی ببندد و آن را نخورد و با آن ساختمانی بسازد در آن زندگی نکند. (3)

پرهیز از غصبی بودن محل زندگی

زمینی که در آن مسکن احداث می گردد نباید غصبی باشد. اگر آدمی از روی ستم بر حق کسی مسلط شود در قیامت به عذابی سخت گرفتار می شود. رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند:

هر کس یک وجب زمین از دیگری غصب کند در قیامت آن زمین را از هفت طبقه آن مثل طوق بر گردش می اندازند. (4)

از امام صادق علیه السلام روایت شده است: هر کس از راه غیر حلال مالی به دست آورد خداوند بنائی و گل و آب (مصلح ساختمانی) بر او مسلط کند (که مال به مصرف رسد و استفاده از آن ساختمان نصیب و ارث شود و بالش به گردن او باشد). (5)

از رسول اکرم صل الله علیه و آله نیز روایت شده: هر کس خانه خود را بفروشد و بهای آن را به عوض خانه دیگر ندهد خداوند آن مال را برایش مبارک نگرداند و فرمود هر که جز در حالت ناچاری بفروشد خداوند عامل تلف کننده ای به بهای آن وادارد که آن را تلف سازد. (6)

ص: 44

1- . بحار الانوار، ج 76، ص 150، باب 26، روایت دهم.

2- . کافی، ج 6، ص 531.

3- . بحار الانوار، ج 40، ص 336.

4- . رساله توضیح المسائل مطابق با فتاوی مراجع معظم تقلید، ص 695.

5- . بحار الانوار، ج 76، ص 150.

6- . معارف و معاریف، ج 5، ص 36، به نقل از کنز العمال.

رسول اکرم صل الله علیه و آله در حدیثی دیگر توصیه نموده اند: از استعمال سنگ حرام در ساختمان بپرهیزید که مایه ی ویرانی است. (1)

به حضرت علی علیه السلام خبر دادند شریح بن الحارث (قاضی امیر المومنین) خانه ای به هشتاد دینار خریده است. امام او را احضار کرد و فرمود: به من اطلاع داده اند که خانه ای به این مبلغ خریده ای و سندی برای آن نوشته ای و گواهی را بر آن گرفته ای. شریح گفت: آری، امام نگاه خشم آلودی به وی کرد و فرمود: ای شریح به زودی کسی به سراغت می آید که به نوشته ات نگاه نمی کند و از گواهی نمی پرسد، تا آن که تو را از خانه بیرون کرده و تنها به قبرستان بسپارد. ای شریح اندیشه کن که آن خانه را با مال دیگران یا پول حرام خریده باشی که در آن صورت خانه ی دنیا و آخرت را از دست داده ای. اگر وقتی که این خانه را خریدی نزد من آمده بودی برایت سندی می نوشتم که دیگر برای خرید آن به درهمی یا بیشتر رغبت نمی کردی. آن سند چنین است:

این خانه ای است که بنده ای خوار آن را از مرده ای آماده کوچ خریده است؛ خانه ای از سرای غرور در محله ی نابود شوندگان و کوچه هلاک شدگان؛ یک حد آن به آفت ها و بلاها، حد دوم آن به عصبیت ها، حد سوم به هوا و هوس های تباه کننده و حد چهارم آن به شیطان گمراه کننده محدود می شود و در این خانه به حد چهارم گشوده است. این خانه را فریب خورده ای آزمند از کسی که خود به زودی از جهان رخت برمی بندد به قیمت از دست دادن عزت قناعت و آلوده شدن در ذلت دنیا طلبی خریداری کرده است. (2)

قطب راوندی در کتاب الخرائج و ابن شهر آشوب در کتاب مناقب از هشام بن حکم نقل کرده اند که مردی از اهل جبل هر سال در موسم حج خدمت امام صادق علیه السلام می رسید و حضرت او را در خانه ی خویش منزل می داد. یک سال در مدینه ده هزار درهم خدمت امام ششم داد تا خانه ای برای او تهیه کند. بعد حرکت نمود تا حج را بگذارد. در مراجعت خطاب به حضرت عرض کرد: خانه را خریدید؟ امام فرمود: بلی، و قباله ای آوردند که در آن نوشته بود:

بسم الله الرحمن الرحيم، این چیزی است که جفر بن محمد [علیه السلام] برای فلان شخص خریده است. خانه ای است در فردوس برین، حد اول خانه رسول اکرم صل الله علیه و آله، حد دوم

ص: 45

1- نهج الفصاحه، ص 8.

2- نهج البلاغه، نامه ی سوم.

خانه علی علیه السلام، حد سوم خانه ی امام حسن علیه السلام، و حد چهارم خانه حسین بن علی علیه السلام.

چون آن مرد خواند، گفت راضی شدم، خدا مرا فدای شما نماید. پس حضرت فرمود: آن مال را برای اولاد امام حسن و امام حسین علیه السلام صرف نمودم و امیدوارم خداوند قبول کند و جزای آن را در بهشت به تو عطا گرداند. مرد قباله را برداشت و به وطن خویش بازگشت، پس از چندی بیمار شد و در بستر مرگ افتاد. چون احساس کرد زمان وفاتش نزدیک شده است اهل خانه را سوگند داد که قباله مذکور را در کفن وی بگذارد. آنان چنین کردند. روز بعد که بستگان بر سر مزارش رفتند مشاهده کردند قباله روی قبرش می باشد و در آن نوشته شده: به خدا سوگند! جعفر بن محمد به آنچه فرموده بود وفا نموده است. (1)

از جمله شرایط مکان نمازگزار آن است که مباح باشد. بنابراین:

مسئله: کسی که در ملک غصبی نماز می خواند اگر چه روی فرش و تخت و مانند این ها باشد، نمازش باطل است. (2)

مسئله: نماز خواندن در ملکی که منفعت آن، مال دیگری است بدون اجازه کسی که منفعت ملک مال او می باشد باطل است ... و همچنین است نماز خواندن در ملکی که دیگری در آن حقی دارد. مثلا، اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی شود در ملک او نماز خواند. (3)

مسئله: اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است ... (4)

کسی که برای سکونت احتیاج به خانه دارد و امکان خرید خانه برایش میسر نیست، مگر با سود معاملاتی که در طی چند سال کسب می کند، بنا به فتوای حضرت امام خمینی، جزء مخارج سالیانه محسوب می شود؛ به این ترتیب که در هر سال مقداری از نیازمندی های خانه را پردازد. مثلا در یک سال زمین تهیه کند و در سال دیگر مصالح و در سال بعد سایر مخارج آن را بدهد و یا چاره ای جز این نداشته باشد که زمین یا خانه ای را بخرد و پول آن را بطور اقساط طی چندین

ص: 46

1- . اسلام و مستمندان، ص 33-32.

2- . توضیح المسائل امام خمینی، مسئله 866.

3- . همان، مسئله 867.

4- . همان، مسئله 873.

سال پردازد. اما اگر بخواهد چندین سال پول پس انداز کند تا بعدا خانه بخرد، مبالغ پس انداز شده جزء مخارج سالانه محسوب نمی شود و باید خمس آن ها را پردازد. (1)

سوال: شخصی مبلغی قرض نموده برای خرید ماشین سواری یا ساختن منزل مسکونی، قبل از خرید، سال خمسی وی فرا می رسد و نفس پول باقی می ماند. آیا به چنین پولی خمس تعلق می گیرد یا نه؟

جواب: خمس ندارد. (2)

استفتاء: کسی که نیاز به یک خانه بیشتر ندارد باید خمس یکی از خانه ها را بدهد، به شرط آن که از ارباح مکاسب بدون دادن خمس، آن خانه را تهیه کرده باشد. (3)

اگر کسی خانه اش را بفروشد و خانه ی دیگری بخرد یا بسازد، اگر خانه ی فروخته شده از سود کسب و حقوق درآمد بدون دادن خمس تهیه شده پول فروش آن خمس دارد.

فردی که منزل خویش را به فروش رسانیده و حال به دلیل گران شدن قیمت ها نمی تواند خانه ای بخرد و ناگزیر مدتی در منزل استیجاری زندگی کرده و پول مسکن فروخته شده را در بانک گذاشته است، اگر این خانه با درآمد کسب و حقوق بدون دادن خمس تهیه شده است، پول فروش آن بدون انتظار سر سال خمسی، خمس دارد. (4)

مسئله: تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است، حرام و نماز در آن باطل است ولی تصرفات جزئی که برای برداشتن میت معمول است اشکال ندارد و نیز اگر بدهکاری او کمتر از مالش باشد و ورثه هم تصمیم داشته باشند که بدون مسامحه بدهی او را بدهند تصرف اشکال ندارد. (5)

به فتوای امام خمینی (ره) اگر کسی در خانه ای سکونت کند و بعدا متوجه شود آن منزل از طریق حرام تهیه شده است، نباید در آن تصرف کند و نمازهایی که با علم و عمد در آن خوانده باطل است.

ص: 47

1- . تحریر الوسیله، امام خمینی، ج اول، ص 365.

2- . استفتائات از محضر امام خمینی، ج اول، ص 356.

3- . همان، ص 361.

4- . همان، ص 361-362.

5- . همان، مسئله، 876.

استفتاء: تصرف در مال مشترک بدون رضایت شریک غضب و حرام است و نماز در آن باطل است(1) و خانه ای مسکونی که سهم الارث آن به افراد ذیحق پرداخت نشده چنین وضعی دارد.

مقصود از مکانی که به خاطر غصبی بودن، نماز خواندن در آن باطل است، جایی است که نمازگزار روی آن قرار گیرد، اگر چه با چند واسطه باشد و نیز فضایی که در قیام، رکوع، سجود و مانند آن اشغال می گردد. بنابراین، گاهی هر دو قسم با هم جمع می شوند مانند نماز در زمین غصبی و گاهی یکی از آن ها حالت غضب دارد مانند بالکن مباح که روی فضای غصبی قرار گرفته و نیز همچون فرش غصبی که روی زمین مباح قرار گرفته است. البته نماز در زیر سقف و چادر غصبی و سر و خانه ای که برخی از دیوارهایش غصبی است در صورتی که جای نماز مباح باشد، باطل نمی باشد هر چند احتیاط آن است که در همه این موارد اجتناب شود.(2)

پرداخت دستمزد کارگران

حق و دستمزد کارگرانی که مشغول ساختن خانه هستند باید به طور متعارف و آنگونه که متداول است پرداخت گردد و براساس موازین اسلامی غضب حق کارگر از بزرگترین گناهان بوده و موجب خشم پروردگار متعال می شود.

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: من در روز قیامت با سه گروه دشمن هستم، از جمله ی آنان کسی است که کارگری را به کار گیرد و مزدش را نپردازد(3) ملعون است کسی که از دادن مزد کارگر اجتناب کند.(4)

آن حضرت در آخرین خطبه خویش هشدار دادند: کسی که به کارگر خود ستم نماید و مزدش را ندهد خداوند عملش را نابود می کند و بوی بهشت را که از فاصله پانصد سال به مشام می رسد بر او حرام خواهد کرد.(5) حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله تاکید نموده اند: خداوند همه گناهان را می بخشد جز گناه کسی که دین احداث کند (فرقه ای را تاسیس کند) با این که مزد کارگری را ندهد.(6)

ص: 48

1- . استفتانات از محضر امام خمینی، ج اول، ص 147.

2- . تحریر الوسیله، امام خمینی، ج اول، ص 267 و 268.

3- مستدرک الوسایل، ج دوم، ص 508.

4- . همان، ص 507.

5- . عقاب الاعمال، ص 331.

6- . بحار الانوار، ج 100، ص 166.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: کسی که به خدا و روز قیامت ایمان دارد باید مزد کارگر را قبل از شروع کار، مشخص نماید. (1) و قبل از خشک شدن عرق کارگر باید دستمزد او پرداخت گردد. (2)

مردی به نام شعیب می گوید: با گروهی در باغ امام صادق علیه السلام مشغول کار بودیم. پس از پایان مدت کار امام به معتب (متصدی امور) فرمود قبل از آن که عرق آنان خشک گردد مزدشان را پردازد. (3)

در قراردادهای اسلامی مدارکی موجود است که نشان می دهد اگر ابزار و مواد خام در دست کارگر بدون تساهل و قصور وی دچار کاستی شود یا از بین برود، کارگر ضامن نبوده و کارفرما حق ندارد از او مطالبه کند حتی اگر کارفرما ثابت کند که این وسیله را کارگر تلف کرده است مکروه است که از کارگر چیزی دریافت نماید. (4)

به دیگران ضرر نزنیم

براساس قانون «لا ضرر و لا ضرار فی الاسلام» (5) هر کار یا بنیانی که موجب ضرر شخصی یا اجتماعی باشد، آیین مقدس اسلام آن را طرد می کند و جلوی آن را می گیرد. در منابع حقوقی آمده است که هر مالکی نسبت به مایملک خود حق همه گونه تصرف و انتفاع دارد، مگر در موردی که قانون استثنا کرده است.

براساس موازین قانونی و حقوقی چنانچه تصرف در ملک خود مستلزم تضرر همسایه شود جائز نیست، مگر تصرفی که به قدر متعارف و برای رفع حاجت و یا دفع ضرر از خود باشد، و نیز هیچ کس نمی تواند اعمال حق خویش را وسیله اضرار به غیر یا تجاوز به منافع عمومی قرار دهد. (6)

از امام صادق علیه السلام درباره ی دیواری سوال شد که به فردی تعلق دارد و حد فاصل بین خانه ی او و منزل همسایه می باشد، اگر این دیوار خانه خراب شود و صاحب آن از درست کردن امتناع نماید تکلیف چیست؟ امام فرمود: صاحب دیوار را نمی توان مجبور که دوباره آن را بنا کند، مگر در صورتی که تجدید بنای این دیوار در رابطه با اصل ملک برای همسایه به عنوان

ص: 49

1- . کافی، ج 5، ص 289.

2- . وسائل الشیعه، ج 13، ص 246.

3- . همان ماخذ.

4- . نخستین سمینار علمی و پژوهشی تکامل فرهنگ کار، ص 199.

5- . وسایل الشیعه، ج 17، ص 376.

6- . سوء استفاده از حق، دکتر حمید بهرامی احمدی، ص 86.

حق یا شرط ضمن عقد از قبل وجود داشته باشد، فقط به صاحب منزل گفته می شود اگر مایلی می توانی در ملک خودت دیوار بکشی.

به امام عرض شد اگر دیوار خراب نشود، ولی صاحب آن بدون نیاز و به قصد اضرار به همسایه دیوار مزبور را خراب کند و یا بخواهد تخریب کند، تکلیف چیست؟ امام فرمود: به او چنین اجازه ای داده نمی شود، زیرا پیامبر صل الله علیه و آله فرمود «لا ضرر و لا ضرار» بنابراین، اگر صاحب دیوار آن را خراب کند وی را ملزم می نمایند که دوباره بسازد. (1)

همانطور که صاحب خانه حق دارد در ملک خود دیواری بسازد مجاز است که تا هر وقت لازم می داند دیوار را نگاه دارد و خراب نکند، ولی این حق تا زمانی است که از این تصرف یا عدم تصرف زبانی بر دیگری وارد نیاید، حتی در مواردی که احتمال وقوع ضرر می رود قانون حق او را محدود می کند و می گوید: اگر دیواری متمایل به ملک غیر یا خیابان و نحو آن شود که مشرف به خرابی گردد صاحب آن مجبور می شود آن را خراب کند. (2)

اسلام اعمال حق را در حدی مجاز می داند که برای دیگران مزاحمتی به وجود نیاید، به عنوان مثال؛ هرگاه طبقه زیرین متعلق به کسی باشد و طبقه دوم (فوقانی) متعلق به دیگری، هر یک از آن دو می توانند به طور متعارف در بخش اختصاصی خود تصرف کنند، ولی در مورد سقف بین دو طبقه هر یک از مالکین طبقه فوقانی و تحتانی در صورتی می توانند در کف یا سقف طبقه اختصاصی خود به طور متعارف تصرف کنند که مزاحم حق دیگری نباشند. (3)

انسان می تواند در زمین خود حمام بسازد و همسایگان حق اعتراض ندارند، ولی اگر از دود آن ناراحت باشند می توانند از بهره برداری حمام جلوگیری کنند، مگر آن که دودی که از آن برمی خیزد به میزان دودی باشد که از خانه های افراد دیگر بلند می شود.

انسان می تواند در ملک و محل سکونت خویش به احداث باغچه بپردازد، ولی نباید رطوبت آن به خانه همسایه آسیب وارد نماید. در صورتی که با احداث باغچه رطوبتی به دیوار خانه ی همسایه سرایت می کند پر کردن آن توجیهی ندارد، چون آنچه نفی شده ضرر است نه موضوع آن و مالک باغچه می تواند با قیر اندود کردن با بتون ریزی، جلو این عارضه را بگیرد. انسان می تواند در خانه خویش اقدام به حفر چاه کند، ولی اگر همسایه واقف است که حفر چاه موجب حدوث خسارت به

ص: 50

1- . مستدرک الوسایل، کتاب احیاء الموات، باب 9، ج 3، ص 150.

2- . سوء استفاده از حق، ص 205.

3- . این موضوع در ماده 125 قانون مدنی آمده است (سوء استفاده از حق، ص 205).

خانه مجاور می شود و باز هم به چنین کاری روی آورد، برحسب نظر برخی فقها می توان جلو حفر چاه را گرفت، یا اگر حفر شده آن را پر نمود، ولی باید خساراتی را که متوجه صاحب چاه شده جبران کرد و از ضرر زدن به او جلوگیری نمود.

در روایات اسلامی آمده است که امام زمان (عج) بالکن های راه گیر، فاضلاب های مزاحم و آبریزهای راه یافته به کوچه را ویران می کند. (1)

مردی از انصار نزد رسول اکرم صل الله علیه و آله آمد و از مساکن مجاور خانه اش شکایت کرد و عرض نمود: خانه های مجاور، گرداگرد خانه ام را گرفته اند (خانه ام به دلیل ارتفاع دیگر خانه ها فرو افتاده و از نور و هوا محروم شده است) پیامبر علیه السلام فرمود: صدایت از به نیایش بلند کن و از خداوند بخواه تا بر تو گشایشی پدید آورد. (2)

قاعده ی «تسلیط» از قواعد مسلم فقهی است که مبنای آن حدیث مشهور رسول اکرم است که فرموده اند:

الناس مسلطون علی اموالهم؛ مردم بر اموال خود سلطه و اختیار دارند.

به موجب این اصل، اگر کسی مالک چیزی بود، حق دارد در آن تغییراتی به وجود آورد. در صورتی که تصرف مالک برای رفع حاجت و یا دفع ضرر بوده و عدم تصرفش موجب ضرر خود او باشد، همه فقها نظر داده اند که در این مورد تصرف مالک جایز است؛ هر چند که این تصرف زیانی به همسایه وارد کند. (3)

مسئله: کوبیدن میخ پشت دیوار همسایه بدون اذن او جایز نیست. (4)

سوال: آیا شخص می تواند با متوجه کردن ضرر در حال وقوع به دیگری، خود را از سیل خسارت احتمالی در امان نگه دارد؟ به عنوان مثال؛ سیل متوجه خانه ای شده و تنها راه رهایی از اثرات مخرب این حادثه آن است که صاحب منزل، مسیر سیل را به سوی مسکن همسایگان هدایت کند. آیا مجاز است؟

جواب: فقها گفته اند بدون تردید چنین حقی برای مالک وجود ندارد.

ص: 51

1- بحار الانوار، ج 52، باب 27، روایت 91، ص 231 و نیز ج 52، باب 27، روایت 84، ص 339.

2- کافی، ج 6، ص 526، روایت هشتم.

3- شرح لمعه، ج 2، کتاب الغصب، ص 226، تذکره علامه، ج دوم، کتاب الغصب، تذهیب الاصول، ج سوم، ص 129.

4- مجمع المسائل، آیت الله گلپایگانی، ص 29.

نظر مشهور فقها این است که اگر دیوار منزل کسی مشرف به خرابی است نمی تواند به درخت کسی تکیه دهد مگر آن که جان آدمی در معرض خطر قرار گرفته باشد.

عده ای از فقیهان گفته اند در مواردی که ضرر بر دو شخص مختلف وارد می آید برای سنجیدن دو ضرر باید ضرر را به اعتبار هر یک از این دو در نظر گرفت، یعنی باید خصوصیات هر یک از دو ضرر با توجه به میزان خسارت و شخص سنجیده شود، مثلاً؛ اگر قرار است خسارت بر فرد فقیری که با زحمت و مشقت خانه ای ساخته یا به همسایه اش که تمکن و توانایی مالی خوبی دارد وارد شود، باید خسارت را متوجه همسایه ی متمکن کرد.

خانه ی خراب

در دستورهای اسلامی توصیه شده که مسلمانان در خانه های ویران اقامت نکنند.

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: سه کس را خداوند دوست ندارد، از جمله ی آن ها مردی است که به خانه ای خراب وارد می شود. [\(1\)](#)

در روایت دیگری آن خاتم پیامبران فرموده اند: خداوند عزوجل از سه کس حفاظت نکرده و آنان را کفالت نمی نماید: مردی که در خانه ویران منزل گیرد، فردی که میان راه به نماز ایستاده و کسی که مرکب خود را رها کند و آن را نبندد. [\(2\)](#)

پیامبر اکرم صل الله علیه و آله: مردی که در خانه ی ویران اقامت می کند جزء سه فردی است که خدا دعایشان را نمی پذیرد. [\(3\)](#)

امیرالمومنین علیه السلام: در خانه بدون در و پرده نخواستید، که مکروه است. [\(4\)](#)

حضرت محمد صل الله علیه و آله: کسی که در خانه تنها بخوابد جزء سه دسته ای است که مورد لعنت خداوند قرار می گیرد... [\(5\)](#)

امکان دارد خانه ای در آغاز سالم و محکم باشد اما اگر شیطان را پیش گیرند و از ذکر خداوند غافل شوند زمینه های ویرانی آن را فراهم کنند.

ص: 52

1- . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 186.

2- . خصال صدوق، ج اول، ص 151.

3- . نهج الفصاحه، ص 249، حدیث 1225.

4- . معارف و معاریف، ج 5، ص 38.

5- . نهج الفصاحه، ص 475، حدیث 2239.

رسول اکرم صل الله علیه و آله: خانه ای که در آن خیانت، دزدی، میگساری، و زنا صورت گیرد ویران شود و برکت از آن رخت بریندد. (1)

کسانی که خداوند و رسولش شقاوت ورزند در خانه های خود آرامش ندارند و رعب و هراس بر دل و روحشان استیلا می یابد. قرآن ماجرای گروهی از یهودیان را مطرح می کند که به دلیل عداوت با پروردگار و رسول او، آن چنان خداوند در قلب آنان هراس افکند که خانه های خود را با دست خویش و با دست مومنان خراب می کردند. این یهودیان آن چنان از خود راضی و مغرور بودند که تکیه گاهشان قلعه های محکم و قدرت ظاهریشان بود و در مدینه از امکانات وسیع و تجهیزات فراوان برخوردار بودند به گونه ای که نه خودشان باور می کردند که مغلوب شوند و نه دیگران تصور می کردند این ها سقوط کنند، ولی از آن جا که خداوند می خواست برای همه روشن سازد که چیزی در برابر اراده و قدرت او مقاومت ندارد، حتی بدون آن که جدالی رخ دهد، یهودیان بنی نضیر را از مدینه بیرون راند. با امداد الهی مسلمانان از بیرون، محل اقامت آنان را خراب می کردند که به داخل راه یابند و یهود از داخل ویران می نمودند تا مساکن آنان سالم به دست مسلمانان نیفتد بدین گونه آنان به دلیل عناد و نادانی، خانه و زندگی خویش را با دست خودشان ویران کردند و جلای وطن نمودند. این وضع برای یهودیان بسیار عذاب دهنده و رنج آور بود. قرآن در ادامه آیه تاکید می کند ای صاحبان بصیرت عبرت بگیرید. (2)

علی علیه السلام می فرماید:

اربعه لاتدخل واحده منهن بیتا الا خرب و لم یعمر: الخیانه، والسرقه، و شرب الخمر و الزنا؛ اگر یکی از مسائل خیانت، سرقت، شرب خمر و زنا وارد خانه ای شود، حتما آن خانه ویران می شود و هرگز آباد نخواهد شد. (3)

خرید و فروش مسکن

خرید، فروش و اجاره ی مسکن در اسلام دارای ضوابط و احکامی است، که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود.

سوال: شخصی خانه اش را به دیگری فروخته و صیغه ی عقد را فروشنده و مشتری جاری ساخته اند ولی نه خانه تحویل گردیده و نه دیناری پول دریافت شده و نه تاریخ تحویل و تحویل

ص: 53

1- . بحار الانوار، ج 75، ص 170.

2- . ر. ک: سوره حشر و تفسیر آیات مذکور.

3- . خصال شیخ صدوق، ج 1، ص 230، ح 73.

معین شده، بلکه به عرف واگذار شده است. بعد از آن بایع و مشتری توافق می کنند در روز معینی در دفترخانه اسناد رسمی حضور یابند تا علاوه بر ثبت معامله، موضوع تحویل خانه هم روشن گردد ولی به علتی قهری در آن روز، مقدر هیچ یک از طرفین معامله نبود. بعدا بایع مدت مدیدی از حضور معذور بوده است مشتری هم در اثر طول مدت معامله را فسخ می کند و در این مدت بهای خانه کاهش می یابد و بایع خانه را به بهای نازل تری به دیگری می فروشد. آیا مشتری ضامن تنزل قیمت خانه هست یا خیر؟ اگر مشتری وجهی را علی الحساب به فروشنده پرداخته باشد حق مطالبه وجه را دارد یا خیر؟

جواب اگر خیار برای مشتری ثابت بوده می تواند عقد را فسخ کند و وجه پرداختی را مطالبه نماید و تنزل قیمت را ضامن نیست. (1)

سوال: شخصی در کمال صحت و سلامت خانه ای را فروخت و آن را تحویل خریدار داد که پول آن را نقد و دو ماهه و سه ماهه دریافت دارد و مبلغ نقد را هنگام تحویل خانه دریافت کرد. مابقی را هم قرار شد در تاریخ ذکر شده بگیرد، اما پس از چند روز از گذشت قولنامه و تحویل خانه مرحوم شد. از نظر شرع ملک مال کیست و پولی که فروشنده طلبکار بوده به چه کسی تعلق دارد؟

جواب: اگر در وقت قولنامه معامله تمام شده، خانه ملک خریدار است و باید سند آن را به او تحویل دهند و بقیه پول را به ورثه ی فروشنده بپردازند و در مفروض سوال، معامله تمام است. (2)

سوال: کسی عمارتش را که با همسرش شریک بوده بدون اطلاع وی فروخته، بعدا زن این معامله را امضاء نکرده است آیا شرعا چه صورت دارد؟ زن نسبت به حق خودش حق فسخ دارد یا خیر؟ دیگر این که خود فروشنده با تخمین کارشناس رسمی مغبون شده است آیا شرعا حق ادعای فسخ دارد یا نه؟

جواب: در فرض مرقوم، معامله نسبت به سهم زن فضولی است و به اجازه خود زن موقوف است. اگر شرعا ثابت است که فروشنده مغبون شده و علم به غبن نداشته، حق فسخ معامله را دارد و چنانچه اختلاف و نزاعی هست باید در محکمه شرعیه حل شود. (3)

ص: 54

1- . استفتانات از محضر امام خمینی، ج دوم، ص 66.

2- . همان، سوال ششم، ص 66 و 67.

3- . همان، ص 78-79.

سوال: شخصی زمینی را به مساحت معینی می فروشد و سپس معلوم می شود که متراژ واقعی زمین مورد معامله بیشتر از مقداری است که فروخته و پول آن را گرفته است. آیا حق مطالبه مقدار زیادی زمین را دارد؟

جواب: اگر تمام آن قطعه زمین را به تصور این که متراژ معینی دارد بفروشد و سپس معلوم شود مساحت آن بیشتر است و در نتیجه ارزش آن بیشتر از قیمتی است که زمین را به آن قیمت فروخته است، بر اثر ثبوت خیاری غبن حق فسخ دارد، ولی اگر زمین را هر متری به قیمت معینی بفروشد می تواند قیمت چند متر زائد را مطالبه کند. (1)

سوال: پدری و پسری برای تهیه منزل مسکونی مبلغ یکصد هزار تومان (که سی هزار تومان آن از پدر است) گذاشته و منزلی را به همان مبلغ می خرند با توجه به این که هر دو اسکان در خانه است ولی موقع نوشتن قباله عادی خانه پدر روی حسن نیت و اعتماد به نام پسر نوشته نمی شود بعد از مدتی که می گذرد پدر با کمک خود پسر فرزند را داماد می کند اکنون هر دو در خانه سکونت دارند. پس از مدتی از ازدواج و سکونت در خانه می گذرد پدر خواستار توسعه ی منزل می شود و پسر تحت تاثیر افرادی قرار می گیرد و با کمال قدرت و جرات مقابل پدر می ایستد و می گوید شش دانگ خانه مال من است و شما دیناری نپرداخته اید. حال با توجه به این که عده ای از اقوام پدر از خرید خانه به همین نحو، کاملاً اطلاع دارند آیا به بهانه این که اصل قباله خرید به نام فرزند است پدر از این خانه محروم است و آیا تصرفات پسر بدون اذن پدر صحیح است یا خیر؟

جواب: قباله میزان نیست و اگر با پول مشترک خانه را خریده اند و پدر حق خود را به پسر نبخشیده خانه بین آن ها مشترک است و تصرف هیچ یک بدون اذن دیگری در خانه جایز نیست؟ (2)

سوال: خانه ای را به شخصی در برابر طلبی که از من داشت به مدت یک سال رهن دادم و قراردادی در این زمین نوشتیم ولی خارج از عقد به او وعده دادم که خانه به مدت سه سال در اختیار باشد. آیا در خصوص مدت رهن آنچه در قرارداد نوشته شده اعتبار دارد یا وعده ای که طبق تعارفات معمول به او دادم و بر فرض بطلان رهن، راهن و مرتهن چه تکلیفی دارند؟

ص: 55

1- . رساله اجوبه الاستفتائات، حضرت آیت الله خامنه ای، ص 354.

2- . استفتائات از محضر امام خمینی، ج دوم، ص 244.

جواب: در خصوص مدت رهن، نوشته یا وعده و مانند آن ملاک نیست بلکه معیار اصل عقد قرض است. در نتیجه اگر مشروط به مدت معینی باشد با حلول موعد آن، منحل می شود و الا به صورت رهن باقی می ماند تا آن که با پرداخت قرض یا چشم پوشی طلبکار از طلب خود، از رهن آزاد می شود و در صورتی که آن خانه از رهن آزاد شود یا معلوم گردد که عقد رهن از اصل باطل بوده، رهن می تواند مال مرهونه را از مرتهن طلب کند و او حق ندارد از برگرداندن آن خودداری نماید و آثار رهن صحیح را بر آن مترتب کند. (1)

سوال: شخصی از انشعاب آب خانه یا مغازه اش علاوه بر مصرف خودش بدون اجازه سازمان آب، به دیگران هم آب می دهد و پول آن را می گیرد این کار برای صاحب انشعاب و برای کسی که با دادن پول آب و هزینه ی انشعاب فرعی از آن استفاده می کند، چه حکمی دارد؟

جواب: تصرف در آب مزبور بودن مراعات مقررات دولت اسلامی جایز نیست. (2)

مسکن اجاره ای

از دیدگاه اسلام مکروه است کسی در خانه ی اجاره ای زندگی کند مگر؛ آنکه چاره ای نداشته باشد. (3) امروزه به دلیل ناپسامانی های اقتصادی درصد قابل توجهی از مردم در خانه های اجاره ای زندگی می کنند و این پدیده به عنوان یکی از مهمترین دشواری های جامعه مطرح است.

برخی عواملی که اختلافات مالک و مستاجر را تشدید می نماید عبارتند از: پاره ای مسائل حقوقی و قانونی، اجاره بهای سنگین و نامتناسب با درآمد مستاجر و نبود اعتماد و تفاهم میان طرفین قرار داد.

مسئله دیگری که مشکل اجاره نشینی را تشدید می کند وجود واسطه های مسکن و انبوه بنگاه های معاملات ملکی است که قراردادهای موجر و مستاجر اصولاً- از سوی این دفاتر تنظیم می شود. متأسفانه باید گفت این مراکز اغلب به مبانی حقوقی آشنا نمی باشند و تمام شرایط و اطلاعات خویش را در خصوص موضوع مورد معامله بیان نمی کنند و تضمین منافع طرفین را نیز غالباً مورد توجه قرار نمی دهند و برای این که به سود بیشتری دست یابند شرایط کاذبی را به مالک و مستاجر تحمیل می نمایند.

ص: 56

1- . اجوبه الاستفتانات، حضرت آیت الله خامنه ای، ص 394.

2- استفتانات از محضر امام خمینی، ج 2، ص 50.

3- . اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، ج 2، ص 185.

مسئله: اجاره دهنده و کسی که چیزی می کند باید مکلف و عاقل باشند، به اختیار خودشان اجاره را انجام دهند و نیز باید در مال خود حق تصرف را داشته باشند. (1)

مسئله: اگر خانه یا دکان یا اتاقی را اجاره کند و صاحب ملک با او شرط کند که فقط خود او از آن ها استفاده نماید، مستاجر نمی تواند آن را به دیگری اجاره دهد، ولی اگر بخواهد به زیادتر از مقداری که اجاره کرده آن را اجاره دهد باید در آن، کاری مانند تعمیر و سفید کاری انجام داده باشد ... (2)

مسئله: مالی را اجاره می دهند چند شرط دارد: اول، آنکه معین باشد، پس اگر بگوید یکی از خانه های خود را اجاره دادم درست نیست. دوم، مستاجر آن را ببیند ... سوم، تحویل دادن آن ممکن باشد ... (3)

مسئله: اگر مدت اجاره را معلوم نکنند و بگویند هر وقت در خانه نشستی اجاره ی آن، [مثلاً] ماهی ده تومان است اجاره صحیح نیست. (4)

مسئله: اگر اجاره دهنده یا مستاجر بفهمد که مغبون شده است چنانچه در موقع خواندن صیغه ملتفت نباشد که مغبون است می تواند اجاره را به هم بزند ... (5)

مسئله: اگر ملکی را اجاره کند و بعد از گذشتن مقداری از مدت اجاره بطوری خراب شود که هیچ قابل استفاده نباشد، یا قابل استفاده ای که شرط کرده اند نباشد، اجاره ی مدتی که باقی مانده باطل می شود و اگر استفاده ی مختصری هم بتواند از آن ببرد، می تواند اجاره ی باقی مانده را هم به هم بزند. (6)

مستاجری نمونه

با آن که صاحب خانه ی امام از مقلدان و دلباختگان ایشان بود و سکونت امام را در خانه ی خود بزرگترین افتخار زندگی می دانست، ولی حضرت امام مثل فردی که هیچ گونه رابطه ای بین مالک و مستاجر وجود ندارد به احکام شرعی ملتزم بودند. روزی برای تامین نور فیلم برداری از برخی ملاقات های رسمی، سه نقطه از گچ سقف اتاق را هر یک به مساحت پنج سانتی متر در پنج

ص: 57

1- توضیح المسائل امام خمینی، مسئله 2173.

2- همان، مسئله 2180.

3- همان، مسئله 2184.

4- همان، مسئله 2190.

5- همان، مسئله 2208.

6- همان، مسئله 2113.

سانتی متر زیر تیر آهن تراشیده بودند و می خواستند نورافکن ها را به آن نقاط جوش دهند. همین که برخی اعضای دفتر خدمت امام مشرف شدند، ایشان قبل از هر چیز با لحنی خشن و تند و قیافه ای ناراحت و مضطرب فرمودند: این چیست! چرا این کار را کرده اید! گفته شد برای تامین نور فیلم برداری است.

بعد از لحظه ای تامل و سکوت تلخ ادامه دادند: چرا بدون اجازه ی صاحب خانه این تصرفات را می کنند! با این برخورد شدید و جدی جرات ادامه این کار سلب گردید و اصل قضیه منتفی و جای آن تعمیر شد. یکی از حاضرین گفته بود من در طول عمرم با این که ده ها سال با حضرت امام بوده ام کمتر چنین ناراحتی و تکدر خاطری از ایشان دیده ام. (1)

ص: 58

1- . در سایه ی آفتاب، محمدحسن رحیمیان، ص 51.

اذن ورود و ایجاد انس برای اهل خانه

از دیدگاه شریعت اسلامی هیچ کس حق ندارد بدون اطلاع و اجازه ی قبلی به خانه ی دیگری وارد شود. در زمان جاهلیت، در حجاز رسم نبود که کسی برای ورود به خانه ی دیگران اجازه بگیرد. در خانه ها باز بود و حتی اجازه گرفتن را نوعی اهانت به خود تلقی می کردند و سرزده به خانه های هم می رفتند. اسلام این رسم غلط را باطل اعلام کرد و دستور داد مردم باید با اطلاع قبلی به منازل هم بروند و خویشاوندی، آشنایی و الفت زیاد نیز موجب نمی شود که این حکم نادیده گرفته شود. همچنین توصیه مذکور فقط برای منازلی که زنان در آن ها اقامت دارند نیست، بلکه برای ورود به هر خانه ای، اذن صاحبش لازم نیست. قرآن کریم می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید به خانه ای غیر از خانه ی خود بدون آن که اجازه گرفته و بر ساکنانش سلام کرده باشید داخل نشوید، این برای شما بهتر است؛ باشد که پند گیرید. (1)

«انس» که در قرآن به آن اشاره شده، ضد وحشت است و «استیناس» یعنی جلب آرامش اهل خانه زیرا هر کس در خانه ی خود مسائلی دارد که از آشکار شدن آن ها حتی برای دوستانش اکراه دارد. اگر فردی سرزده وارد منزل دیگری شود، به گونه ای موجب تشویش خاطر و سلب آرامش او شده است. چه بسا وضع خانه به نحوی است که صاحبش دوست ندارد کس دیگری آن اوضاع را مشاهده کند و یا آن که خسته و بیمار بوده و آمادگی پذیرش کسی را ندارد و یا سرزده وارد اتاق یا خانه ای شدن سبب می شود که نگاه به چهره یا اندامی یا صحنه ای بیافتد که بر اثر آن آدمی با تحریکات شیطانی و بیدار شدن شهوات به دام فتنه و گناه بیفتد. قرآن توصیه می کند:

اگر در خانه کسی را نیافتید داخل نشوید تا شما را رخصت دهند و اگر گویند بازگردید، مراجعت کنید این برایتان پاکیزه تر است و خدا به هر کاری که می کنید آگاه است. (2)

ص: 59

1- . نور، 27.

2- . همان سوز، آیه 27.

این که بر در خانه یا اتاق پرده ای آویزان می کنند و قبل از ورود به خانه باید اجازه گرفت و به اهل آن خبر داد. برای جلوگیری از برخی خلاف ها و معاصی است. البته صاحب خانه هم باید در تجهیز محل سکونت خویش و تامین وسایلی که به این ایمنی و احساس آرامش کمک می کند بکوشد. رهگذران، همسایگان و ساکنین طبقات بالا و خانه های مشرف نیز باید نگاه خود را تحت کنترل در آورند. (1)

چگونه اجازه خواستن

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: برای خبر دادن به اهل خانه ذکر خدا بر زبان جاری گردد؛ همچون سبحان الله و الله اکبر و این که در بین مسلمانان ایرانی متداول است به هنگام ورود به منازل افراد یا الله بگویند الهام گرفته از این توصیه است. همچنین طبق آیه قرآن باید به اهل خانه سلام کرد. امام باقر علیه السلام فرموده اند: هر گاه وارد خانه خودتان هم می شوید که اگر کسی در خانه باشد بر او سلام نمایید و چنانچه کسی نبود بگویید السلام علینا من عند ربنا (درود بر ما از جانب پروردگار ما) چرا که خداوند فرموده است تحیت با برکت و پاکیزه نزد خداست. (2)

رسول اکرم صل الله علیه و آله وقتی به در خانه ی کسی می آمدند، سمت چپ یا راست درب منزل قرار می گرفتند و می فرمودند: السلام علیکم و با این سلام دادن بلند اجازه ورود می گرفتند. زیرا آن روزها هنوز معمول نشده بود که همه در برابر خانه شان پرده نصب کنند. (3) اگر اهل خانه اجازه ورود می دادند حضرت داخل خانه می شدند و اگر جواب نمی شنیدند نوبت دوم و سوم سلام را تکرار می فرمودند و اگر جوابی نمی شنیدند بر می گشتند. آن حضرت این دستور را حتی در مورد خانه دخترش فاطمه زهرا علیهم السلام اجرا می فرمودند. (4)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: اجازه خواستن برای ورود به خانه دیگران سه بار است، بار اول می شنوند، بار دوم خدا را حفظ می کنند و در سومین بار اگر خواستند اجازه می دهند و در غیر این صورت باز می گردد. (5)

ص: 60

1- . اخلاق معاشرت، قسمت 11، حواد محدثی، مجله پیام زن، شماره ی 73، ص 50.

2- . آداب معاشرت، از دیدگاه معصومین، ص 69.

3- . تفسیر فخر رازی، ج 23، ص 198.

4- . تفسیر نمونه، ج 14، ص 431.

5- . خصال صدوق، ج اول، ص 116.

یک بار ابوسعید خدری رو بروی خانه ی حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله ایستاد و اذن ورود طلبید، پیامبر به وی فرمود: رو بروی در، اجازه ورود مگیر. (1)

سر زده وارد نشوید؛ حتی به خانه ی خود

سر زده وارد خانه شدن حتی در مسکن خویش ناروا است. در آداب سفر آمده است که، پیامبر اکرم صل الله علیه و آله فرمود: اگر کسی شبانه از مسافرت برگشت سرزده وارد نشود، مگر آن که قبلاً خبر دهد. (2)

از امام صادق علیه السلام نقل شده است که مرد هنگام ورود به خانه خود، به خانواده اش سلام کند و در حال ورود به درگاه خانه کفش خویش را به صدا درآورد و سرفه کند تا اهل خانه خبردار شوند، مبادا چیزی به چشم بیند که وی را ناخوشایند باشد. همچنین توصیه شده است هنگام بیرون آمدن از خانه آیات آخر سوره ی آل عمران، آیه الکرسی، انا انزلنا و حمد خوانده شود.

در حدیث مستندی آمده است که هنگام بیرون آمدن از خانه این عبارت را باید زمزمه کرد:

امنت بالله توکلت علی الله لاحول و لاقوه الا بالله.

ابوحزمه ثمالی روایت می کند که، امام سجاد علیه السلام هنگام بیرون رفتن از خانه این ذکر را می گفت:

بسم الله حسبی الله توکلت علی الله اللهم انی اسئلك خیر امور کلها و اعوذ بک من خزی الدنيا و عذاب الاخره.

مردی خدمت رسول اکرم صل الله علیه و آله آمد و پرسید، آیا برای وارد شدن به منزل مادرم نیز اجازه بخواهم؟

فرمود: آری.

پرسید: مادرم خدمتکاری جز من ندارد، آیا لازم است که هر بار نزدش می روم اجازه بگیرم؟

حضرت فرمود: آیا دوست داری که مادرت را عریان ببینی!

مرد گفت: نه!

ص: 61

1- . تفسیر فخر رازی، همان جلد، ص 199.

2- . مکارم الاخلاق، ص 266.

فرمود: پس اجازه بگیر و وارد شو. (1)

اجازه گرفتن کودکان و نوجوانان

ادب دیگری که اسلام به پیروان خود می آموزد اجازه گرفتن کودکان و فرزندان برای ورود به اتاق والدین است. این نکته را هم خود نوجوانان و هم پدر و مادر باید مراعات کنند، به نحوی که زمینه های بدآموزی، تحریک و انحراف در فرزندان به وجود نیاید.

خدمتکاران خانه و کودکانی که به سن بلوغ نرسیده اند باید در سه وقت برای ورود به خانه اذن بگیرند: قبل از نماز صبح، هنگام استراحت ظهر و شب بعد از عشاء. (2)

قرآن در اذن گرفتن برای ورود به اتاق والدین بین کودکان نابالغ و بالغ تفاوت قائل می شود، زیرا افرادی که سن بلوغ را درک نکرده اند تنها در سه وقت موظف به اجازه گرفتن هستند چون زندگی آنان با زندگی پدر و مادر آنقدر آمیخته است که اگر بخواهند در همه حال اجازه بگیرند مشکل خواهد بود، از این گذشته غرایز جنسی آنان هنوز به طور کامل بیدار نشده است، اما در مورد نوجوانان بالغ اذن گرفتن بطور مطلق واجب است و این ها موظفند در همه حال به هنگام ورود به اتاق پدر و مادر اذن بگیرند. (3) این حکم مخصوص مکانی است که والدین در آن جا استراحت می کنند و گرنه وارد شدن به اتاق عمومی، به خصوص موقعی که دیگر اعضای خانواده حاضرند اشکالی ندارد و اجازه و اذن لازم نیست. (4)

به نظر علامه طباطبایی اجازه گرفتن برای ورود به خانه کمک می کند که ساکن منزل خود را پوشانند و از خودش ایمن و خاطر جمع باشد و این شیوه ی شایسته باعث می شود که روح اخوت و الفت و تعاون عمومی در مسیر گسترش فضایل و مکارم و پوشانیده شدن امور ناروا استمرار یابد. (5)

از دیدگاه اسلام مکروه است مردی به درب خانه ی زنی برود که همسرش در مسافرت است.

ص: 62

- 1- . مجمع البیان، ج 14، ص 135.
- 2- . یا ایها الذین ءامنوا لیستذنبکم الذین ملکتم ایمانکم و الذین لم یبلغوا الحلم منکم ثلاث مرت من قبل صلوه الفجر و حین تضعون ثیابکم من الظهر و من بعد صلوه العشاء ثلاث عورت لکم لیس علیکم و لا علیهم جناح بعدهن طوفان علیکم بعضکم علی بعض کذلک یتبین الله لکم الایات و الله علیم حکیم (النور / 58).
- 3- . همان سوره، آیه 59.
- 4- . تفسیر نمونه، ج 14، ص 541.
- 5- . المیزان فی التفسیر القرآن، ج 15، ص 118.

در رژیم پهلوی یکی از روحانیان برای مصون ماندن از تعرض ساواک به شهری رفته بود. حضرت آیت الله محمد تقی بهجت برای کمک به خانواده ایشان اکراه داشتند که خودشان آذوقه را به منزل ایشان تحویل دهند، از این رو همسر و فرزندشان را تا جلو خانه مزبور می آورد و مواد غذایی مذکور را توسط آنان تحویل می دادند. (1)

به تعبیر سید قطب، ما مسلمانان نسبت به این گونه ظرافت ها و دقت های دینی حساسیت خود را از دست داده ایم، شخصی به خانه برادرش می رود و برایش فرق نمی کند که شب است، آنقدر در می زند که تا در باز شود و با وجود آن که تلفن دارد تماس هم نمی گیرد که من قصد آمدن به خانه شما را دارم تا برایش روشن شود موقعیت مناسب است یا نه. سرزده به منزل آشنایان و دوستان می رویم و توقع داریم از ما به بهترین نحو با روی خوش پذیرایی کنند و اگر غذایی مناسبی نیاوریم رنجیده می شویم. این ها نشانه ی آن است که ما هنوز با ادب قرآنی و سیره ی رسول اکرم صل الله علیه و آله پرورش نیافته ایم. قرآن می فرماید اگر صاحب خانه به شما گفت: برگردید، باید برگردید و از این برخورد صادقانه ناراحت نشوید. چنین فرهنگی در اجتماع ما حاکم نیست و صراحت لهجه ی صاحب خانه در مورد پذیرفتن افراد را نوعی اهانت و تحقیر تلقی کرده و چه بسا قهر کرده و به مذمت و نکوهش او پرداخته و غیبتش را روا می داریم و در مواقعی نسبت های ناروا به او می دهیم که این رفتار علاوه بر آن که موجد عدم رشد فکری ماست از ضعف ایمان و سستی در اخلاق و خویمان حکایت دارد. (2)

حفظ حقوق و رعایت حرمت اهل خانه

یک رسم جاهلی در میان اعراب رواج داشت که، وقتی لباس حرام بر تن می کردند از راه معمولی و درب خانه وارد منزل افراد نمی شدند و عقیده داشتند محرم نباید از در خانه وارد شود. به همین دلیل از پشت بام وارد می شدند. آنان می گفتند این عمل نیکی است، زیرا نوعی ترک عادت محسوب می شود. قرآن چنین رسمی را لغو کرد و تصریح نمود نیکی در تقواست، نه عادت خرافی، و دستور داد از همان طریق متعارف وارد خانه شوند؛

«کار نیک آن نیست که از پشت خانه وارد شوید؛ نیکی این است که پرهیزگاری پیشه کنید، باشد که رستگار شوید.» (3)

ص: 63

1- . حقیقت شرق، حسین بن علی عربی، ص 71-70.

2- . در این زمینه بنگرید به بحث های شهید مطهری در کتاب مسئله حجاب ذیل استیذان، ص 119-113 و نیز آشنایی با قرآن، ج 4، ص 84-73.

3- . بقره: 189 (لیس البران تاتوا البیوت من ظهورها...).

به هر حال ورود بدون اجازه و نیز داخل شدن به خانه ی دیگران از راه غیر متعارف، نوعی اهانت به اهل خانه محسوب می گردد و افرادی که سرزده به دوستان و آشنایان وارد شده اند مورد مذمت قرار گرفته و کارشان قبیح شده است. باید به حقوق ساکنین در منزل و احساسات و عواطفشان احترام گذاشت. حضرت امام صادق علیه السلام تاکید نموده اند که شما باید از پشت در، قبل آن که به درون خانه بنگرید، اجازه بگیری، ولی کسانی هستند که هنگام ورود به خانه دوستان و بستگان از پنجره یا روزنه ای دیگر مخفیانه به سخنانی گوش می دهند که بین اعضای آن خانه جریان دارد و در ضمن این حرکت ضد اخلاقی چشم خود را به کار انداخته اند تا ببینند در خانه ی مورد نظر چه می گذرد و در پایان چنین رفتارهای مذموم اجازه دخول می طلبند. چنین شیوه ای به هیچ وجه نشانی از اجازه خواستن ندارد.

حضرت امام صادق علیه السلام فرموده اند: حتی مرد باید از دختر و خواهر خود، اگر شوهر کرده باشند اجازه بگیرد، چه بسا آنان در وضعی خاص باشند که نخواهند در آن حال بینیمشان. (1)

در موضوع مورد بحث، تنها مسئله ی حقوقی و فقهی مطرح نیست که، مثلا تصرف در ملک غیر بدون رضایت و اجازه اش حرام است یا نه؛ بلکه مسئله ای اخلاقی، انسانی و اجتماعی مطرح است که فراتر از حقوق مدنی است و با حیثیت، آبرو و آزادی افراد ارتباط دارد که باید مصون از تعرض باقی بماند. باید دانست عدم رعایت حرمت این دستور گناهی سنگین به همراه دارد. رعایت حرمت مساکن و منازل مردم نه تنها به لحاظ مالکیت بلکه از نظر شئون معنوی افراد و شخصیت والای انسانی محترم است. و هتک حرمت این حریم، تجاوز به حدود و ثغور خود انسان تلقی می گردد نه تجاوز به متعلقاتش؛ از قبیل اموال و املاک و اجزای خانه. (2)

قرآن در مورد چگونگی ورود به خانه ی پیامبر صل الله علیه و آله و نحوه برخورد با آن حضرت طی آیه ای رهنمودی بسیار عالی و آموزنده دارد که یک فرد مسلمان می تواند آن را در مورد بزرگان دین، مشاهیر و شخصیت های معروف، برنامه عمل خویش قرار دهد:

ای کسانی که ایمان آورده اید! به خانه ی پیامبر داخل نشوید مگر آن که به شما برای صرف غذا اجازه داده شود (مشروط بر آن که قبل از موعد معین نیاید) و در انتظار وقت غذا ننشینید، این رفتار، رسول اکرم صل الله علیه و آله را ناراحت می کند، ولی او از شما شرم می نماید، اما خداوند از (بیان) حق شرم ندارد و هنگامی که چیزی از وسایل زندگی (به عنوان عاریت) از آن ها

ص: 64

1- دوستی و دوستان، سید هادی مدرسی، ترجمه حمیدرضا شیخی - حمیدرضا آذیر، ص 338-339.

2- نقطه های آغاز در اخلاقی عملی، آیه الله محمدرضا مهدوی کنی، ص 579.

(همسران پیامبر) می خواهید از پشت پرده تقاضا کنید. این کار دل های شما و آن ها را پاک تر می دارد و شما حق ندارید رسول خدا را آزار دهید. (1)

بنا بر حکم قرآنی نه بی موقع به خانه ای که دعوت شده اید وارد گردید و نه اجابت دعوت را نادیده انگارید و نه پس از صرف غذا برای مدتی طولانی درنگ کنید. بدیهی است تخلف از این امور موجب زحمت و دردسر برای صاحب خانه است و با اصول اخلاقی سازگاری ندارد. (2)

گناه گناه

در نظام معماری اسلامی، اشراف بر زندگی دیگران و گشودن چشم و پنجره و در به مسکن مردم تجاوز به حساب می آید. تعبیر عورت پوشی همان مفهوم حفظ عفت را بیان می کند. امام صادق علیه السلام فرمود:

در سه چیز مومن آسوده است ... از جمله خانه ی گسترده ای که از نادیدنی های او پرده پوشی کند و حالات ناروا را از چشم مردم پاس دارد. (3)

همچنین از امام باقر علیه السلام روایت شده است: کسی که به خانه ی مسلمانی سرک کشد، در آن حال دو چشم او بر آن مسلمان مباح خواهد بود (4) (می تواند آن را آماج تیر سازد).

نقل شده که خلیفه ی دوم شبی در مدینه صدای مردی را شنید که در منزل خود آواز می خواند. از دیوار بالا رفت و خطاب به وی گفت: ای دشمن خدا، گمان کردی که معصیت پروردگار را مرتکب می شوی و خداوند بر تو می پوشد. آن مرد در پاسخ گفت: ای خلیفه در عقوبت من شتاب مکن، چون من اگر یک خلاف کرده ام تو سه خلاف نموده ای؛ اول این که خداوند انسان را از تجسس در امور دیگران منع کرده؛ ولی تو این کار را کردی، دوم اینکه بدون اجازه وارد خانه ی من شدی و قرآن چنین اجازه ای نداده است.

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: خانه ی هر کسی حرم اوست. (5) پس نباید کسی بدون اجازه وارد خانه ی دیگران شود.

پس از فتح مکه رسول خدا به مخالفان امان داد و فرمود:

ص: 65

1- . احزاب، 53.

2- . تفسیر نمونه، ج 17، ص 400.

3- . کافی، ج 5، ص 327، روایت ششم.

4- . معارف و معارف، سید مصطفی حسینی دشتی، ج 5، ص 37.

5- . نهج الفصاحه، ص 331، حدیث 1582.

مسجد الحرام و خانه ای که در آن بسته باشد امانگاه است. (1)

ارزش چشم با جان آدمی برابر است، تا آنجا که اگر کسی دو چشم دیگری را نابینا نماید دیه کامل یک انسان بر عهده اش است. (2) اما همین چشم اگر نگاه خائنانه کند و بخواهد به مساکن، اسرار و نوامیس مردم بنگرد، اگر از سوی اهل آن منزل آسیب ببیند و منجر به کوری گردد دیه ندارد. (3)

امام خمینی (ره) در این باره چنین فتوا داده اند:

دید زدن به خانه ی مردم و نگاه به نامحرم گناه است و صاحب خانه حق دارد سنگ یا چیزی به طرف او پرتاب کند و ضمانتی هم بر او نیست، حتی اگر به درون خانه های دور با ابزاری (مثل دوربین قوی) نگاه کند، مثل آن است که از نزدیک نگاه کند. نگاه به درون خانه کسی از طریق نصب آینه نیز همین حکم را دارد. (4)

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند:

هر کس به خانه ی همسایه اش سرک کشد تا به عورت مردی یا موی زنی یا بدن او بنگرد بر خداوند رواست که او راه همراه منافقان به آتش دوزخ افکند. (5)

می گویند رسول خدا صل الله علیه و آله در خانه خویش مشغول شانه زدن موهای خود بود و در آن حال یکی از همسران آن وجود مقدس در کنارش نشسته بود. کسی از شکاف در، درون خانه را می نگریست. پیامبر فرمود: اگر به تو نزدیک بودم چشمت را با همین شانه در می آوردم و در برخی نقل ها آمده است که پیامبر صل الله علیه و آله آن مرد خاطی را تعقیب نمود که وی گریخت. (6)

تقل شده که، جوانی در اوقات نماز بالای ماذنه ی مسجد اذان می گفت. یک روز در حال اذان به خانه ها اطراف مسجد نظر انداخت، نظری که اسلام آن را حرام کرده است. ناگهان چشمانش در خانه ای به دختری نیکو منظر و صاحب جمال افتاد، دل به او داد. پس از اذان به سوی آن خانه رفت و درش را کوبید، صاحب خانه در را گشود. جوان خطاب به صاحب خانه گفت: اگر دخترتان

ص: 66

1- . تاریخ پیامبر اسلام، دکتر آیتی، ص 561.

2- . رساله نوین مطابق با فتاوی حضرت امام خمینی، ترجمه و توضیح از دکتر عبدالکریم بی آزار شیرازی، ج 4، ص 285.

3- . اخلاق معاشرت، جواد محدثی، مجله پیام زن، شماره 74، اردیبهشت 1377، ص 10.

4- . تحریر الوسیله، امام خمینی، ج اول، ص 492.

5- . وسایل الشیعه، ج 14، ص 141.

6- . همان، ج 19، ص 48-49.

را شوهر می دهید من مایل هستم او را به همسری برگزینم. صاحب خانه گفت: ما آسوری مذهب هستیم، اگر آیین ما را می پذیری از این که دخترم را به تو بدهم اجتناب نمی کنم. جوان که دل به زیبایی و جمال آن دختر دوخته بود، از پذیرش این شرط استقبال کرد و از اسلام دست برداشت، اما هنگامی که می خواست آن دختر را طبق رسم آسوریان به عقد از دواج خویش در آورد از بالای پله با سر به زمین آمد و هلاک گردید. (1)

از حضرت امام حسن عسگری علیه السلام روایت شده است که، به خاتم رسولان حضرت محمد صل الله علیه و آله وحی گردید فردی به خانه ی همسایه خویش می نگرد و از دین زن نامحرم مضایقه ندارد. آن حضرت برآشفت و فرمود او را نزد من آورید. کسی عرض کرد: وی از پیروان شماس است و به رسالت آن جناب و امامت حضرت علی علیه السلام انتقاد دارد و از دشمنان اهل بیت علیه السلام بیزاری می جوید. فرمود: میگویند از تابعان ماست، او دروغ می گوید. آگاه باشید تابع ما کسی است که در اعمالش پیرو ما باشد و او این گونه نیست. (2)

لقمان به فرزندش می گوید: فرزندم! خدمت چهار هزار پیامبر رفته و از هر کدام کلمه ای آموختم و از میان آن ها هشت کلمه برگزیدم که یکی از آن ها این است:

اگر در خانه ی دیگری بودی، چشم خود را حفظ کن. (3)

اول همسایه بعد خانه

قرآن کریم بعد از یکتا پرستی و شرک نورزیدن به خداوند، دعوت عملی به تضامن و تعاون اجتماعی نموده و در این میان پس از پرسش خداوند و نیکی به والدین، ارحام، یتیمان و فقیران، احسان به همسایه را مورد اهمیت قرار می دهد. جالب اینکه، رعایت حقوق آنان طبق آیه قرآن عملی نمودن فرمان واجب الهی است و ثانیاً این برنامه در ردیف عبادت پروردگار و شریک قائل نشدن برای او آمده است.

قرآن از «جار ذی القربی» و «جار جنب» سخن می گوید. سید عبدالله شبر ذیل تفسیر این آیه (آیه 36 سوره نساء) سه معنا برای عبارت نخست احتمال داده است: همسایه ی نزدیک، خویشاوند

ص: 67

1- . خانواده در اسلام، حسین انصاریان، ص 180-179.

2- . مجموعه ورام، ج 2، ص 204، عرفان اسلامی، حسین انصاریان، ج 7، ص 337.

3- . چهل حدیث، محمد اسماعیل ملایی، ص 50، به نقل از سفینه ی البحار.

و یا هم عقیده و به نظر وی منظور از عبارت دوم دور بودن در فاصله یا خویشاوندی یا اعتقاد می باشد. (1)

ارتباط شایسته ی افراد یک محله که با هم همسایه اند و خوش رفتاری آنان با یکدیگر در حدی است که حضرت امام رضا علیه السلام این ویژگی را از جمله اهداف بعثت رسول اکرم صل الله علیه و آله برشمرده اند. (2)

حضرت علی علیه السلام نیز فرموده اند: شیعیان ما کسانی هستند که به خاطر ولایت ما نسبت به هم بذل و بخشش می نمایند ... مایه برکت همسایگان هستند و با معاشران خود در صلح و صفا بسر می برند. (3) همچنین آن حضرت چهار خصلت را برشمرده اند که اگر کسی آن ها را داشته باشد اهل بهشت است؛ یکی از آن ها رفتار پسندیده با همسایگان است. (4) امام صادق علیه السلام در سخنی جاویدان، نیک رفتاری با همسایه را بعد از نماز و در ردیف اقامه ی این فریضه واجب الهی در مسجد ذکر کرده اند. (5) امام صادق علیه السلام فرمود: ما ریشه ی همه خوبی ها و نیکی ها هستیم و این ها همه از شاخه های وجود ماست. در این روایت تفقد از همسایه به عنوان خیر و خوبی معرفی شده است. (6)

امام حسن مجتبی علیه السلام در ایام کودکی، شبی تا صبح مراقب عبادت مادرش بود و می نگریست که او دایم در حال رکوع، سجود، قیام و قعود است و می شنید که مادرش درباره ی زنان و مردان مسلمان دعای خیر می کند و برای هر یک از آنان سعادت، رحمت و برکت می خواهد. امام حسن صبح هنگام، به مادرش گفت: هر چه گوش کردم درباره ی دیگران دعای خیر نمودی. اما درباره ی خودت دعایی نکردی؟ حضرت فاطمه علیها السلام فرمودند:

«یا بنی الجار ثم الدار؛ ای فرزندانم! اول همسایه بعد خانه.» (7)

حضرت علی علیه السلام در خطبه قاصعه از تعصب های غلط، افتخارات بیهوده و مباحات به طایفه و قبیله به شدت انتقاد می کند و می فرماید: اگر کسی بخواهد تعصب به خرج دهد باید کردار پسندیده، خصال نیکو و خلق و خوی انسانی را ملاک مباحات و فضیلت قرار دهد. در فرازی

ص: 68

- 1- . تفسیر قرآن کریم، سید عبدالله شبر، ص 114.
- 2- . سیری در نماز، حسین انصاریان، ص 23.
- 3- . کافی، ج سوم، ص 333.
- 4- . سفینه البحار حاج شیخ عباس قمی، ماده رحم.
- 5- . امالی، شیخ مفید، ص 205.
- 6- . الروضه من الکافی، کلینی، ج 2، ص 51-52.
- 7- . کشف الغمه، اربلی، ج 2، ص 25، بحار، ج 43، ص 81.

از این خطبه تاکید نموده اند که به صفات حمیده و اخلاق کریمه افتخار کنید. به دنبال این سخن آسمانی هم برخی از خصلت هایی را که سزاوار است افراد داشته باشند برمی شمارد. نخستین این حالت نیکو از دیدگاه آن امیرالمؤمنان حفظ حقوق همسایه و رعایت حال اوست: من الحفظ للجوار. (1)

یکی از صفات پرهیزگاران که حضرت علی علیه السلام در خطبه همام بدان اشاره فرموده زیان نرسانیدن به همسایه است. (2) آن حضرت در بستر شهادت نیز بازماندگان را این گونه وصیت فرمود: از خدا پروا داشته باشید، از خدا بترسید درباره ی همسایگانان که آنان سفارش شده ی پیامبران هستند. (3) امام حسن مجتبی علیه السلام ده چیز را جز اخلاق پسندیده برشمرده اند، یکی از آن ها حمایت از همسایه است. (4) امام حسین علیه السلام نیز مسلمانان را به پنج خصلت توصیه فرموده اند که خوش رفتاری با همسایه در زمره ی آن می باشد. (5) در فرازی از رساله حقوق سجاد علیه السلام آمده است:

اما حق همسایه ات حفظ اوست در نهان، و بزرگداشت او در عیان و حمایت او در صورتی که ستم دیده باشد و اگر احتمال تاثیر اندرز می دهی او را نصیحت کنی، در وقت مشقات او را رها نکنی و از خطا و جرم او درگذری، گناهی را ببخشی و او با بزرگوارانہ معاشرت کنی.

امام صادق علیه السلام فرموده اند: آیت ائمه علیه السلام ورع، عفت ... نیکو معاشرت کردن با همه و نیکو همسایه داری است. (6)

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند: بر شما باد به تقوای الهی، پارسایی، کوشش در طاعت و بندگی خداوند، ادای امانت، راستگویی و حسن و هم جواری که این موارد اساس رسالت حضرت محمد است. (7)

حد و حقوق هم جواری

یکی از همسایگان که به گردن ما حق دارد مسجد است.

ص: 69

1- . خطبه قاصعه نهج البلاغه.

2- . نهج البلاغه، خطبه همام (193).

3- . همان، نامه 47، بحار الانوار، ج 71، ص 153.

4- . تاریخ یعقوبی، ج اول، ص 201.

5- . نهج الشهاده، ص 316.

6- . بحار الانوار، ج 74، ص 158.

7- . همان، ج 78، ص 348.

زریق می گوید از امام صادق علیه السلام شنیدم که فرمودند: به عرض حضرت علی علیه السلام رسانیدند که گروهی از همسایه های مسجد کوفه در نماز جماعت مسجد حاضر نمی شوند. امام فرمود «یا باید با ما در نماز حاضر گردند و یا آن که دور شوند تا با ما همسایه نباشند و ما هم جوار آن ها نباشیم.»⁽¹⁾

امام صادق علیه السلام نیز فرموده اند: کسی که در همسایگی مسجد سکونت دارد و در مسجد برای ادای نماز حاضر نشود نمازش، نماز نیست، مگر این که مریض باشد یا مشغول اموری لازم و ضروری گردد.⁽²⁾

براساس روایات مستند، در روز قیامت در دادگاه عدا الهی یکی از سه چیزی که از مسلمانان شکایت می کند مسجدی است که در همسایگی انسان باشد و برای خواندن نماز به آن جا نرود.⁽³⁾

مسئله: مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند، و همسایه او نشود و از او زن نگیرد و او به زن ندهد.⁽⁴⁾

شیخ طوسی در تهذیب از طلحه بن زید نقل کرده است که امام صادق علیه السلام فرموده اند: امیر المومنان علی علیه السلام تاکید نموده اند که همسایه مسجدی که برای ادای نمازهای واجب، در حالی که سالم است و فراغت هم دارد در مسجد حضور نیابد نمازش کامل نمی باشد، البته نه آن که نمازش باطل باشد. بلکه نماز وی از آن آثاری که نماز مقبول درگاه پروردگار باید برخوردار باشد، محروم است.⁽⁵⁾

فقها به استناد این روایت ها و سفارش های موکد حضرت رسول اکرم صل الله علیه و آله و ائمه هدی علیهم السلام نماز خواندن در مسجد را برای همسایه اش مستحب موکد دانسته و ترک نماز در مسجد توسط همسایه را مکروه قلمداد نموده اند. مرحوم آیه الله سید محمد کاظم یزدی فرموده اند: برای همسایه مسجد مکروه است که بدون عذری نمازش را در غیر آن مسجد اقامه کند.⁽⁶⁾ در رساله های علمیه نیز می خوانیم:

ص: 70

1- . المحججه البيضاء، فیض کاشانی، ج اول، ص 342.

2- . همان.

3- . وسایل الشیعه، ج سوم، ص 483، سفینه البحار، ج اول، ص 600.

4- . توضیح المسائل امام، مسئله 897.

5- . بحار الانوار، ج 83، ص 354.

6- . عروه الوثقی، با حواشی امام خمینی، ص 211.

مستحب است نمازهای واجب خصوصا نمازهای یومیه را به جماعت برگزار کنند و در نماز صبح، مغرب و عشاء، خصوصا برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان صبح را می شنود بیشتر سفارش شده است.

در خصوص حد همسایگی، رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: تا چهل خانه از روبرو، پشت سر، طرف راست و سمت چپ همسایه محسوب می گردند. (1) براساس این روایت افراد کثیری همسایه یکدیگرند و لازم است حقوق هم را رعایت کنند. اگر به این سفارش اسلام عمل گردد، مردمی که تا مسافت های قابل توجهی با هم زندگی می کنند بسیاری از دشواری ها را پشت سر نهاده و از زندگی توأم با آرامش و مودت برخوردار می شوند.

بنا به فرمایش خاتم رسولان، همسایگان به سه دسته تقسیم می شوند:

1- همسایه ای که از سه نظر بر گردن ما حق دارد؛ حق همسایگی، حق خویشاوندی و اسلام (برادر دینی)،

2- همسایه ای که دارای دو حق است؛ حق همسایگی و حق برادر ایمانی.

3- همسایه ای که صرفا دارای حق همسایگی است و آن حق فردی از اهل کتاب است. (2)

امام صادق علیه السلام می فرماید: آیا مردی از شما شرم نمی کند که همسایه اش حق هم جواری را نسبت به او رعایت کند، ولی او این حق را نشناسد؟ (3)

حضرت محمد صل الله علیه و آله در روایتی حق همسایه را چنین ترسیم نموده اند:

حق همسایه آن است که اگر بیماری به او روی آورد، عیادتش نمایی و اگر از دنیا رحلت نمود، در تشییع جنازه اش شرکت کنی و اگر از تو قرض خواست از پرداخت آن امتناع نمایی و اگر شادمانی در زندگیش رخ داد بر او تهنیت گویی و در ناگواری ها با او شریک باشی. بنای خویش را از خانه ی او فراتر نبرده و او را از نسیم فرح بخش محروم نکنی ... (4) چون میوه ای خریدی مقداری به او هدیه کنی و در غیر این صورت آن را پنهانی به منزل ببری. فرزندان را همراه میوه به بیرون

ص: 71

1- . کافی، ج دوم، ص 669؛ المحججه البیضاء، ج سوم، ص 247.

2- . المحججه البیضاء، ج 3، ص 422؛ نصایح، آیه الله مشکینی، ص 130.

3- . الروضه من الکافی، ج 1، ص 214، آثار الصادقین، ج 2، ص 379.

4- . نهج الفصاحه، ص 291.

خانه نفرست که فرزند او آزرده شود و بوی غذایت او را آزرده نکنی (ناراحت نشود از اینکه نمی تواند تهیه کند) مگر این که مقداری برایش بفرستی. (1)

حق همسایه تنها این نیست که به وی اذیتی نرسد، که این حقی است برای همه، بلکه باید با او به مهربانی، خیر و نیکی رفتار نموده و در آنچه به آن محتاج است مضایقه نکرده و در سلام بر او پیشی گرفت و از احوالی که می خواهد پوشیده باشد، سوال نمود و به هنگام بیماری به عیادتش رفت و اگر همسایه بخواند بر دیوار او تیری (تیر آهن یا تیر چوبی برای پوشش سقف) بگذارد مضایقه نکند و در صورتی که تمایل دارد از راه مختص او، رفت و آمد نماید سخت نگیرد و از اسباب خانه آنچه خواهد دریغ ننماید و چشم خویش را از ناموس او نگه دارد و چون در خانه نباشد از مواظبت منزل مسکونی وی غافل نگردد و با اهل خانه اش لطف و مهربانی کند. اگر از او یاری خواهد به امدادش بشتابد و اگر طلب وام کند در صورت توان تقاضایش را اجابت نماید و بنای خانه ی خود را بدون اجازه ی او رفیع نگرداند که هوای خانه اش را محبوس کند. (2)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: بر شما باد بر خوش همسایگی، به درستی که خداوند عز و جل بر آن امر کرده است. (3) رسول اکرم صل الله علیه و آله توصیه نموده اند: اگر می خواهید که پروردگار و فرستاده ی او شما را دوست بدارند؛ وقتی امانتی به شما سپردند آن را ادا کنید، در سخن گفتن صداقت را در نظر بگیرید و با همسایگان به نیکی رفتار کنید. (4) آن حضرت تاکید نموده اند: آنچه برای خود می خواهی جهت مردم بخواد تا مومن باشی و با همسایگان خوش رفتاری کن تا در زمره ی افراد مسلمان به شمار آبی. (5)

حضرت امام صادق علیه السلام فرمود: بدانید از ما نیست کسی که با همسایه اش خوش رفتاری نکند. (6) حضرت علی علیه السلام نیز در اهمیت این موضوع فرموده اند: خدا رحمت کند کسی که همسایه اش را در نیکی کردن یاری کند. (7)

حضرت موسی بن جعفر علیه السلام فرموده اند: در بنی اسرائیل مردی مومن بود که همسایه ای کافر داشت، همسایه غیر مسلمان نسبت به آن فرد با ایمان مهربان بود. وقتی آن کافر از دنیا

ص: 72

- 1- . مستدرک الوسایل، ج 2، ص 79؛ بحار الانوار، ج 82، ص 93.
- 2- . علم اخلاق اسلامی (گزیده ی جامع السعادت نراقی) ترجمه و گزینش سید جلال الدین مجتوبی، ص 284، کیمیای سعادت، ج اول، ص 428-429 و نیز ر. ک: نزهه النواظر، محدث قمی، ص 129.
- 3- . بحار الانوار، ج 71، ص 150.
- 4- . نهج الفصاحه، ص 110 و 463؛ میزان الحکمه، ج 2، ص 129.
- 5- . نهج الفصاحه، ص 14.
- 6- . اصول کافی، ج 4، ص 492.
- 7- . غرر الحکم، ص 410.

رفت، خداوند در جهنم خانه ای از گل برایش بنا کرد که او را از حرارت آتش حفظ کند و به او از غیر جهنم روزی می رسید. به او گفتند این لطف حق به خاطر مدارا و رفق و انجام کار نیک تو نسبت به همسایه ی مومن در دنیا می باشد. (1)

نیکی به همسایه آثار و برکاتی در همین دنیا دارد، از جمله اینکه رسول اکرم صل الله علیه و آله آن را یکی از چهار چیزی دانسته اند که روزی را زیاد می کند. (2) حضرت علی علیه السلام نیز نوید داده اند: نیکوکاری و خوش رفتاری با خویشاوندان و همسایگان موجب افزایش عمر و آبادانی خانه ها می شود. (3)

حضرت امام رضا علیه السلام فرموده اند: صله ارحام و نیکی با همسایگان دارایی و توانایی مالی انسان را افزایش می دهد. (4)

امام صادق علیه السلام از رسول اکرم صل الله علیه و آله نقل نموده اند: خوش رفتاری با همسایه مرگ را به تاخیر افکند. (5) از آثار دیگر خوش رفتاری آن است که همسایگان را زیاد می کند زیرا دوستان خوش روی انسان افزایش می یابد و مردمان بیشتری با او انس می گیرند؛ چنانکه حضرت علی علیه السلام متذکر گردیده اند. (6) همچنین خوش رفتاری با همسایگان سبب می شود که اگر انسان کاری داشته باشد آنان به یاری او برخیزند و بارش را از دوش او بردارند. به فرمایش علی علیه السلام نیکی به افراد هم جوار خدمه را زیاد می کند. (7)

الفت و امنیت

برخورداری از همسایه ی صالح از عوامل سعادت انسان است. انس و الفت با این گونه انسان ها شکر نعمت و قدردانی از چنین لطفی است. محیط و معاشرت ها، بر روح آدمی اثر می گذارد.

پیامبر اسلام صل الله علیه و آله می فرماید:

من سعاده المسلم سعه المسکن و الجار الصالح، و المركب الهنی؛ مسکن وسیع، همسایه نیک و مرکب مناسب، از سعادت مسلمانان است.

ص: 73

1- . بحار الانوار، ج 8، ص 349.

2- . نزهه النواظر، ص 45.

3- . غرر الحکم، ص 486.

4- صحیفه الرضا، ص 126.

5- . آداب معاشرت از دیدگاه معصومین، ص 110.

6- . همان ماخذ، ص 61.

7- . همان، ص 62.

امام علی علیه السلام می فرماید: همنشینی با هواپرستان فراموش خانه ی ایمان است. (1)

همسایه خوب چون گلی خوشبو است که رایحه ی آن وجود ما را عطرآگین می کند، روح و روانمان را صفا داده و طراوت زندگی را افزون می سازد. همسایه ناشایست چون ماده ای بدبو و متعفن مشام را آزرده و محیط زندگی را آلوده می کند.

گلی خوشبوی در حمام روزی

رسید از دست محبوبی به دستم

بدو گفتم که مشکى یا عبیری

که از بوی دلاویز تو مستم

بگفتا من گلی ناچیز بودم

ولیکن مدتی با گل نشستم

کمال همنشین در من اثر کرد

وگرنه من همان خاکم که هستم

حضرت علی علیه السلام فرموده اند: با کسی همسایه شو که از وی در امان باشی و خوبی او از تو درنگذرد. (2)

امام باقر علیه السلام می فرمایند: شیعه علی علیه السلام کسی است که برای همسایگان خود مایه برکت باشد و با معاشران خویش در صلح و صفا بسر برد. (3)

رسول اکرم صل الله علیه و آله نیز به پیروان خویش توصیه نموده اند، به گونه ای رفتار کنند که همسایگان از دستشان آسوده باشند. (4)

ص: 74

1- . تحف العقول، ص 319.

2- . غرر الحکم، ص 369.

3- . تحف العقول، ص 344.

4- . تنبيه الغافلین، ص 105.

رسول خدا صل الله علیه و آله در بیانی نورانی توصیه نموده اند: وقتی دو نفر تو را دعوت کردند، دعوت آن که خانه اش به محل سکونت تو نزدیکتر است بپذیر، زیرا آن که منزلش در قرب خانه ی شماست در همسایگی تقدم دارد. (1)

حفظ حرمت همسایه و توجه داشتن به ارزش های انسانی او از دیگر وظایف اخلاقی ما نسبت به همسایگان است. رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: هر کس به خدا و روز واپسین ایمان دارد باید همسایه اش را حرمت نهد و او را اکرام نماید. (2) امام ششم علیه السلام نقل می نماید که در کتاب حضرت علی علیه السلام خواندم که رسول خدا صل الله علیه و آله فرموده بود: همسایه همچون نفس انسان است نباید خسروانی متوجه اش شود و نیز روا نیست (بی جهت) مجرم تلقی گردد و حرمت همسایه با احترام مادر برابر است. (3) از آن حضرت نقل شده است که حرمت همسایه چون حرمت خون است و باید همسایه را گرامی داشت، اگر چه غیر مسلمان باشد. (4)

هر گونه رفتار افراد در یک محله یا مجتمع مسکونی مورد ارزیابی قرار می گیرد و همسایگان در مورد شیوه های اخلاقی و خصال و کردار یکدیگر به قضاوت می پردازند و اگر متفقا به خوبی های کسی صحه گذاشتند باید خدا را سپاسگزار بود و در غیر این صورت لازم است در مناسبات رفتاری خود با اهل محل تجدید نظر نماییم و حالات خویش را بازنگری کرده و آنچه را که مورد تایید نیست از خود دور کنیم. ابوذر غفاری از رسول اکرم صل الله علیه و آله پرسید: چگونه بدانم نیکوکار یا بدکار هستم؟ آن حضرت فرمود: هنگامی که از همسایگان شنیدی که درباره ات می گویند به تحقیق نیکو عمل کرد، پس نیکوکاری، و اگر شنیدی که می گویند بد کرد، بدکاری. (5)

گره گشایی از مشکلات همسایگان

توجه به اوضاع معیشتی و مشکلات مالی همسایگان، در نظام ارزشی اسلام از اهمیت والایی برخوردار است و برای مسلمان شایسته نیست که تنها به فکر آسایش و تامین مایحتاج خود باشد و از امور مجاورین خود و اهل محلی که در آن زندگی می کند غافل باشد. اسلام دایره ی زندگی

ص: 75

1- . نهج الفصاحه، ص 25.

2- . المحججه البيضاء، ج 5، ص 125؛ نهج الفصاحه، ص 537؛ کیمیای سعادت، ج اول، ص 427.

3- . اصول کافی، ج 1، ص 465، مشکوه الانوار، طبرسی، ج 1، ص 464.

4- . جامع الاخبار، ص 98؛ نهج الفصاحه، ص 286.

5- . المحججه البيضاء، ج سوم، ص 425.

مسلمانان را از محدوده ی خانواده به دوستان، خویشاوندان و همسایگان گسترش می دهد و بر این اعتقاد است که انسان معتقد به قرآن و قیامت، نباید فقط به فکر رفاه و آسایش خودش می باشد.

نقل شده که عبدالله بن عباس نزد عبد الله بن زبیر آمد. فرزند زبیر خطاب به وی گفت: آیا مرا به پستی و بخل نسبت می دهی؟ او پاسخ داد: آری. زیرا شنیدم رسول اکرم صل الله علیه و آله تاکید می فرمودند: از دایره ی مسلمین خارج است کسی که فقط شکم خود را سیر کند ولی همسایه اش در گرسنگی بسر برد. (1)

در روایتی می خوانیم که حضرت محمد صل الله علیه و آله چنین هشدار داده اند: کسی که خود را سیر کند ولی همسایه اش مشکل داشته باشد به آیین من ایمان نیاورده است. (2)

مومن اجازه ندارد بدون همسایه ی خود سیر شود. (3)

امام سجاد علیه السلام فرمود: کسی که شب را با سیری بگذراند و در همسایگی او مومنی گرسنه باشد، خداوند می فرماید: ای فرشتگان شما را بر این بنده ی شاهد می گیرم؛ من او را به نیکی امر نمودم، ولی اطاعت نکرد و از غیر پیروی نمود، او را به اعمال خودش واگذار نمودم، به عزت و جلالم سوگند هرگز چنین فردی را نمی بخشم. (4)

بنا به فرمایش امام چهارم، از جمله گناهایی که مانع نزول باران می گردد ترک کمک به همسایه است. (5) اگر فردی بیش از نیاز خود پوشاک داشته باشد و بداند کسانی در همسایگی او هستند که بدان نیاز دارند و از دادن به آنان امتناع کند خداوند او را در آتش دوزخ خواهد افکند. (6)

امام صادق علیه السلام در جواب نامه ی یکی از اصحاب نوشت: شنیدم از پدرم و ایشان از آباء گرامی خود، که رسول اکرم صل الله علیه و آله فرمودند: کسی که با شکم سیر سر بر بالین نهد در حالی که همسایه اش با شکم گرسنه در بستر قرار گیرد، ایمان ندارد. اصحاب عرض کردند: با این وضع هلاک می شویم! فرمود: از غذاها یا خرماهایتان آنچه اضافه دارید یا از وجوه نقدی و یا از لباس هایتان به آنان دهید تا بدین وسیله آتش خشم خداوند را خاموش سازید. (7)

ص: 76

1- . تتمه المنتهی، محدث قمی، ص 51.

2- . وافی، ج اول، جزء سوم، ص 96؛ اصول کافی، ج 4، ص 493؛ نهج الفصاحه، ص 559؛ مکارم الاخلاق، ص 71.

3- . نهج الفصاحه، ص 529.

4- . ثواب الاعمال، ص 298.

5- . تفسیر نور الثقلین، ج 5، ص 597.

6- . عقاب الاعمال، ص 298.

7- . پند تاریخ، ج 2، ص 61 به نقل از کشف الربیه.

حضرت یعقوب، فرزند اسحاق و فرستاده ی شایسته خداوند بود، از عادت پسندیده اش این بود که هر شب گوسفندی در خانه اش ذبح می گردید و فرزندان و اهل خانه اش ملزم بودند حداقل نصف آن را برای فقیران، به خصوص همسایگان گرسنه، ببرند. در شب جمعه ای، وقتی نصف گوسفند ذبح شده را انفاق نمودند و نصف باقی مانده را خود میل کردند، مرد مستمندی که در همسایگی این بیت نبوت مسکن داشت، مقارن افطار با زبان روزه بر در خانه ی یعقوب آمد و اظهار داشت روزه هستم از زیادی غذای خویش به من دهید و چندین بار این تقاضا را تکرار نمود. اهل خانه صدایش را شنیدند ولی یا اعتنایی نکردند و یا اینکه در تاریکی شب تشخیص ندادند که او همان همسایه ی فقیر است و در واقع به ادعای او شک نمودند. آن فقیر مومن با ناامیدی از در خانه ی یعقوب رفت، در حالی که ذکر خداوند و حمد الهی را بر زبان داشت و اشکش جاری بود. با همان حال بدون افطار خوابید و گرسنه سر بر بالین نهاد. روز بعد را نیز روزه گرفت و با صبر و متانت خداوند را ستایش کرد و آن روز را بدون خوردن طعامی گذراند.

خداوند متعال به یعقوب وحی نمود: ای فرستاده ی من، به درستی که محبوب ترین پیامبران نزد من کسی است که بر مستمندان ترحم کند و آن ها را به خود نزدیک نموده و غذایشان بدهد و حامی ایشان باشد. دیشب بر بنده ی فقیر ما رحم نکردی و با وجود آن که طعامی در خانه ات بود او را غذا ندادی. او با اشک جاری بازگشت و شکایت گرسنگی خود را به من کرد. ای یعقوب باید بدانی دوستانم را زودتر از دشمنان به کیفر و گرفتاری مبتلا می کنم. اینک آماده ابتلا شوید و بر آنچه رخ می دهد صبور باشید. از همان شب گرفتاری یوسف و مشقات او آغاز گردید، ولی چون او در میدان های آزمایش موفق گشت مقامی والاتر بدست آورد. (1)

ابوذر غفاری می گوید: رسول خدا صل الله علیه و آله به من وصیت کرد که، چون غذایی طبخ کردی، محتویات آن را چنان افزایش بده که بتوانی همسایه را از آن برخوردار سازی. (2)

در موازین شرعی و منابع فقهی توصیه شده است که همسایگان نیازمند را در انفاق، صدقات و زکات فراموش نکنند.

اسحاق بن عمار از امام ابوالحسن علیه السلام درباره ی زکات فطره سوال کرد. آن حضرت فرمود: همسایگان نیازمند نسبت به دریافت آن سزاوارترند. (3)

ص: 77

1- . الجواهر السنیه فی احادیث القدسیه، شیخ حر عاملی، ترجمه زین العابدین کاظمی خلخالی، ص 44-43؛ اصول کافی، ج 4، ص 491.

2- . المحججه البیضاء، ج سوم، ص 425.

3- . من لایحضره الفقیه، شیخ صدوق، کتاب سوم، ج 2، ص 536.

امام خمینی در خصوص زکات فطره چنین فتوا داده اند: مستحب است که فطریه را به بستگان، همسایگان، مهاجرین در راه دین و اهل فقه و عقل و سایر کسانی که چنین اولویت هایی را حائز هستند اختصاص داد. (1)

شعله های شرارت

حضرت علی علیه السلام می فرماید: همسایه بد بزرگترین زیان و سخت ترین گرفتاری هاست. (2)

لقمان حکیم می گوید: من سنگ حمل نموده ام، اما بار سنگینی که از همسایه بد، سنگین تر باشد حمل نکرده ام. همسایه بد همچون کوره آهنگری است، که اگر شعله اش تو را نسوزاند بوی بدترش در تو اثر می کند، یا آن که دودش چشمانت را رنج می دهد.

امام باقر علیه السلام می فرماید: یکی از اموری که کمر انسان را می شکند همسایه ای است که اگر نیکی و خوبی ببیند مخفی کند، ولی اگر لغزشی مشاهده کند آن را آشکار می سازد. (3)

امام صادق علیه السلام فرموده اند: امور عبث دو چیز است: موعظه کردن فردی که آن را نمی پذیرد و در وی اثر نمی گذارد و همسایگی با حریص. (4)

بدرفتاری با همسایگان علاوه بر آن که در دنیا نتایج ناگواری به همراه می آورد موجب محرومیت از رحمت الهی در روز قیامت است، زیرا رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: خداوند به دو کس در روز قیامت به نظر رحمت نمی نگرد؛ آن که با خویشان قطع رابطه کند و آن فردی که با همسایگان بدی نماید. (5)

دوری از آزدن همسایگان نشانی از تقوا و پرهیزگاری است و به فرمایش اهل بیت عصمت و طهارت آن که همسایه اش از شرش در امان نباشد جزء پیروان ما نخواهد بود و نیز از دیدگاه آن فروغ های فروزان ولایت و امامت، مومن کسی است که همسایه ها از آزار و اذیت او آسوده باشند و هر کس از آزدن همسایه اجتناب نماید خداوند در روز قیامت از لغزش او چشم پوشی می کند. (6)

ص: 78

-
- 1- . تحریر الوسیله، ج اول، ص 350.
 - 2- . غرر الحکم، ص 369.
 - 3- . بحار الانوار، ج 78، ص 372؛ تحف العقول، ص 580.
 - 4- . روضه ی کافی، ج 2، ص 52.
 - 5- . نهج الفصاحه، ص 11.
 - 6- . القول الائم، علی اکبر واعظ موسوی، ج 6، ص 156؛ مستدرک سفینه البحار، ج 2، ص 149؛ اصول کافی، ج 4، ص 492؛ عیون اخبار الرضا، ج 2، ص 24؛ وسائل الشیعه، کتاب العشره.

حضرت علی علیه السلام توصیه نموده اند: با کسی همسایه شو که از وی در امان باشی و خوبی او شامل حال تو گردد. نیز از سفارش های آن حضرت است که فرموده اند: آن که همسایگان را سبک می شمارد و ذلیل می دارد هرگز به قله عزت راه نیابد. (1)

رسول خدا صل الله علیه و آله تاکید نموده اند: هر کس به همسایه اش آزاری برساند خداوند بوی بهشت را بر وی حرام می گرداند و جهنم، که بد جایگاهی است، مکاش خواهد بود و کسی که حق همسایه را تباہ کند از ما نیست. در فرازی از سخنان رسول اکرم صل الله علیه و آله که حضرت علی علیه السلام بدان اشاره کرده اند، آمده است: از خصوصیات مومن آن است که همسایه را آزار نمی دهد و نیز همسایگان به دلیل مجاورت خانه هایشان با منزل وی اذیت نمی شوند... (2) فردی که همسایه اش از دست او عذاب می کشد به بهشت نخواهد رفت. (3)

در منابع روایی همسایه آزاری نشانه ی ابله ی است و از علامت های فرومایگان اذیت همسایه معرفی شده است. حضرت علی علیه السلام خائن را با چهار خصوصیت معرفی کرده اند، که یکی از آن ها آزدن همسایه است. (4)

همسایه آزاری

یکی از اصحاب پیامبر اکرم صل الله علیه و آله همسایه ای تندخو و مردم آزار داشت. نصایح آن صحابی در رفتار وی هیچ اثری نداشت. ناگزیر شکایت همسایه ناسازگار را نزد پیامبر صل الله علیه و آله برد. پیامبر صل الله علیه و آله به وی توصیه نمود که بار دیگر در اصلاح اخلاق و تعدیل کردار همسایه اش بکوشد. مرد صحابی نصایح پیامبر را به کار بست ولی رفتار آن مرد تغییر نکرد. کاسه صبر مسلمان لبریز گردید و به محضر خاتم رسولان شتافت و نتیجه معکوس موعظ خود را باز گفت. این بار حضرت محمد صل الله علیه و آله چون شکوه شدید مرد صحابی را شنید و آشفتگی او را بدید، فرمود تا لوازم زندگی و اثاث منزل خود را از خانه بیرون ببرد و در رهگذر مردم بگذارد. شاکی آشفته حال فرمان رسول اکرم صل الله علیه و آله را عملی ساخت و تمام وسایل زندگی را در رهگذر عابرین قرار داد. افرادی که از آن مسیر در حال رفت و آمد بودند و شکایت مرد صحابی را گوش دادند سیل توبیخ و لعنت به جانب آن مرد همسایه آزار روانه کردند و بانگ برآوردند که خدایا او را از منزلش آواره گردان. همسایه متجاوز سراسیمه به محل اقامت

ص: 79

- 1- . نصایح، آیه الله مشکینی، ص 54.
- 2- . بحار، ج 76، ص 333؛ مکارم الاخلاق، ص 429.
- 3- . نهج الفصاحه، ص 527.
- 4- . نصایح، ص 126 و 118؛ تحف العقول، ص 26.

فرد شاکی رفت و سر و رویش را بوسید و زبان به عذرخواهی و آمرزش طلبی گشود و با التماس از وی تمنا کرد تا با امنیت خاطر و اطمینان به خانه ی خویش بازگردد. صحابی عذرخواهی او را پذیرفت و لوازم زندگی را به خانه برد و آن چنان صلح و صفا بین این دو حاکم گردید که دیگر کسی کدورتی میان آنان ندید. (1)

سمره بن جندب نمونه ی دیگر یک همسایه ستمکار است، که به لحاظ اعتقادی و سیاسی نیز پرونده ای مخدوش دارد. این مرد در خانه مردی انصاری درخت خرمائی داشت و هر گاه می خواست به آن سرکشی کند برای آن او اسباب زحمت فراهم می ساخت. روزی صاحب خانه به وی گفت: تو با آمد و رفت بی موقع و بدون اجازه آسایش را از خانواده ی ما سلب کرده ای. سمره بن جندب به تقاضای مرد انصاری وقعی نهاد.

ساکن خانه به محضر رسول اکرم شرفیاب گردید و شکایت سمره را نزد آن سرور عالمیان مطرح ساخت. پیامبر وی را احضار فرمود و به او سفارش کرد سرزده وارد خانه ی مردم نشود و از ناراحت کردن مرد انصاری دست بردارد.

سمره به فرمایش رسول اکرم صل الله علیه و آله عمل نکرد. پیامبر به سمره پیشنهاد کرد نخل خود را با درخت خرما ی دیگری در جایی دیگر عوض کند. او نپذیرفت، پیامبر هر بار درختی اضافه می نمود تا به ده درخت رسید، اما سمره گفت قبول ندارم!

حضرت فرمودند: درخت خود را بفروش و در جای دیگر درختی خرما بخر. باز هم قبول نکرد. رسول خدا صل الله علیه و آله برای حل مشکل مزبور بهای درخت را چنان بالا برد که به چندین برابر ارزش واقعی آن رسید، ولی سمره حاضر به فروش آن نشد. رسول اکرم صل الله علیه و آله فرمود: من ضمانت می کنم اگر در این دنیا برای رضایت خداوند از آن درخت خرما صرف نظر کنی در سرای دیگر خداوند متعال پاداشی مناسب به تو عطا فرماید. وی با نهایت فرومایگی گفت: چنین پاداشی نمی خواهم!

حضرت فرمودند: درخت خود را بفروش و در جای دیگر درختی خرما بخر. باز هم قبول نکرد. رسول خدا صل الله علیه و آله برای حل مشکل مزبور بهای درخت را چنان بالا برد که به چندین برابر ارزش واقعی آن رسید، ولی سمره حاضر به فروش آن نشد. رسول اکرم صل الله علیه و آله فرمود: من ضمانت می کنم اگر در این دنیا برای رضایت خداوند از آن درخت خرما صرف نظر کنی

ص: 80

1- . نک: بحار الانوار، ج 14، ص 384؛ سفینه البحار، ج اول، ص 66؛ المحججه البيضاء، ج سوم، ص 437.

در سرای دیگر خداوند متعال پاداشی مناسب به تو عطا فرماید. وی با نهایت فرومایگی گفت: چنین پاداشی نمی خواهم!

پیامبر صل الله علیه و آله که از تجاسر و سماجت بی جا سمره برآشفته بود، مرد انصاری را مخاطب ساخت و فرمود: بی درنگ برو و درخت او را از ریشه برکن و جلوی بیانداز، زیرا اسلام هر گونه ضرر رسانیدن به مردم را ممنوع ساخته است. وقتی مرد انصاری درخت را از جای برکند پیامبر خطاب به او فرمود: اکنون برو و هر جا که خواستی درخت خود را غرس کن. (1)

تحمل اذیت همسایه

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: سه گروه را خداوند دوست می دارد؛ یکی از آن ها کسی است که همسایه اش او را آزار می دهد ولی او تحمل می کند تا مرگ یا سفر، میانشان جدایی افکند. (2)

رسول اکرم صل الله علیه و آله فرموده اند: دنیا زندان مومن است و بهشت کافر، و مومن اگر در سوراخ موش باشد، خداوند کسی را به پا می دارد تا آزارش دهد و نیز در دنیا مومنی نباشد مگر آن که از همسایه اش آزار ببیند.

از امام موسی بن جعفر علیه السلام نقل شده است که: خوبی به همسایه این نیست که او را اذیت نکنی، بلکه نیکی آن است که در مقابل اذیت او صبر داشته باشی. (3)

اگر همسایه ای مرتکب خلافی گردید و از عذرخواهی برآمد باید پذیرفت. در سروده ای منسوب به حضرت علی علیه السلام آمده است: جوانمردی، یعنی حفظ حقوق دیگران و پذیرفتن عذر همسایه به هنگام عصبانی شدن او. (4)

یکی از مسائلی که کدورت های بین اهل محل را تشدید می کند این است که برخی افراد مدام از موفقیت ها، امکانات و تسهیلاتی که برایشان فراهم می شود سخن می گویند. اگر آدمی توفیق ها و نعمت هایی را که شامل حال او شده حداقل از افراد مشکوک و نفوس ناپاک مستور دارد کمتر آسیب و آزار می بیند.

ص: 81

1- . این ماجرا در کتاب وسایل الشیعه، باب 12 و 13 کتاب احیاء الموات و نیز در کتاب من لایحضره الفقیه باب حکم الحریم آمده است.

2- . نهج الفصاحه، ص 258-259.

3- . اصول کافی، ج 4، ص 491.

4- . دیوان امام علی، ص 60.

حضرت علی علیه السلام این نکته روان شناختی را در عباراتی زیبا بیان فرموده اند: فقر و ساده زیستی (رعایت قناعت) اسلحه ی مومن است؛ او را از رشک و زی همسایگان مصون کرده، از تملق گویی برادران و سلطه گری حاکمان و زورگویان در امان نگه می دارد. (1)

الگوی همسایگی

وقتی رسول اکرم صل الله علیه و آله وارد مدینه شد، مادر ابو ایوب قبل از همه لوازم پیامبر صل الله علیه و آله را به خانه خود برد. الحاح و اصرار برای بردن حضرت محمد صل الله علیه و آله آغاز گردید، رسول اکرم صل الله علیه و آله پرسید: لوازم سفرم کجاست؟

عرض کردند: مادر ابو ایوب آن ها را به خانه خویش برد.

فرمود: مرد آن جا می رود که اسباب سفرش آن جاست. (2)

منزل این مرد، دو طبقه داشت و چون نمی خواست بالای سر آن حضرت باشد، عرض کرد یا رسول الله، فدایتان گردم! من تمایلی ندارم بالای سرتان قرار گیرم. حضرت فرمود: به دلیل رفت و آمد مردم، طبقه پایین برای ما مناسب تر است.

ابو ایوب می گوید: خیلی آهسته گام برمی داشتیم، آرام حرف می زدیم و هر گاه آن سرور عالمیان به خواب می رفت حرکت نمی کردیم و چون می خواستیم غذایی طبخ کنیم درها را می بستیم که دود موجب ناراحتی ایشان نگردد. موقعی که ظرف آبی ریخته می شد با تنها حوله ای که داشتیم فوراً جای خیس شده را خشک می کردیم که چیزی که از آن به طبقه پایین چکه نکند.

ابو ایوب همچنان از اصحاب نیک رسول اکرم صل الله علیه و آله بود و بعد در تمام حوادث در کنار حضرت علی علیه السلام و یارانش قرار گرفت. در حالی که به برکت مجاورت با پیامبر خدا کوله باری از معرفت، خوبی و پاکی را به همراه داشت. (3)

ص: 82

1- . اقوال الاثمه، ج 6، ص 156.

2- . فروغ ابدیت، آیه الله جعفر سبحانی، ج اول، ص 450.

3- . سفینه البحار، محدث قمی، ج اول، ص 51.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

